

مژده ده آن زندگان مرا که بجن ها گوش فرامید بند و از بهترین آنها پیرو می‌سکنند

ابوالحسن بنی صدر
میزان عدالت در قلمرو اقتصاد - ۵

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۶۷۱ از ۲۴ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۳۸۶

می خواهد و نمی تواند؟

- ◀ رابطه با امریکا - چند وظیفه های سازمان ترور در حکومت - تشدید ستیز در رژیم
- وسعت گرفتن جنبشهای اعتراضی و...: ص ۳
- ◀ بوش و اولمرت در تنگنا، موقعیت مساعدی در اختیار ایران یا تنگنایی برای رژیم مافیایها؟ ص ۵
- ◀ تشدید برخورد سنی و شیعه و کنفرانس شرم الشیخ: ایران یکی در برابر همه؟ ص ۶
- ◀ موشکهای ایران دست آویز استقرار سیستم ضد موشک در اروپا
- « دست آوردهای جدید » دست آویز تهدید ایران: ص ۸
- ◀ تیم ترور در پی انحلال دفتر تحکیم وحدت - جبهه برای بعد از مرگ خامنه ای؟! ص ۱۰
- ◀ بی کفایتی، فساد و فقر گستری و کاهش صادرات و افزایش واردات و بیشتر شدن عطش دلارهای نفتی: ص ۱۲
- ◀ ژاله وفا: مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش در ایران
- در قرن ۲۱ - بخش ۱۴: ص ۱۳
- ◀ انواع روشهای تجاوز به حقوق انسان در دانشگاهها: ص ۱۴

انقلاب اسلامی: در مقام برآوردن تقاضای یک خواننده نشریه، یکبار دیگر توضیح می دهیم که الف - در این مجموعه، اصل « ماقال » (آنچه گفته شد) است و نه « من قال » (کسی که گفت) است. بنا بر این، اطلاعات و نظراتی که نقل می شوند، اعتبار خود را از نشریه انتشار دهنده و یا شخص گوینده نمی گیرند. ج - مجموعه ای از داده ها و اطلاع ها و نظرها را ترتیب دادن، چنانکه یکدیگر را نقد کنند و اطلاع صحیح و یا نزدیک به صحیح را در اختیار خواننده بگذارند و حتی المقدور جهت یابی برخوردارها و تحول ها را صحیح نشان بدهد، کاری بغایت مشکل است. شرکت جمع آگاه و مسئول و دلسوز در تدارک داده ها و خبرها و اطلاع ها و نظرها این کار مشکل را آسان کرده و نشریه انقلاب اسلامی را نشریه ای گردانده است که تا این زمان، در تشخیص جهت یابی ها دچار اشتباه نگشته است.

و از زمانی که از تهدیدها به جنگ کاسته شده اند و سخن از گفتگوی مستقیم با امریکا است، رژیم مافیایها در همان حال که می خواهد با امریکا وارد گفتگوی مستقیم شود و با وجود گفتگوهای محرمانه و غیر مستقیم با امریکا، در خود یاری آن را نمی یابد.

در صفحه ۳

ج- پاکنژاد

باز گشت محفلی ها

اتحاد محفلی ها و انسجام باند اسلامی (امامی)

قتلهای سیاسی که در ایران بعد از انقلاب روش جناحی قرار گرفت که کسب قدرت را در دستور کار خود قرار داده بود، در سالهای ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و وزارت فلاحیان بر وزارت اطلاعات، ابعاد تازه ای یافت و سازماندهی شد. بدین ترتیب سازمان ترور با شاخه های گوناگونش تشکیل گردید:

۱- شاخه مذهبی و ایدئولوژیک که کار صدور فتوای قتل و توجیه مذهبی آن را به عهده داشت و اعضای آن از جمله مصباح یزدی، دری نجف آبادی، تسخیری، محسنی اژه ای و حسینیان و... بودند

در صفحه ۱۵

سلب مالکیت تصمیم از بنیادها

در حال حاضر، در جامعه های دارای نظام سرمایه داری لیبرال، بنا بر ظاهر « لایسسته » عمومی است. بنیاد سیاسی (دولت) از بنیاد دینی (کلیسا) جدا است. بنیاد اقتصادی خود مختار است. بنیاد تعلیم و تربیت یا دولتی و یا خصوصی و بنا بر تعریف، « بی طرف » است. بنیادهای اجتماعی و فرهنگی نیز از دولت مستقل هستند (جامعه مدنی). اما در واقعیت، این بنیادها قدرتهای شگانه هستند و بدون سازگاری با یکدیگر، در محدوده روابط قوا، قدرت نمی شوند. در نظام اجتماعی، این بنیادها با یکدیگر در روابط قوا یا در ستیز و یا در سازش هستند.

در برابر این شش قدرت، انسان اختیار دین یا مرام خود را ندارد (اگر دین دار باشد این بنیاد دینی است که او را به دین داری می شناسد و اگر مرام دار است، بنیاد مرام مدار است که او را مرام دار می شناسد). انسان اختیار ولایتی را که از آن او است، ندارد. اختیار « نیروی کار » خود را ندارد. اختیار تعلیم و تربیت خود را ندارد. اختیار موقعیت و منزلت اجتماعی خود را ندارد. اختیار استعداد خلاقه خود را ندارد. زیرا ابتکار و ابداع و کشفی بکار می آید که « بازار داشته باشد ». بازار هم جایی است که قدرت، از راه آن، اعمال می شود:

در روابط قوا، ضعیف تر می دهد و قوی تر می ستاند. واقعیت اینست که « توزیع قدرت » مشکل را حل نکرده است. مانع از پیدایش ابرقدرتهای سیاسی (در حال حاضر امریکا) و ابر قدرتهای اقتصادی (ماوراء ملیها) و ابر قدرتهای دینی (کلیسای کاتولیک و بنیاد دینی در جامعه های مسلمان و...) و مرامی (لیبرالیسم که خود را ایدئولوژی نمی داند اما مدعی است که بدان، تاریخ پایان پذیرفته است چرا که حاصل تجربه جامعه ها است) و ابر قدرت آموزش و پرورش که حتی بیشتر از ماوراء ملی ها، جهان را فراگرفته است. عقول انسانها را، نیز، ابر قدرت « فرهنگی » (سلطه فرآورده های امریکائی بر عقول در همه جا) و ابر قدرت اجتماعی، تکرار نظام اجتماعی غرب، با بنیادهایی که در بردارد و با اصالت فرد که انزوای فرد گشته است، تکرار شده است. در برابر این ابر قدرتها، انسانیت امروز و فردا از کدام آزادی، حتی از کدام اختیار برخوردار است؟

اینک اگر انسان آزاد را الگو بشماریم و این انسان را ضابطه عدالت بشناسیم، در رابطه انسان با بنیادها، ضابطه عدالت عبارت می شود از سلب مالکیت تصمیم بنیادها و باز گرداندن آنها به انسان ها.

• اختیار دین و باور و اختیار سعی (انواع کارها) و اختیار ولایت اعضای جامعه بر اداره امور خویش، اختیار آموزش و پرورش، اختیار انس و علاقه و عشق، و اختیار خلق و ایجاد باید از آن انسان ها باشد و این اختیارها می باید از بنیادها ستانده شوند.

• این کار امکان پذیر نیست. مگر آنکه دین یا مرام، دین یا مرام آزادی باشد. چرا که اگر دین یا مرام، دین یا مرام قدرت باشد، اختیار را از دست انسان پدر می برد و در ید بنیاد دینی قرار می دهد. همینطور هستند سیاست و آموزش و پرورش و عشق و خلاقیت و فعالیت اقتصادی. در حقیقت، به تربیتی که دیدیم، قدرت نمی تواند در انسان استقرار پیدا کند و وسیله کار انسان بگردد. به ضرورت، در بیرون آن قرار می گیرد و انسان را آلت خود می گرداند. اگر بندگان قدرت این واقعیت را در می یابند، دنیای ما، دنیای آزادی و بهروزی می شد. بنا بر این، حالت آزاد ایجاب می کند که هدف هر فعالیت و نیز هدف بنیادهای جامعه رشد انسان در آزادی و آزادتر شدن او به رشد باشد.

• میان حالت آزاد انسان و فعالیتهای بنیادهای جامعه، تضاد به کنار، تراحم نیز نباید باشد. میان بنیادهای جامعه نیز تضاد و حتی تراحم نباید باشد. به تربیتی که در جای خود توضیح داده ام، تنها بر اصل موازنه عدمی و با هدف و روش شدن آزادی این دو تحول بنیادی میسر می شوند. و تقدم و سلطه بنیادی بر بنیاد دیگر، یکی از مسائل لاینحل تمامی جامعه ها، در گذشته و امروز است. هم اکنون در کشور ما داخل بنیادها در وظائف یکدیگر، بحران سختی را پدید آورده است. پیش از این، بحران با شدت کمتری، مشخصه تاریخ ایران بوده است، بخصوص نزاع دائمی بنیاد دینی با بنیاد سیاسی. در غرب، بنیاد اقتصادی حاکمیت پیدا کرده و بحران جهانی را پدید آورده است. به تربیتی که دیدیم، در نظرهایی که پیرامون عدالت اجتماعی اظهار شده اند، از حل این مشکل غفلت شده است. علت نیز آنست که بر اصل ثنویت، این مشکل راه حل پیدا نمی کند. بدین قرار، بنیادهای جامعه باید از بند تبعیض بسود این یا آن و سلطه این بر آن و آن بر این، رها شوند. این رهائی ممکن می شود به:

۱- الغای تبعیض ها،

۲- تجدید سازمان بنیادها بر اصل موازنه عدمی،

۳- تغییر سازمان های تبعیض تراش و تبعیض بان به سازمانهایی تبعیض زدا که گستره آزادی انسان ها را در فعالیتهای سازنده خویش بیشتر می کنند،

۴- قرار گرفتن بنیادها همچون وسیله در اختیار انسان ها.

• شفاف شدن فعالیتهای بنیادها، الغای سانسورهای چهل و چهار گانه و نیز شفاف شدن فعالیتهای انسانها که خود بنیاد رهبری کننده در هر جامعه هستند. (یافتن سانسورهای برقرار در ایران، حاصل تحقیق این جانب بوده است.)

به تربیتی که دیدیم، ابهام ها زاده سانسورها و سانسورها ساخته قدرت (زور) هستند. هر اندازه فعالیتهای انسان ها و بنیادهای جامعه شفاف تر، پهنای آزادی (= لا اکره) فراخ تر و رشد انسان ها در آزادی شتاب گیر تر. از این جا، شفافیت از مهم ترین ضابطه هائی است که ما آنها را یک به یک عدالت می خوانیم و مجموعه آنها را نیز عدالت می شماریم.

در صفحه ۲



• همانطور که در حالت آزاد، حالت رهایی از حدها، حالت فضای اجتماعی باز است، بنیادهای جامعه نیز باید باز باشند. بدین ترتیب:

۱- بنیاد دینی یا مرامی باید به روی اندیشه های راهنما باز باشد و جریان آزاد اندیشه ها را بر قرار کند. حقانیت دین یا مرام مجوز سانسور نیست. بعکس مشوق جریان آزاد باورهاست. زیرا جهل با اظهار علم از میان می رود و علم با اظهار شدن، در وجود می آید. مهمتر از این، آن باوری باور آزادی است و باور آزادی می ماند که جریان آزاد اندیشه ها و باورها را بیشتر تحمل و تشویق کند.

۲- بنیاد آموزش و پرورش باید جریان آزاد دانش ها و فنون و اطلاعات را برقرار کند.

۳- بنیاد سیاسی باید فعالیتهای سیاسی آزاد و مشارکت تمامی اعضای جامعه را در اداره امور جامعه تأمین کند. آزادی فعالیتهای سیاسی یک امر است، بازیافت حق تصمیم و استفاده از این حق در اداره امور جامعه خود، از راه شورا (= مردم سالاری بر اصل مشارکت)، امری دیگر است. جامعه آزاد جامعه ایست که اعضای آن از حق تصمیم برخوردار هستند و در آنچه به اجرای تصمیمهای جمعی مربوط می شود، حتی المقدور تصمیم گیرندگان، خود در اجرای آن، به روش تجربی (= نقد و اصلاح پذیر در روند اجرا)، شرکت کنند.

۴- بنیاد اقتصادی می باید هم کار در اختیار اعضای جامعه بگذارد و هم تصمیم در باره اداره کارفرمایی را از آن کارکنان آن بشناسد.

۵- بنیاد اجتماعی نه ترجمان تضادها که می باید بیانگر توحیدها بگردد. چنانکه رابطه ها ترجمان توحید آزاد بگردند.

در خور یادآوری است که، در حال حاضر، تضادها و نیز مصرف، محور هستند. جامعه آزادی که بر میزان عدل، نظام اجتماعی باز و تحول پذیر می باید، جامعه ایست که در آن، توحید و تولید محور می شوند.

۶- بنیاد فرهنگی با فراهم آوردن اسباب خلاقیت ها، می باید به انسانها امکان دهد که از رهگذر خلق هنر مرزهای ممکن را در نوردند و در ماورای قلمروئی که، در آن، پندار و گفتار و کردار را ممکن می شمارند، فضاهای جدید به روی عقل آزاد و عمل انسان آزاد، بگشایند. کاستن از ضد فرهنگ (= فرآورده های زور) و افزودن بر فرآورده های فرهنگ، فرهنگ آزادی، فراخوانی جامعه آزاد را فراخوانی رشد از راه خلق آنها به یمن هنرمندی، می گرداند.

• تاریخ به ما می گوید:

بخصوص بنیاد دینی است که می باید مدار فعالیت انسان را مدار باز مادی ← معنوی نگاه دارد. اگر این بنیاد، قدرت را ارزش کند، بنیادهای دیگر، شتابان، فضای فعالیت انسان ها را می بندند. این بخاطر آنست که دین و باور راهنما، از راه رابطه با هستی هوشمند و... خدا، فضای فعالیت انسان را باز نگاه می دارد. اگر دین، در بیان قدرت از خود بیگانه شد و بنیاد دینی، قدرت مدار گشت، فضای اجتماعی فعالیت انسانها بسته می شود.

سلب مالکیت تصمیم از بنیادها

راست می گویند که دانش و فن بکار می برند. بنیاد اقتصادی می گوید کارفرمایانها، به حکم رقابت سختی که با یکدیگر دارند، جدیدترین دست آوردهای دانش و فن را بکار می برند. این ادعا که، در مواردی، وقتی بنا بر افزودن بر کارآئی و بهره وری است، صحیح است، در گزینش ها و سمت دهی ها به فعالیتهای ناصحیح است. در حقیقت، در هدفی (رساندن سود به حداکثر) که کارفرما بر می گزیند و روشهایی که بکار می برد، سرمایه سالار است و از توقعات قدرت (در این جا سرمایه) پیروی می کند.

می دانیم اندیشه راهنمایی که راه و روش قدرتمداری را به کارفرما می آموزد، در بخش بزرگ خود، مجاز است. برای مثال، کارفرما در تخریب منابع طبیعت و محیط زیست، نه از دانش و نه از فن پیروی می کند. حتی در بهره برداری از منابع و آلودن محیط زیست، از دانش و فنی استفاده می کند که سود او را بیشتر کند. چنانکه هر جنگی با دروغ آغاز می شود. هدفی که آغازگر جنگ در سر دارد، نه از علم که از مجاز و دروغ مایه می گیرد.

اگر نسبت سرمایه ای که از جریان تولید خارج و در بورس ها بکار می افتند، و اگر بیشتر از دو سوم تولیدات جهان تخریبی هستند، و اگر میزان فقر و قهر در جهان رو به افزایش است، بخاطر آنستکه اندیشه راهنمای خدمتگزاران سرمایه و دیگر اشکال قدرت، بیان آزادی نیست. بیان قدرت است و بخش عمده هر بیان قدرتی را مجازها تشکیل می دهند. برای آنکه میزان مجازهایی که راهبر خدمتگزاران قدرت هستند را اندازه بگیریم، از خود پرسیم:

اگر جریان آزاد دانش و فن بر قرار بود و اندیشه راهنمای انسانها، بیان آزادی بود و هر انسانی این دانش و فن را در رشد خود بکار می برد، اقتصاد جهانیان و زندگی آنها و سمت یابی نیروهای محرکه و... چگونه می شد؟ میزان تخریب در جهان امروز و اندازه دوری جامعه جهانی از جامعه جهانی کمال مطلوب، ما را از شدت و وسعت سنگری آگاه می کند که در روابط سلطه گر - زیر سلطه، از راه بکار بردن بیان های قدرت، راهنمای پندار و کردار خدمتگزاران قدرت، بر انسان و طبیعت روا می رود.

بدین قرار، اندیشه راهنما شدن بیان آزادی و جریان آزاد دانش ها و فن ها و بکار بردنشان در فعالیتهای میزان عدلی است که بدان می تواند اندازه انحراف هر جامعه را از راست راه رشد سنجید.

• از نمایان ترین میزان ها، برای تعیین اندازه آزادی انسان و برقرار شدن رابطه انسان آزاد با بنیادهای جامعه، بمتناهی ابزار کار انسان، بی وجه شدن مصلحت خارج از حقیقت است. در حقیقت، در روابط کنونی، حقوق را انسان دارد (در جامعه هایی که حقوق انسان بطور صوری پذیرفته شده اند) اما وظیفه ها و تکلیفها را بنیادها معین می کنند و اختیار تعیین تکلیف بیرون از حق نیز با آنها است. این کار را بنام «مصلحت» می کنند. بدیهی است که چون قدرت مدار است، مصلحت بیرون از حق و ناقض حق، اعتراضی را بر نمی انگیزد!

برای برآورد میزان تفاوت وقتی تکلیفها عمل به حقوق و مصلحت ها بهترین روشهای عمل به این و آن حق می شوند، کافیت میزان عدل را عبارت بدانیم از این که تکلیف عمل به حق است و مصلحت بیرون از حق، قدرت فرموده و مفسد است و آن را در سنجش فعالیتهای، از جمله فعالیتهای اقتصادی، میزان بگردانیم، در می یابیم که اگر بنیادها اختیار تشخیص و تعیین مصلحت بیرون از حق را از دست بدهند، جهت و مسیر فعالیتهای، و برانگیز (قدرت خواسته) به سازنده بدل می شوند و عرصه های فعالیتهای امکانهایی در دسترس انسان را بیشتر می کند. به این دلیل ساده که عمل به حقوق، خود بیانگر تعقل و تصمیم و عزم و اجرا در آزادی است. اگر انسانها با عمل به حقوق خود، به آنها واقعیت ببخشند، فعالیتهای ویرانگر که لازمه قدرتمداری است، موضوع تصمیم و عزم و اجرا نمی شوند:

نبود فعالیتهای بیرون از حقوق، نبود قدرت و بود آزادی است. مصلحت بمتناهی بهترین روش عمل به این یا آن حق، نوعی جدید از رابطه میان انسان با واقعیتها و زمان و مکان برقرار می کند:

• در حال حاضر، رابطه انسان با زمان و مکان را، بنیادها تنظیم می کنند. زمان و مکانی که بنیادها محدود عمل انسان می کنند، محدود هستند. میزان محدودیت، زمان به زمان بیشتر شده است. چنانکه انسانها اغلب از کارهایی که بنیاد اقتصادی بیشتر و بنیادهای دیگر کمتر ایجاد می کنند، پیدا نمی کنند. به انسانیت زمان خود که بنگریم، اکثریت بسیار بزرگی را گرفتار بیکاری آشکار و پنهان می یابیم. از کارهای دیگر که در حالت آزاد، هر انسان انجام می دهد، هیچ اغراق نیست اگر ۹۹ درصد انسانها را محروم بشماریم.

دیدیم که حالت آزاد، نیازمند زمان و مکان بی نهایت است. بنا بر این، بنیادهای اجتماعی برضد فطرت و طبیعت انسان و در خدمت قدرت مداری ساخت گرفته اند. حال آنکه، در آغاز، جامعه ها از آن رو پدید آمدند که انسان ها، در حالت آزاد، بتوانند کار و زندگی کنند و در آزادی رشد کنند و به رشد، آزاد تر شوند. به سخن دیگر، بنیادها وقتی سالم می شوند که هر انسان زمان و مکان بیاید. وطن آنجا نیست که زمان و مکان آدمی بی نهایت می شود؟

برای آنکه بنیادهای جامعه این زمان و مکان را در اختیار اعضای آن قراردهند، باید در آنها و بدانها، انسانها در روابط آزاد قرار بگیرند. برای مثال، خانواده یک بنیاد اجتماعی است. در حال حاضر، این بنیاد از روابط قوا ساخت می جوید و این روابط محدود شده زمان و مکان اعضای آن را بوجود می آورند. اینک فرض کنیم زن و شوهری به عشق، خانواده را بنا کرده اند و میان آنها رابطه قوا نیست. در این خانواده، نه تنها هریک از دو همسر قلمرو فعالیت دیگری را گسترده تر می کند، بلکه محیط اجتماعی فعالیت آنها، محیط خالی از زور یا بی

کران لاکراه می شود. در این محیط، زمان و مکان فعالیتهای اعضای آن نامحدود و فعالیتهای آزاد هستند. حال اگر بنیادهای جامعه را بر اصل موازنه عدلی بازسازی کنیم، جامعه ای پیدا می کنیم آزاد، با اعضای جامع. همان انسان جامع تحقق پیدا می کند که از دیرگاه، عارفان «از دیو و دد ملولند» و در آرزوی این انسانند و اندیشمندان در پی یافتن شرائط و امکانات ظهور او هستند.

بدین قرار، میزان عدالت که اندازه سلامت بنیادهای جامعه را بدان می سنجیم، اندازه فراخی زمان و مکان اجتماعی است که این بنیادها در اختیار اعضای جامعه قرار می دهند. هر اندازه زمان و مکان اجتماعی فراختر، بنیادها از زور خالی تر و در آنها، رابطه ها آزاد تر.

• رابطه با محیط زیست نیز توسط بنیادهای جامعه برقرار می شود. به نسبتی که بنیادهای جامعه در خدمت قدرت هستند، رابطه انسان با محیط زیست بیشتر رابطه قوا است. می دانیم که غرب به خود می بالید که تنها او صاحب فرهنگ رشد است. زیرا بر طبیعت مسلط گشته است. مردم قاره های دیگر این فرهنگ را ندارند. از این رو، رشد نمی کنند! و امروز، حاصل این سلطه انسان بر طبیعت، بر باد رفتن منابع طبیعت در غرب و بقیت جهان، آلودگی مرگ آور محیط زیست شده است.

بنا بر این، میزان عدالت عبارت می شود از قطع رابطه قدرت با محیط زیست و برقرار شدن رابطه مستقیم انسان آزاد با محیط زیست.

انقلابی که در بنیادهای جامعه باید پدید آید تا این رابطه مستقیم میان انسان آزاد و محیط زیست برقرار شود، از لحاظ حال و آینده انسان و طبیعت اهمیت حیاتی دارد. چرا که استفاده از محیط زیست را به اندازه رفع نیاز، همراه با عمران طبیعت و بهبود محیط زیست، میسر می کند.

این میزان ایجاب می کند که بنیادها حق گرفتن تصمیم را به انسانها بازپس دهند و بنیادها وسیله اجرای تصمیم هائی بگردند که انسانها می گیرند. بدیهی است هر اندازه مشارکت اعضای جامعه در اداره امور خویش بیشتر، رابطه آنها با محیط زیست مستقیم تر. بطور مشخص، با برقرار کردن حق هر فرد بر کارمایه و آب و غذا، هم برای زیستن و هم برای کار کردن، در اندازه ای که طبیعت معین می کند، میزان حاکم بر جهت یابی نیروهای محرکه (سرمایه و فن و کار و...) در تمامی دنیا و نیز در هر کشور، به دست می آید. بنا بر این میزان، در همه جا، عمران طبیعت و سالم شدن محیط زیست، اولویت پیدا می کند. و وقتی بدانیم که نسلا از پی یکدیگر در این طبیعت می باید زندگی کنند، با این امر موافق می شویم که میزان سنجش آزاد بودن و یا قدرت محور بودن بنیادهای جامعه، همواره رابطه مستقیم انسان با محیط زیست و فعالیت خودجوش انسان با



در فصل اول، مجموعه ای از خبرها را می یابید که از ایران دریافت کرده ایم و خبرهای انتشار یافته در ایران و یا خارج از ایران را بر آنها افزوده ایم.

در فصل دوم، خبرها و اطلاعات گویای ضعف حکومت‌های بوش و اولمرت را گردآورده ایم. آیا رژیم مافیاهای این ضعف را برای بیرون آمدن از انزوای بین المللی و از محاصره نظامی - اقتصادی ... مغتنم می شمارد و از فرصت برای رشد شتاب گیر استفاده می کند و یا فرصت را می سوزاند و برای امریکا و اسرائیل دست آویز می سازد؟

در فصل سوم، خبرهای گویای تشدید برخوردها میان سنی و شیعه در عراق و منطقه و کنفرانس شرم الشيخ را می آوریم که، در آن، «رابطه ایران و امریکا محور» بود اما هیأت ایران یکی در برابر همه شد و برای حکومت بوش دست آویز ساخت.

در فصل چهارم، تحقیقی را در باره موشک‌های ایران و استقرار سامانه (سیستم) ضد موشکی در لهستان و چک و تقابل امریکا و روسیه بر سر استقرار این سامانه و ناچیز بودن توان موشکی ایران و دست آویز شدنش و نیز دست آویز سازی احمدی نژاد در قلمرو اتم و خبرهای گویای تقابل غرب و شرق با رژیم بر سر «برنامه اتمی ایران» می آوریم.

در فصل پنجم تشکیل تیم ترور در حکومت احمدی نژاد و دو طرح اول آنها، یکی از میان بردن دفتر تحکیم وحدت و دیگری ضربه زدن به جبهه هاشمی رفسنجانی و خاتمی و کروی و نیز دو تحلیل و گزارش، یکی از فیگارو و دیگری از گاردین را می یابید.

در فصل ششم، داده های اقتصادی گویای وخامت بارتر شدن وضعیت اقتصاد کشور را گرد آورده ایم.

در فصل هفتم، بخش ۱۴ از تحقیق ژاله وفا در باره مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش را می خوانید. و در فصل هشتم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را از نظر شما خوانندگان گرامی می گذرانیم:

رابطه با امریکا - چند

وظیفه های سازمان

ترور در حکومت -

تشدید ستیز در رژیم

- وسعت گرفتن

جنبشهای اعتراضی

و ... :

* رو و زیر رابطه با امریکا :

گفته می شود ایران در جریان آرام سازی عراق وارد معاملاتی با امریکایی ها شده است. به همین دلیل برخی دستگیری عبدالهادی عراقی از فرماندهان طالبان که در مرز ایران و عراق دستگیر شده است را کارافراد دوایر اطلاعاتی ایران می دانند. گزارش این توقیف را به امریکاییان داده اند.

با توجه به مذاکرات پشت پرده سیاسیون ایرانی و امریکایی و همچنین

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند ؟

افغانستان را بر عهده داشته و طراح ترور ناکام پرویز مشرف، رییس جمهور پاکستان بوده است. در ۱ مه گفته است : العراقی، همزمان با تلاش برای ورود به عراق به منظور مدیریت عملیات‌های گروه القاعده در این کشور و طراحی حملات احتمالی علیه اهداف غربی در خارج از عراق، دستگیر شده است.

* سرشاخه ها و چند وظیفه

ایهای سازمان ترور در حکومت

احمدی نژاد مقامهای اول را یافته اند:

با مشاور شدن سردار وفايي گروه مشاوران احمدی نژاد روز به روز کامل تر می شود چند روز پیش روح الله حسینیان (کسی که خود گفت : ما خود یک پا قائلیم و کسی که از همدستان سعید امامی بود) نیز به سمت مشاور سیاسی و امنیتی ایشان برگزیده شد و با ورود این شخص به حکومت که در اعدامها و ترورها شرکت داشته است، شبکه ترور و جنایت در حکومت، روز به روز تکمیل تر می شود : احمدی نژاد و پورمحمدی « وزیر » کشور، ذوالقدر، « معاون » امنیتی وزارت کشور، اژه ای « وزیر و اوواک »، متکی « وزیر » امور خارجه و صفار هرندي، « وزیر » ارشادی که متصل می شود به حسین شریعتمداری (مدیر مسئول کیهان) و دری نجف آبادی « دادستان کل » دیوان کشور. و سعید مرتضوی، « دادستان » تهران.

پرسش اینست : سر شاخه ها و چند وظیفه ایهای سازمان ترور چرا در حکومت جمع آمده و مقامهای کلیدی را در اختیار گرفته اند ؟ پاسخی که در تهران برای این پرسش یافته شده، اینست که با توجه به متلاشی شدن « اصول گرایان » در چندین گروه و کوششهایی که برای تشکیل جبهه از گرایشهای درون رژیم بعمل می آیند، مافیاهای نظامی - مالی حامی حکومت احمدی نژاد در موضع تدافعی قرار گرفته است و غیر اجرای طرح انحلال دفتر تحکیم وحدت و بدست آوردن مهار کامل دانشگاهها، احتمال داده می شود این بار قربانیان (مثل ترور حجاریان) ترور از فعالان گرایشهای درون رژیم باشند :

* طرح حذف دفتر تحکیم

وحدت و به مهار در آوردن

دانشگاهها را سرشاخه ها و چند

وظیفه های سازمان ترور به اجرا

گذاشته اند و آن را « انقلاب

فرهنگی دوم » می خوانند :

تیمی که باید آن را تیم ترور خواند، در حکومت احمدی نژاد، کار سرکوبهای معلمان و دانشجویان و زنان و کارگران را برعهده دارد. اعضای این تیم همه در ترورها و دیگر جنایتها سابقه دار هستند. با توجه به انزوای خارجی ایران و فشار ۶ کشور به ایران، موقع را مناسب ایجاد بحران شدید و استفاده از آن برای تعطیل دفتر تحکیم وحدت و منصرف کردن مردم از بحران اتمی، مناسب یافته است.

گناه جدید دانشجویان همکاریشان با معلمان و زنان و کارگران در جنبشهای آنها است.

زاهدی « وزیر » آموزش عالی باتفاق بسیجی ها منشور تهیه شده توسط تیم ترور را، انتشار داده است. بنا بر این منشور، تشکیل هر انجمن اسلامی می باید طبق این منشور انجام شود. در برابر، دفتر تحکیم نیز مشغول تهیه منشوری است.

انقلاب اسلامی : گزارش تفصیلی را دورتر، خواهید یافت.

* فاطمه رجبی از حسینیان می

خواهد هویت قاتلان سعید

امامی که بزعم او از « اصلاح

طلبان » هستند را معلوم کند اما

حسین شریعتمدار نسبت به

هویت او مشکوک است :

در ۱۲ اردیبهشت، فاطمه رجبی، همسر غلامحسین الهام، « وزیر دادگستری » و سخنگوی دولت، در سایت خود، از روح الله حسینیان خواسته است اعلان قتل سعید امامی را شناسائی و مورد تعقیب قرار دهد. او نوشته است: کشته شدن سعید امامی عاملان دوم خردادی ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای را از مهلکه نجات داد. حسینیان باید فضاحت‌های دوران یونسی و خاتمی در واواک را موضوع تعقیب قرار دهد.

و نیز او خواسته است ماهیت قاتلان شهید لاجوردی را بدقت معین کند. و پیش از تحقیق، مدعی شده است قاتلان از دسته رجوی و اصلاح طلبان تشکیل شده و همواره در حاکمیت دخیل بودند. و باز نوشته است : شهید صیاد شیرازی مورد کینه اصلاح طلبان بود.

اما حسین شریعتمداری نسبت به هویت سعید امامی مشکوک است :

بنا بر سایت همبستگی (اردیبهشت ۸۶، به نقل از ایسنا) حسین شریعتمداری، در دانشگاه اصفهان، در پاسخ به سنوایی در باره قتل‌های زنجیره ای گفته است: قبل از همه مطرح کرده بودم ریشه قتل‌های زنجیره ای مוסاد است. به دلایل آن نیز پرداختم، اما در مورد سعید امامی، قبل از این ماجراها، چهار سند مکتوب دارم که نسبت به هویت امامی تردید کرده و به صورت مکتوب نیز آن‌ها را اعلام کرده‌ام. کسانی که موضوع قتل‌های زنجیره ای را می‌پنجاند، می‌ترسند از این که دست‌شان را رو کنیم، اما این کار را نمی‌کنم.

* توقیف موسویان یعنی دو

طرف آماده درگیریهایی شدید

می شوند :

به دنبال انتشار خبر اجتماع هاشمی رفسنجانی با خواص خود و تصمیم بر تشدید مبارزه با احمدی نژاد توسط انقلاب اسلامی و گزارش گاردین از تهران (نکات اصلی آن را در همین مجموعه، در جای خود، می آوریم) حاکی از جبهه سازی به رهبری هاشمی رفسنجانی و خاتمی و کروی تأکید بر این که در صورت پیروزی این جبهه در انتخابات و برکناری

احمدی نژاد، جبهه مشکل اتمی را از راه گفتگو با غرب حل خواهد کرد و نیز جلسه خاتمی با اصلاح طلبان، مافیاهای نظامی - مالی حامی احمدی نژاد و حکومت او نیز آماده مقابله شده اند. شهردار تهران و بحران اتمی و رابطه با امریکا و بحران اجتماعی (معلمان و دانشجویان و زنان و کارگران) چهار موضوعی هستند که بر سرشان، در روزها و هفته های آینده، ستیزهای سخت روی خواهند داد.

انقلاب اسلامی : دستگیری سید حسین موسوی توسط سعید مرتضوی (عضو سازمان ترور) « دادستان » تهران، شکایت الهام، سخنگوی حکومت احمدی نژاد، از باند هاشمی رفسنجانی و ... را می توان شروع این ستیز خواند : در ۱۲ اردیبهشت، سید حسین موسوی، دستگیر شد. او از نزدیکان هاشمی رفسنجانی است. در حکومت او سفیر ایران در آلمان شد و بنا بر شهادت مصباحی، در جنایت میکونوس شرکت داشت. در حکومت خاتمی، جزء تیم مذاکره کننده بر سر پرونده اتمی ایران شد. و اینک معاون پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک وابسته به مجمع تشخیص مصلحت است.

او متهم است در ارتباط با یک مقام خارجی بوده و با او مبادله اطلاعات می کرده است. افزون بر جاسوسی به فساد مالی نیز متهم است.

اما بنا بر اطلاع از ایران، علت دستگیری او، قطع کردن رابطه هاشمی رفسنجانی با طرفهای غربی خویش است. موسوی یکی از رابط های او با امریکائیه و اروپائیه و آژانس بین المللی انرژی اتمی بوده است.

انقلاب اسلامی : خبر زیر که بنا بر آن، احمدی نژاد پیش از دستگیری موسویان گفته است « خیانت در پرونده اتمی را کشف کردیم » بسی گویا است :

در ۱۳ اردیبهشت سایت عدالتخانه، خبر داده است : چندی پیش احمدی نژاد در جلسه‌ای خصوصی خطاب به شرکت کنندگان گفته است : در خصوص پرونده هسته‌ای به اطلاعات جدیدی دست یافته ایم که غیر قابل باور است.

او از خیانت برخی از مسئولان پرونده هسته‌ای و ارتباطشان با بیگانگان خبر داده و افزوده است : در حال حاضر پرونده این افراد در دست بررسی است و بعد از تکمیل اطلاعات اقدامات مقتضی به عمل خواهد آمد و ملت عزیز ایران در جریان مسائل قرار خواهند گرفت.

مشا اطلاعات دریافتی در این باره، خارج از کشور است. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی کشور به سرخ‌های جدید دست یافته و موضوع را دنبال می کنند.

در ۱۲ اردیبهشت، روزنامه خراسان سخنان الهام سخنگوی حکومت را در همایش سروش عدالت در مشهد نقل کرده است:

• دانشگاه آزاد با سرقتی نظام جمهوری اسلامی تاسیس شد اما پس از مدتی در انحصار جریان خاصی قرار گرفت. این جریان با فشارهایی که بر دولت کنونی وارد آورد برنامه‌های احمدی نژاد را در تکمیل اهدافی که در دانشگاه آزاد داشت ناتمام و کاملاً متوقف کرد.



● مبارزه جدی دولت با فساد اقتصادی با مخالفت‌های برخی جریان‌ها روبرو است. بسترهای فساد در دستگاه‌های اجرایی تا حد زیادی مسدود و سیستم خانوادگی که در این دستگاه چمبره زده و ماندگار شده بود، متلاشی شد... یکی از مراکز فساد سیستم بانکی است. در زمینه عملکرد دولت در مبارزه با گرانی و افزایش قیمت‌ها، دولت با محدودیت و چارچوب‌هایی مواجه است. دولت حق قیمت‌گذاری کالا، کنترل میزان صادرات و دخالت در تعزیرات حکومتی را ندارد. صادر کردن موارد مورد نیاز مردم به خارج از کشور و واگذاری تعزیرات حکومتی به اصناف باعث گرانی کالاها شده است.

● او، در پاسخ به پرسش در باره علت گرانی‌ها و گرانی مسکن، از فعالیت حداقل سه باند مخوف در حوزه مسکن خبر داد که با همکاری برخی بخش‌های عمومی باعث گرانی مسکن شدند. تلاش‌هایی صورت گرفته تا دولت در حوزه مسکن به زمین بخورد. یک بانک خصوصی هزار میلیارد تومان به بازار مسکن تهران وارد کرد. در زمینه تحقق عدالت علی‌رغم وجود برخی گرانی‌ها در جامعه، عدالت به ارزان شدن گوجه فرنگی و مسکن نیست. این ادعا که دولت در یک جاده صاف و هموار با همراهی همه دستگاه‌های نظام در حال حرکت است نادرست است. مجلس شورای اسلامی و سازمان بازرسی کشور اقتدار دولت را در برخی موارد زیر سوال برده‌اند. اقتدار قانونی دولت حتی در موارد کاملاً اجرایی مثل ساعت کار بانک‌ها و تغییر ساعت رسمی کشور از دولت گرفته شده است. مصوبه مجلس در مورد تجمیع انتخابات ریاست جمهوری و مجلس مغایر با قانون اساسی است. اگر دولت از تجمیع انتخابات پشیمان باشد، چه کسی را باید ببیند.

انقلاب اسلامی: سه باند مافیائی را معرفی نمی‌کند. تنها از یک بانک خصوصی سخن بمیان می‌آورد که ۱۰۰۰ میلیارد تومان وارد بازار مسکن کرده است. در عوض، در مورد دانشگاه آزاد، هاشمی رفسنجانی (رئیس هیأت امنا دانشگاه آزاد) و باند او را بدون نام بردن معرفی می‌کند. در مبارزه با فساد هم که از «سیستم خانوادگی» سخن بمیان می‌آورد، باز هم روی سخن او، با خانواده هاشمی رفسنجانی و خانواده‌های دیگری است که در مافیاهای حامی حکومت احمدی نژاد نیستند و با این مافیاهای در نزاع هستند. و چون به «تجمیع» انتخابات ریاست جمهوری و مجلس می‌رسد، اشکار می‌کند که در مجلس مافیاهای نیز، اکثریت اصول‌گراها نیز با این حکومت مخالف شده‌اند.

* پاتک جبهه ضد حکومت احمدی نژاد: موسویان آزاد و قالیباف شهردار تهران شدند:

◀ در ۱۹ اردیبهشت، سید حسین موسویان، با سپردن ۲۰۰ میلیون تومان وثیقه، آزاد شد. با وجود اتهام جاسوسی و ادعای وزیر واواک که چند تن دیگر نیز در رابطه با اتهام او دستگیر شده‌اند، آزادی موسویان را ضربه سختی به حکومت احمدی نژاد ارزیابی کرده‌اند.

◀ ضربه سخت دوم، انتخاب قالیباف به مقام شهرداری تهران با رأی از ۱۲ رأی از ۱۵ اعضای شورای شهر تهران بود

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

کردند. و هنوز، سخنرانی سخنران دوم به پایان نرسیده، ختم مراسم را اعلام کردند. اما کارگران که دانشجویان و معلمان نیز به آنها پیوسته بودند، همچنان وارد ورزشگاه می شدند و کارگران شعار می دادند. این بار نوبت به قوای سرکوب رسید که به جان کارگران بیفتند و آنها را متفرق کنند.

◀ بنا به گفته دری نجف آبادی، «دادستان» کشور هر زنی که بد حجابی کند و در تهران دستگیر شود، اگر جرم او ثابت شود او را به ۵ سال تبعید از تهران محکوم خواهند کرد. این تهدید عدالت‌خواهانه و عدالت‌محورانه از سوی دری نجف آبادی از مسئولین و مفتیان جنایت‌های سیاسی (فروهرها و نویسندگان، مختاری و پوینده و شریف و زالزاده و...) توی دهن هاشمی شاهرودی، «رییس» قوه قضاییه زدن است که با مبارزه با بدحجابی رئیس نیروهای انتظامی مخالفت کرده است.

◀ در رویارویی با جنبش دانشجویی رو به گسترش، واواک و شاخه تبلیغاتی سازمان ترور (شریعتمداری و کیهان و خبرگزاری فارس و رجا نیوز و...) دست به کثیف ترین روشها در پرونده سازی بر ضد دانشجویان زده اند. در همان حال، چماقداران و چاقوکشان رژیم در دانشگاه های مختلف کشور وارد دانشگاهها می شوند و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند:

● کیهان (۱۰ اردیبهشت) این پرونده سازی بس کثیف را در همکاری با واواک ساخته است: «بابک-ز» (بابک زمانیان) یک عضو طیف غیرقانونی دفتر تحکیم وحدت که اوایل هفته جاری به جرم تلاش برای ایجاد تشنج در میان کارگران تجمع کننده مقابل قوه قضاییه با شکایت کارگران توسط نیروی انتظامی دستگیر شده بود، روز گذشته در اعترافات خود از نقشه شوم یک سازمان اروپایی وابسته به دولت آمریکا که توسط فرزند دیک چنی اداره می شود، پرده برداشت.

وی در اعترافات خود در بازداشتگاه نیروی انتظامی اعلام کرده که با عوامل سازمان منافقین در ارتباط بوده است. و همچنین از مأموریت خود و اعضای طیف علامه تحکیم وحدت برای انجام یک عملیات انتحاری در کشور و سپس انداختن مسئولیت آن به گردن نیروهای حزب الهی خبر داده و اعلام کرده است که این نقشه «مؤسسه هیفوس هلند» با هدف ایجاد تشنج و برهم زدن فضای دانشگاه های ایران اجرا می شود.

فرد بازداشت شده در اعترافات خود عنوان کرده که مطالبی توهین آمیز نسبت به کلیه مقدسات اسلام و نظام جمهوری اسلامی توسط برخی نویسندگان متواری روزنامه های زنجیره ای برای افراد خاص در داخل ارسال می شود و آنها موظفند این مطالب را در سطح وسیع از طریق نشریات دانشجویی دانشگاه ها منتشر کنند.

«بابک-ز» دلیل انتخاب این زمان برای اجرای این نقشه را تلاقی با روز کارگر و تلاش همزمان برای به تشنج کشیدن تجمع های کارگری در کشور عنوان کرده است.

● در ۱۰ اردیبهشت، در همان حال که دانشجویان دانشگاه امیر کبیر در

جنبش بودند، حدود ظهر، واواکیها با عنوان ها و در قطع های نشریه های دانشجویی که از سوی اعضای انجمن اسلامی دانشجویان انتشار می یابند، نشریه هائی را جعل و توسط «بسیجی ها»، در دانشگاه پخش کردند. در آن کاریکاتور خامنه ای چاپ شده و انتقادهای سخت از او بعمل آمده است. به دنبال پخش نشریه های مجعول، واواکیها و بسیجی ها، طبق برنامه، به دفتر «رییس» دانشگاه ریخته و خواستار اخراج کلیه اعضای انجمن از دانشگاه شده و در پیانه ای خواستار بازداشت همه اعضای انجمن شدند.

اعضای انجمن که تازه از موضوع اطلاع یافتند برای جلوگیری از به نتیجه رسیدن توطئه واواک به دفتر رییس دانشگاه رفتند، واواکیها و بسیجی ها با سلاح سرد (چوب و چماق و میله) به آنها حمله کردند و بسیاری از اعضای انجمن مجروح شدند و سر و صورت آنها در خون شد. شدت ضرب و شتم بعدی بود که بعضی از دانشجویان بیهوش شدند.

مدیر فرهنگی دانشگاه که از پیش با واواک و بسیج هماهنگ شده بود، پس از نیم ساعت از شروع اجرای طرح واواک، با صدور بیانیه ای، همه نشریه های دانشگاه را توقیف کرد و خبر از برخورد با مسوولان این نشریه ها را داد.

و در ۱۲ اردیبهشت، سخنگوی قوه قضاییه خبر از توقیف ۴ تا ۵ نفر داد ها. متهمند به تهیه و انتشار این نشریه ها. چون از او پرسیدند این عده دانشجوی هستند؟ او پاسخ داد: کسانی هستند که این نشریه ها را انتشار داده اند!!

مشاهده می شود که واواک ولایت مطلقه فقیه، در مقام پرونده سازی، از ناسزا به خدا و پیامبر (ص) و علی (ع) و ولی فقیه مطلقه، کمتر واهمه ای ندارد. این رژیم، رژیم ویرانگری همه جانبه و همگانی است.

◀ در ۱۲ اردیبهشت، «روز معلم» معلمان سراسر کشور اعتصاب و اجتماعاتی ترتیب دادند. بدین قرار، جنبش معلمان بخاطر آتکه حکومت قانون خود ساخته را اجرا کند و معلمان حداقل زندگی را پیدا کنند، دو ماه است که بطور متوالی ادامه دارد. و این برغم دستگیریها و دیگر اشکال سرکوب که همگانی ترین شکل آن چسباندن به امریکا است. رژیمی که تا این اندازه امریکا را، در سیاست داخلی محور کرده است، چگونه می تواند بطرف عادی شدن رابطه با امریکا برود؟

* فاطمه رجیبی هم کودتا کشف می کند و هم کشف می کند که کارگران و دانشجویان و زنان از بودجه امریکا استفاده می کنند!:

◀ دست نویس نامه فاطمه کماندو به دست آمد. نوشته فاطمه رجیبی، همسر الهام «وزیر» دادگستری و سخنگوی احمدی نژاد، حاوی «افشای طرح کودتای هاشمی رفسنجانی و خاتمی و کروی» به دست افتاد. در این دست نویس، او مدعی است که «این سه مفسد» برای کوتاه کردن دوران

حکومت احمدی نژاد و سرنگون کردن آن، «تلاش گستردهای را در دست اقدام دارند».

باز، او، به تازگی، نوشته است: دانشجویان و کارگران و زنان از بودجه امریکا استفاده می کنند تا در داخل کشور مشکل ایجاد نمایند.

اما هیچ کدام از این زن و شوهر - که قیمت خانه مسکونی آنها در جاده مخصوص کرج، در سال ۸۰، کمتر از بیست میلیون تومان بود - نمی گویند چگونه در عرض این مدت کوتاه توانسته اند خانه ای به مبلغ دو میلیارد تومان خریداری کنند. البته شاید برادر خانم رجیبی، رایزن فرهنگی ایران در آلمان که بابت گزارشات اطلاعاتی به مال و منالی رسیده است، به آنها کمک کرده باشد. وگرنه به جز از راه سرکوب و قتل و جنایت و آدم فروشی و رانت خواری، این پول به دست نمی آید.

* در بجنوبه سرکوب دانشجویان و دانشگاهیان، پور محمدی، «وزیر» تروویست برای فرار مغزها راه حل یافته است!:

◀ وزیر کشور حکومت نالیقان، پور محمدی، مأمور و مسئول اعدائهای بی شمار و ترورها پر شمار، برای مشکل فرار مغزها از ایران نیز راه حلی یافته است:

در ایران دیگر آماری از فرار مغزها وجود ندارد زیرا شرایطی را به وجود آورده ایم که کسی فرار نکند. راه حل او اینست که با تفاق واواک تحت امر آژ ای و اطلاعات سیاه و نیروهای انتظامی، استعدادهای نخبه را در دانشگاه ها شناسایی می کنند. و با ایجاد بسیج حفاظت از نخبگان همه حرکات آنان را کنترل می کنند تا اگر نخبه ای خواست از مرزها بیرون برود، مانع از خروج او می شوند! این تروریست می پندارد با این راه حل می تواند مانع از خروج مغزها شود. او سنادی نیز ایجاد کرده است که کارش دادن وعده ها به مغزها به قصد نگاه داشتن آنها کشور است.

اما جلوگیری از فرار مغزها چه ربط به «وزیر» کشور دارد؟ مغزها وسائل لازم برای تحقیق و تحصیل و کارهای درخور استعداد خود و، مهمتر از این ها، منزلت و حقوق انسان و محیط آزاد می خواهند. نه زندانی شدن در حصار مأموران واواک و بسیج و...

* از هزینه ها که خشک سری و لجاجت احمدی نژاد بیار می آورد:

◀ بلاخره خشک سری و لجاجت احمدی نژاد کار خود را کرد و در مصلی تهران، با حدود ۱۰ میلیارد تومان خسارت به کشور، نمایشگاه برگزار شد. احمدی نژاد که در خشک سری و لجاجت تالی تلو رجایی است، از زمانی که خاتمی رییس جمهوری بود و او شهردار، «تقلا می کرد در محل مصلی، نمایشگاه برپا کند. امسال با توجه به اینکه خود را همه کاره می پندارد، در گفتگو با صفار هرنندی، از او می خواهد نمایشگاه را در صفحه ۵



در مصلی برپا کند. هزینه آن هر چه می خواهد بشود. وزارت ارشاد، با عقد قراردادی با شرکتی وابسته به سپاه، به مبلغ ۶ میلیارد تومان، ترتیب برپائی نمایشگاه را در بیابانهای مصلی را داد. بنا بر قرارداد دیگری به مبلغ ۱/۵ میلیارد تومان، همان شرکت پارتیشن ها را جمع آوری می کند.

* شیوه جدید برای جلوگیری از شهردار شدن قالیباف:

« گروه احمدی نژاد که هر کار می کند دلیلی دیگر می شود بر بی کفایتی، برای جلوگیری از شهردار شدن قالیباف، فکر بکر جدیدی کرده و به اجرا گذاشته است: برای استفاده از محبوبیت بازیکنان فوتبال، با دادن باج به برخی از نمایندگان عضو شورای شهر تهران، آنها را وارد هیات مدیره های دو تیم استقلال و پرسپولیس می کنند تا با استفاده از این نمایندگان شورای شهر، اکثریتی تشکیل دهند که هم از مانع از انتخاب مجدد قالیباف به شهرداری تهران شود و هم شهردار دلخواه احمدی نژاد را انتخاب کند.

این گروه باج گیر و باج خور که از حالا برای « انتخابات » آینده نقشه می کشند، در تلاش هستند با فشار بر بازیکنان تیم های محبوب تهران از آنها به نفع خود استفاده نمایند. اما شیوه ای را که بکار برده اند، تیم های تهران را در شرایط بسیار بدی قرار داده است.

« نمونه دیگر از مدیریت نادانان بی کفایت، مدیریت استاندار خراسان جنوبی است: او دستور داده است بخاطر فرودگاه بیرجند، ۱۰ متر از ارتفاع کوه اطراف فرودگاه را کوتاه کنند. آیا او فکر کرده است اگر قرار شد فردا هواپیماهای بزرگتری در این فرودگاه فرود بیابند چند متر دیگر از کوه را باید کوتاه کرد؟

البته کوتاه کردن ارتفاع کوه ها بهانه است. او و همدستانش برای اینکه بتوانند بودجه ساخت فرودگاه را خرج گروه خود کنند تصمیم گرفته است کوه ها را کوتاه کنند!

انقلاب اسلامی: اینک برای این که موضوعهای مورد نزاع دو طرف رژیم را روشن ببینیم و درک کنیم که انتظار هریک از دو طرف را از این یا آن گونه رابطه و برخورد با قدرت آمریکا که در سیاست داخلی محور کرده اند، چیست؟ به سراغ سنجش وضعیت دولتهای آمریکا و اسرائیل و ابزاری که در رابطه با ایران بکار می برند، می رویم:

بوش و اولمرت در تنگنا، موقعیت مساعدی در اختیار ایران یا تنگنایی برای رژیم مافیایها؟

انقلاب اسلامی: در قسمت اول، موقعیتی را که بوش و المرت در آنند و ابزاری را که در رابطه با ایران بکار می برند و در قسمت دوم، پاسخ سؤال را می جوئیم:

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

اولمرت گفت: استعفاء نمی کند. باوجود این، حکومت او به غایت ضعیف گشته است.

* ژرژ نت، رئیس سابق سپاه، در کتابی که انتشار داده، چگونگی جعل اطلاع برای حمله به عراق را توضیح داده است. و یک نماینده کنگره، بوش را قابل محاکمه می داند. اما بوش می گوید: آمریکا بگوید بله من می گویم نه!:

« ژرژ تن که بهنگام حمله آمریکا به عراق، رئیس سپاه بود و پس آنکه هیأت تحقیق به این نتیجه رسید که در عراق اسلحه کشتار جمعی وجود ندارد، کاسه کوزه ها را بر سر او شکستن و او استعفاء کرد، اینک سکوت خود را شکسته و در کتابی، شرح داده است چگونه مافوق او (بوش) در گزارش سپاه دست برده و جعل اطلاع کرده و آن را مجوز حمله ای به عراق کرده است که پیش از آن، بدان تصمیم گرفته بود:

• نتنت مافوقهای خود را متهم می کند که دیواری کوتاه تر از او نیافته و او را کسی گردانند که گویا در باره اسلحه کشتار جمعی در اختیار صدام حسین، اطلاع غلط به رئیس جمهوری داده و رئیس جمهوری به استناد این اطلاع، دستور حمله به عراق را صادر کرده است.

نتنت در ژوئن ۲۰۰۴ استعفاء کرد. ۶ ماه بعد، بوش به او نشان داد. از پیش از استعفاء تا این زمان، که در ازای نوشتن کتابش، از ناشر ۴ میلیون دلار گرفته است، سکوت گزیده بود. کتاب او در ۳۰ آوریل انتشار یافته است.

• او در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۲، در حضور بوش، اصطلاح slam dunk را بکار برده است. دو سال بعد، دیده است در کتاب « نقشه حمله » بوب وودوارد، همان اصطلاح از زبان بوش نقل شده است. نتنت می نویسد: در کاخ سفید، ضمن گفتگو، من این اصطلاح را بکار بردم اما نه بهنگامی که از اسلحه کشتار جمعی صحبت می کردم بلکه وقتی که آسان بودن تشکیل پرونده بر ضد صدام سخن می گفتم.

او تأکید می کند که نقشه جنگ با عراق تهیه شده و کار تهیه تدارکات بسی پیش رفته بود. این امر که او را مقصر گردانده اند، نه عادلانه و نه شرافتمندانه است. دیگ چنی نیز که در پنجمین سال روز تروورهای ۱۱ سپتامبر، از اصطلاح را بکار برد، عملی غیر شرافتمندانه انجام داد. زیرا او منتظر بیرون آمدن این جمله از زبان من نبود تا به عراق حمله کند.

بدین قرار، او اطلاعی نادرستی که مستند حمله به عراق باشد، در اختیار رئیس جمهوری نگذاشته است. در گزارش سیا دستکاری شده و «اطلاعی ساخته شده است که بکار توجیه حمله به عراق آید.

« به گزارش روزنامه داگنز نی هنر (۱ مه)، روز ۲۹ آوریل ۲۰۰۷، یکی از قویترین نمایندهای دمکرات در مجلس، جان مورثا John Murtha در یک مصاحبه

تلویزیونی گفته است: امکان بردن بوش به دادگاه وجود دارد. او رئیس کمیسیون دفاع مجلس نمایندگان است.

پیش از آنکه بوش قانون مصوب کنگره، در باره زمان بندی خروج قوای آمریکا از عراق را وتو کند، مورثا گفته است: سه یا چهار راه موجود است برای آنکه بتوان جلو رئیس جمهوری را گرفت: اول افکار عمومی، دوم رأی کنگره، سوم بردن بوش به دادگاه و چهارم نگشودن در کیسه پول.

از او سؤال شد که آیا دمکراتها که اکثریت را در مجلس دارند بطور جدی خواهان کشاندن بوش به دادگاه هستند؟ او، در پاسخ گفت: من می گویم چهار راه دارند برای آنکه بتوان جلوی رئیس جمهوری را گرفت و به دادگاه بردن کردن یکی از آنها است.

بدین خاطر می توان بوش را به دادگاه برد که او در اطلاعاتی که در اختیارش گذاشته شده، برخلاف قانون، دستکاری کرده و به استناد اطلاعات خود ساخته مدعی شده است در عراق اسلحه کشتار جمعی موجود است و بدین دست او بوش به عراق حمله کرده است.

« به گزارش خبرگزاری مهر (۲ مه) ، در گفتگو با گاردین، جف هون، وزیر دفاع انگلیس در زمان حمله آمریکا و انگلیس به عراق، گفته است: اشتباهات مهلک آمریکا پس از حمله به عراق چنان بود که عراق را به ورطه نابودی کشانده اند تا جایی که دیگر امیدی به بازسازی این کشور نیست. او توضیح داده است: در آن زمان من و سایر وزیرانی که در دولت بلر و بوش وجود داشتیم نقش "دیگ چنی" (معاون بوش) را در کنترل مسائل عراق نادیده گرفته بودیم، زیرا زمانی که قصد انجام کاری را در عراق داشتیم من ابتدا نظر خود را به اطلاع "جک استراو" وزیر امور خارجه وقت انگلیس و "تونی بلر" می رساندم و بعد از اینکه ما درباره این اقدام به نقطه نظر مشترکی می رسیدیم، بلر آن را به اطلاع "جرج بوش" می رساند سپس بوش این موضوع را با "کالین پاول" و "رامسفلد" (وزیران امور خارجه و دفاع سابق) در میان می گذاشت و آنها نیز با نظر ما موافقت می کردند، اما در نهایت مشاهده می کردیم که به گونه دیگری در عراق اقدام می شود؛ حال من از شما می پرسم: « ما در کجای کار اشتباه کرده بودیم؟ » من خود جواب این سؤال را می دهم، ما نقش دیگ چنی را در این زمینه نادیده گرفته بودیم و باید بگویم تصمیم گیرنده اصلی درباره عراق شخص دیگ چنی است.

« در ۹ اردیبهشت، ایسا به نقل روزنامه الدستور، این قول بوش را نقل کرده است: « من اهمیتی به آن چه که تاریخ درباره ام خواهد نوشت، به آن چه که نظرسنجیها درباره من می گویند، به آن چه که در مقالهها و کتابها درباره من می نویسند و بالاخره به رای و نظر کنگره آمریکا درباره عملکرد من نمی دهم؛ من فقط از مرگ می ترسم زیرا که واقفیت وحشتناک و تلخی است! » اینها سخنان اخیر بوش در یک دبیرستان آمریکایی است. به راستی که این کلمات به همان اندازه که در آغاز دلیرانه و زیبا و شاعرانه به نظر می رسند، پس از کمی

تامل بسیار احمقانه، به دور از مسوولیت و به دور از هر گونه حس بشردوستانه نماد پیدا می کنند.»

« در ۵ مه، مجله نیوزویک نتایج سنجش افکار در باره میزان محبوبیت بوش را انتشار داده است. بنا بر آن، میزان محبوبیت بوش به ۲۸ درصد کاهش یافته است.

انقلاب اسلامی: قول بوش با دو قول خمینی در ۲۵ خرداد (اگر ۳۵ میلیون هم بگویند بله، من می گویم نه!) و قول او بهنگام « امضای حکم عزل بنی صدر » (من باید او را عزل کنم ولو فریاد مرگ بر خمینی مردم را بشنوم) یکسان است. این یکسانی قولهای دو کس که یکی خود را ولی امر مسلمین خدا برگزیده می خواند و دیگری مدعی است آنچه می گوید خدا در دهان او می گذارد و آنچه می کند خدا به او می گوید (با توجه به قول وزیر دفاع سابق انگلستان معلوم می شود خدای او دیگ چنی است)، ناشی از یکسانی اصل راهنما است: اصل راهنمای هر دو ثنویت تک محوری است. روش هر دو استفاده از زور است. بدیهی است هر دو یک سرانجام پیدا کرده اند: خمینی در پی شکست در جنگ ۸ ساله، جام زهر سر کشید و بوش، پیشروی شکست در عراق و افغانستان، نمی داند چه بایدش کرد.

ضعیف شدن بوش، بمنزله رئیس جمهوری آمریکا و ضعیف شدن اولمرت، بعنوان نخست وزیر اسرائیل، فرصت ارزنده ایست برای ایران اما آیا بنای رژیم سوزاندن یا استفاده کردن از این فرصت است؟

* ابزاری که بوش و اولمرت در رابطه با رژیم مافیاهای نظامی - مالی بکار می برند: «ایران»

حامی تروریسم، تهدید «ایران» به موشک، به انزوا در آوردن ایران، محاصره اقتصادی، «

عملیات پوشیده» «دیپلماسی:

« وزارت خارجه آمریکا، در گزارش خود، ایران را در رأس کشورهای قرار داد که از تروریسم بین المللی حمایت می کنند. این گزارش آماری از قربانیان ترور را در بردارد گویای شکست مبارزه بوش با تروریسم بین المللی:

تعداد کشته، زخمی و ربوده شده گان در عراق و افغانستان در طی سال ۲۰۰۶ دو برابر تعدادی سال ۲۰۰۵ است.

در سراسر دنیا تعداد کسانی که به نحوی گرفتار ترور شده اند در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ یکسان است: در سال ۲۰۰۵ این ۷۴۲۱۷ نفر و در سال ۲۰۰۶ ۷۴۵۴۳ نفر بوده اند.

اما تعداد کسانی که در اثر ترور کشته شده اند بسیار زیاد شده است: از ۱۴۶۱۸ نفر در سال ۲۰۰۵ به ۲۰۴۹۸ نفر در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است.

ترورها بطور مساوی بین آسیای شرقی، اروپا و محدوده هایی که قبلا تحت نفوذ روسیه بوده پخش هستند. در خاور میانه، بجز عراق، تعداد ترورها پائین آمده است. اما در آفریقا بالا رفته است.

در عراق، تعداد ترورها از ۲۰۶۸۵ نفر در سال ۲۰۰۵ به ۳۸۸۱۳ نفر در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است.

در افغانستان این تعداد از ۱۵۴۰ نفر در سال ۲۰۰۵ به ۲۹۴۳ نفر در سال ۲۰۰۶

در صفحه ۶



فرماندهان این سپاه به اندازه کافی هوشمند هستند و به قوای امریکا بطور مستقیم حمله نمی کنند. زیرا می دانند حمله به قوای امریکا و مؤلفانش در عراق، به زیان منافع ملی ایران است. در عوض، این نفوذ سیاسی و اقتصادی و مذهبی ایران است که بسیار مهمتر است. در طول سالها، ایران با گروههای شیعه و کرد عراق پیوندهای استوار تنیده است. این گروهها امروز، در بغداد، نیروهای عمده ای را تشکیل می دهند که دولت را در اختیار دارند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران یک شبکه بوجود آورده است که در صورت حمله به ایران و به رژیم، آن را فعال کند.

● ماهان عابدین می گوید: « امروز، هدف ایران اینست که از متحدان طبیعی خود در عراق حمایت کند. تا آنکه قدرت خویش را برای دراز مدت مستقر سازد. چنانکه وقتی قوای امریکا عراق را ترک گفتند، قدرت ایران مستقر باشد. و اگر قدس نقشی را ایفا می کند، تعلیم دادن برخی از گروههای عراقی به قصد ایجاد شبکه گروههای مسلح سنی است که عمده ترین دشمنان تهران را تشکیل می دهند.

انقلاب اسلامی: تدارکات رژیم در عراق، هرگاه فرض کنیم بکار مقابله با امریکا بیاید - که نمی آید - در صورت ترک زود هنگام قوای امریکا، رژیم در عراق چه خواهد کرد؟ آیا ایران وارد یک جنگ عمومی با سنی ها می شود؟ هم در عراق و هم در افغانستان؟ تخلیه قوای امریکا از عراق، با توجه به اتهامی که متوجه رژیم مافیها است، ایران را دشمن اصلی دنیای عرب می گرداند. ارزیابی عواقبی که مردم ایران باید تحمل کنند، می تواند آنها را از بزرگی زبانی آگاه کند که اینگونه فرصت سوزی ها برای مردم ایران ببار می آورند. خیرها و نظریاتی در باره کنفرانس شرم الشیخ و وضعیت عراق، وضعیت خطیری را دقیق تر در نظر ها مجسم می کند که عراق و منطقه در آند.

تشدید برخورد سنی و شیعه و کنفرانس شرم الشیخ: ایران یکی در برابر همه؟

انقلاب اسلامی: در قسمت اول اطلاعات گویای شدت گرفتن برخوردها میان شیعه و سنی و معامله ای که بزعم استراتفور ایران و عربستان باید با یکدیگر بکنند و در قسمت دوم، حاصل کنفرانس شرم الشیخ را از لحاظ کمتر یا بیشتر شدن انزوای ایران، مطالعه می کنیم: در صفحه ۷

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

را بر سر عراق بپذیرد، ایران در منطقه نیز منزوی می شود. به گزارش بی بی سی (۴ مه) هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق در حاشیه نشست شرم الشیخ، به خبرنگاران گفته است: کارشناسان ایرانی و آمریکایی شرکت کننده در اجلاس شرم الشیخ با همدیگر دیدار و گفتگو کرده اند اما او نمی داند که در این دیدار چه گفتگوهایی میان طرفین رد و بدل شده است.

* سپاه قدس و نقش آن:

◀ در عراق و افغانستان، در صورتی که قوای امریکا این دو کشور را ترک کنند، از بازنده ها، یکی ایران است. زیرا در شرق و غرب خود با وضعیتی غیر قابل کنترل روبرو می شود. در باره سپاه قدس در عراق، فیگارو (۴ مه ۲۰۰۷) اینطور گزارش کرده است: ● سپاه قدس یکی از بهترین نیروی های ویژه جهان است. با وجود این که امریکائیان می گویند این سپاه گروههای شیعه عراق را مسلح می کند، اما این امر ثابت نشده است. سپاه قدس برای کارشناسان ابهامی است که هنوز نتوانسته اند آن را روشن کنند. در عوض، می دانند که این سپاه از لحاظ نظامی و اطلاعاتی و تعلیم نظامی دادن سخت کارآمد است و می تواند شبکه های وسیعی را در خارج از ایران فعال کند.

● حزب الله لبنان را سپاه قدس تعلیم داده است. سپاه قدس در سودان و در افغانستان و در بوسنی، در عملیات نظامی شرکت کرده است. در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سپاه قدس، با عملیات مسلحانه کردها در شمال عراق و شیعه ها در جنوب عراق، بقصد سرنگون کردن رژیم صدام شرکت کرده است. لذا، افرادی که خود عراق را می شناسند. از ۱۹۹۱ که کردها خودمختاری خود را به دست آورده اند، سپاه قدس آتنهای نیمه رسمی خود را در این منطقه دارد.

● اما امریکا کمترین تردیدی ندارد که سپاه قدس از بعضی از گروههای مسلح شیعه عراق، حمایت تسلیحاتی و لجستیکی می کند. افرادی هم که در اربیل توسط امریکا توقیف شده اند، متهمند که عضو سپاه قدس هستند. اما کارشناسان و دیپلماتهای اروپایی تردید دارند که اتهامهای امریکا وارد باشند. نگران آنند که امریکا به دنبال دست آویزی برای حمله نظامی به ایران است.

یک کارشناس نظامی در تهران می گوید: عکس مواد منفجره که امریکا ارائه می کند، ثابت نمی کند که این سلاح در ایران ساخته شده و به دستور مقامات اول رژیم به عراق فرستاده شده است. بسیاری از متخصصان از خود می پرسند: آیا ایرانیها خود سر این مواد را به عراق نمی فرستند؟ در پاسخ به این پرسش، کارشناس نظامی می گوید: چرا این کار را می کنند. ● ماهان عابدین می گوید: امریکائیان در باره سپاه قدس اشتباهه می کنند.

گفتگو کرد و این گفتگو را بارور توصیف کرد اما رژیم که می توانست از ضعف حکومت بوش و وزیر خارجه او (اغلب همکارانش استعفاء کرده اند) استفاده کند، نه تنها فرصت را از دست داد بلکه به قول بازتاب، به امریکا امکان داد به اروپا و کشورهای خاورمیانه بفهماند که اصرارشان نا بجا است. ایران حاضر به گفتگو نیست.

رویت (۴ مه ۲۰۰۷) در باره گفتگوی امریکا و ایران در شرم الشیخ این گزارش را انتشار داده است: ● طی هفته ها، کندولزا ریس تکرار کرد که آماده گفتگو با وزیر خارجه ایران بر سر عراق است. اما وقتی کنفرانس تشکیل شد و پایان یافت، مذاکره این دو، در چند کلمه در باره بستنی، ناچیز شد.

طی دو روز، دیپلماتها کوشیدند بی آنکه به جایی برسند. سرانجام، روز جمعه، ریس گفت: فرصت گفتگو با منکی وزیر خارجه ایران، هیچگاه دست نداد. ریس گفت او نمی توانست کسی را مجبور به گفتگو با خود کند.

تنها فرصتی که دست داد، در ۳ مه، بر سر میز نهار بود. این فرصت را نیز میزبان مصری بوجود آورد. اما این فرصت صرف گفتگو در باره دسر شد و سخنی از عراق و برنامه اتمی ایران بمیان نیامد.

چند ساعت بعد، نوبت به شام رسید. بر سر میز شام نیز، منکی روبروی ریس قرار می گرفت. او محل را، پیش از آنکه مهمانان وارد شوند، ترک کرد. پهنانه اش شد که پیراهن خانم ویولونیست مناسب نبوده است. سن مک کومارک، سخنگوی ریس گفت: معلوم نشد از کدام یک از دو زن، منکی وحشت کرد از ویولونیست یا خانم ریس، وزیر خارجه امریکا!؟

● با وجود این، اصرار به گفتگو با ایران، با وجود ۶ سال کوشش در منزوی کردن ایران و فشار به ایران و سوریه بقصد آنکه این دو رژیم در عراق عامل تشدید خشونت نشوند، یک تغییر سیاست بشمار می رود.

● چندین مقام امریکایی گفتند این ایران بود که از گفتگو طفره رفت. ایرانیها از آزاد نشدن ۵ ایرانی که قوای امریکا آنها را در اربیل دستگیر کرده بودند، عصبانی بودند.

بسیاری کارشناسان و از جمله کمیسیون بیکر - هامیلتون به بوش فشار می آوردند که با ایران و سوریه، بر سر عراق، وارد گفتگو شود.

در همان حال که دیدار ریس با منکی انجام نگرفت، سفیر امریکا در بغداد، رایان کروکر با عباس عراقچی، معاون وزارت خارجه ایران دیدار کرد. هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق این دیدار را « علامت مثبتی » ارزیابی کرد. اما کروکر گفت این دیدار همه جهت ۳ دقیقه بیشتر بطول نیانجامید.

● تحلیل گران می گویند: ایران از نزدیک مراقب گفتگوهای ریس و وزیر خارجه سوریه است. زیرا می داند هرگاه سوریه همکاری با امریکا

۸ مه، کندولزا ریس گفت: پرزیدنت بوش گزینه نظامی را برای خانمه دادن به فعالیتهای اتمی ایران کنار نمی گذارد.

◀ دستگیرها و آدم ربائی ها:

● فاینشال تایمز (۲۶ آوریل ۲۰۰۷) از تهران گزارش می کند که دوستان علی رضا عسگری، معاون سابق وزارت دفاع ایران، رپوده نشده است. او خود پناهنده شده است. دوستان او توضیح داده اند که در فاصله ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، به جرم جاسوسی و فساد زندانی شده است. هر چند از اتهامها تبرئه شده اما روحیه اش تغییر کرده و از این که رژیم با خدمتگزار خود این معامله را کرده، خشمناک بوده است. روزنامه می نویسد: نا پدید شدن روبرت لوینسون، عضو بازنشسته اف بی آی، با نا پدید شدن علی رضا عسگری ربط دارد. در واقع، رژیم ایران می خواهد او را با عسگری مبادله کند. با وجود این،

● در ۱۲ اردیبهشت، بازتاب مدعی شد که لوینسون بدون سر و صدا به امریکا بازگشته است. اما هم حکومت امریکا می گوید از ورود چنین کسی به امریکا خبر ندارد و هم رژیم مافیهای نظامی - مالی می گوید اطلاعی از سرنوشت لوینسون ندارد!

انقلاب اسلامی: اما آیا رژیم توانائی سود جستن از ضعف حکومتهای بوش و اولمرت و بلر را دارد یا با وجود این ضعف، دست آویز سازی را بیشتر می کند تا مگر حکومت بوش در مورد ایران پیروزی بدست آورد که جبران شکستش را در عراق و افغانستان بکند؟

فرصتهای در اختیار و سوزاندن فرصتها و دست آویز ساختن ها برای امریکا و اسرائیل:

◀ سه نوبت، هر بار بعد از مصوبه شورای امنیت، به رژیم فرصت داده شد. در هر سه نوبت، در قبال مهلت های تعیین شده، کارپذیری رویه کرد تا مهلت ها سر آمدند. در برابر، خامنه ای اظهار داشت: " اگر رویه غیر قانونی در پیش بگیرید، ما نیز غیر قانونی عمل می کنیم " و احمدی نژاد در تازه ترین سخن خود گفته است: " دست آوردهای جدید خود را رو می کنیم ". نتیجه اختطار روز ۲ مه نیز اجتماع نمایندگان ۶ کشور در لندن شد.

* گفتگوی مستقیم با امریکا در

شرم الشیخ انجام نشد. اگر سوریه همکاری با امریکا را بر سر عراق بپذیرد، ایران در منطقه نیز منزوی می شود:

◀ گفتگوی مستقیم با امریکا. این توضیح بموقع است که تا این زمان، تنها موفقیت امریکا در خاورمیانه به انزوا در آوردن ایران است. در شرم الشیخ، ریس با وزیر خارجه سوریه

۲۰۰۶ افزایش یافته است. این گزارش نمی گوید چه تعداد از مردم عراق و افغانستان بر اثر حملات امریکا کشته شده اند.

در ازای افزایش ترورها در عراق و افغانستان، در نپال ترورها کاهش یافته اند. زیرا دولت و گروه مائونیست توانسته اند با هم کنار بیایند.

◀ مذاکره ها: قسمتی از مذاکره ها پنهانی هستند. در عین، امریکا از رژیم دعوت کرد در کنفرانس شرم الشیخ شرکت کند. ریس گفت آماده گفتگو با منکی بر سر عراق است. اما منکی در سر میز نهار، به سلام و علیک ورد و بدل کردن یکی دو جمله در باره بستنی، اکتفا کرد و در سر میز شام نیز، به پهنانه لباس خانم ویولونیست، حاضر نشد. بازتاب (۱۵ اردیبهشت) عملکرد هیأت ایران را ضعیف و رفتار منکی را محق گرداندن امریکا توصیف کرده است: امریکا می خواست ثابت کند جمهوری اسلامی ایران حاضر به مذاکره نیست و موفق شد.

با وجود این، مالکی نخست وزیر عراق، (آفتاب ۱۶ اردیبهشت) در مصاحبه با روزنامه ژاپنی احتمال داده است: ظرف چند هفته آینده، میان امریکا و ایران گفتگویی در سطح وزیران خارجه دو کشور انجام شود. ◀ انزوای ایران در جهان. تازه ترین اظهار نظر در این باره از میر دامادی است (۱۴ اردیبهشت). او گفته است: کسانی که اجماع جهانی را علیه ایران بوجود آورده اند، باید پاسخگو باشند. این کسان احمد نژاد و همکاران او هستند.

◀ محاصره اقتصادی ایران: علاوه بر مجازاتهای شورای امنیت، برانگیختن مؤسسات مالی و بانکی و دولتها به قطع معامله با ایران.

* « عملیات پوشیده »:

تأسیسات نفت و تأسیسات اتمی و برانگیختن گروههای مسلح و...:

◀ راو استوری The Raw Story) ۵ مه ۲۰۰۷) به نقل از آتلانتیک، خبر می دهد: حکومت سعودی و امریکا با کشورهای دیگر خاورمیانه همکاری می کنند در طرح نقشه ای برای « عملیات پوشیده » در ایران و اجرای آن.

ریس و همکاران او بر آن شده اند که راه کار جدید ولو خطرناک را به اجرا بگذارند. این راه کار با همکاری دو ابر اطلاعاتی عربستان و مصر و اردن و اسرائیل و امارات متحده عربی به اجرا گذاشته می شود. هزینه این عملیات را که شامل ایجاد گروههای شبه نظامی در ایران و عراق و فلسطین و لبنان نیز هست، ۳۰۰ میلیون دلار است که عربستان می پردازد.

این عملیات شامل این موارد می شود:

◀ خرابکاری در تأسیسات نفت ایران و نیز جلوگیری از سرمایه گذاری در نفت ایران.

◀ اگر حمله به تأسیسات اتمی ایران مشکل و مشکل ساز باشد، خرابکاری در آنها آسان است.

◀ کمک مالی و تسلیحاتی به گروههای مزدور برای ایجاد زد و خورد های مسلحانه در شرق و غرب کشور.

◀ تهدید به حمله نظامی. تازه ترین مورد، تهدید اولمرت است: هزار موشک بر ایران فرو خواهیم بارید. و در ۹ اردیبهشت، « سردار » افشار به او پاسخ داد: جواب ۱۰۰۰ موشک هزار موشک است. و به دنبال او، در



رویارویی شیعه و سنی قطعی تر می شود ؟ - آیا معامله ایران و عربستان بر سر عراق شدنی است و راه حل است ؟ :

معامله رژیم مافیها با سعودیها بر سر عراق و شدنی یا ناشدنی بودن آن و اثرش بر وضعیت عراق :

◀ استراتفور (۱ مه ۲۰۰۷) گزارش -
تحلیل مفصلی را انتشار داده است.
دارای این نکات :

• گفتگوهای محرمانه میان ایران و
امریکا پیش از حمله امریکا به عراق
آغاز شده و همچنان ادامه دارند. دو
کشور توافقی نیز بعمل آورده بودند
که، بعد از سقوط رژیم صدام، در
صورت شورش سنیان عراق چگونه می
باید وضعیت در عراق را تثبیت کرد.

• گفتگوهای پشت پرده ایران و امریکا
هیچگاه بر سر تقسیم عراق نبوده اند.
بعکس، دو دولت نگران وضعیت عراق
بعد از پایان سلطه حزب بعث بر این
کشور بوده است. مذاکرات پشت
پرده که به تشکیل چند کنفرانس چند
جانبه انجامیدند، ادامه می یابند تا مگر
از رهگذر این کنفرانسها یک معامله
جدی و قطعی انجام بگیرد.

• طی سالها گفتگوهای پشت پرده، دو
طرف نتوانسته اند به تفاهمی برسند و
از اشتغال خاطر خود بگذرند و به
آینده عراق بپردازند: ایران خواهان
عراقی با پیوند نزدیک با امریکا نیست.
زیرا آن را مغایر منافع ملی و مقاصد
خود را منطقه می داند. در برابر،
امریکا نیز خواستار عراقی زیر سلطه
ایران نیست. چرا که به ایران امکان
می دهد کشورهای عرب حوزه خلیج
فارس و منافع امریکا در این منطقه را
تهدید کند. بخصوص که کشورهای
عرب خود را تحت تهدید ایران، بر اثر
جنبش شیعه در کشورهای خود، می
بینند و دست بکار پیشگیری شده اند.
این امر معامله امریکا با ایران را مشکل
ساخته است. عربستان سعودی که
بمنابه رهبر دنیا عرب سر برآورده است
, در پی آن شده است که ایران را
مهار کند.

• پیچیدگی ها بکنار، دولت سعودی
خود را وارد معادله ای کرده است
که به واشنگتن امکان مهار ایران را
بدهد. در حقیقت، بدان خاطر حکومت
بوش ورق سنی های عراق را در
برابر شیعه های عراق، بکار برده است
(واشنگتن به شیعه ها گفته است می
خواهد با سنی ها، بخصوص بعثی ها
معامله کند) که همکاری با دولتهای
سنی را برای مهار کردن ایران پذیرفته
است. در همان حال که واشنگتن به
همکاری ایران برای تثبیت وضعیت در
عراق نیاز دارد، ایرانیها نیز به امریکا
برای آنکه مانع از آن شود که
کشورهای سنی حامی سنی های عراق
منافع ملی ایران را تهدید کنند.

• از این رو، تشکیل کنفرانس شرم
الشیخ برای همه شرکت کنندگان در
آن، بسیار مهم است. از لحاظ منطقه،
کنفرانس دو طرف دارد: ایران و

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند ؟

• اما مسئله باز هم مهمتر این که هم
سنی ها و همه شیعه های عراق در
گروههای متعدد منشعب هستند و نه
ایران و نه عربستان نمی توانند همه
این گروهها را مهار کنند. برای مثال،
چنددستگی، در بصره، منطقه نفت خیز
جنوب عراق، مشکلی است که ایران
با آن روبرو است.

اما عربستان نیز با این مشکل روبرو
است که هم بهترین سلاحش در برابر
ایران جهاد گرایان سنی، بخصوص
طرفداران القاعده هستند و هم این
جهادگرایان بیشترین خطر را برای
امنیت عربستان تشکیل می دهند.

بنا بر این مسئله اینست: چگونه
عربستان و ایران می توانند با امریکا
که بازیگر اصلی در صحنه عراق است،
معامله سه جانبه ای را انجام دهند.
ظاهر اینست که ترس آنها بابت منافع
خود این سه را ناگزیر می کند با
یکدیگر معامله کنند.

* رویارویی شیعه و سنی در عراق قطعی تر می شود :

◀ به گزارش لوس آنجلس تایمز (۳
مه ۲۰۰۷)، در کنفرانس شرم الشیخ،
عربستان حاضر شد ۸۰ درصد از طلب
۱۷ میلیارد دلاری خود را به عراق
ببخشد. در عین حال، روابط شیعه و
سنی باز هم وخیم تر گشته است. از
جمله علامتهای آن، یکی این که ملک
عبدالله حاضر به ملاقات با مالکی
نخست وزیر عراق نشد.

عربستان سعودی که متحد امریکا
است و بمنابه قدرت منطقه ای نقشی
کلیدی دارد، از راه سرمایه گذاریهای
وسیع در سوریه، در کار تغییر دادن
رویه رژیم این کشور است.

حکومت بوش نخست زیر بار گفتگو
با سوریه نمی رفت و این کشور را به
رساندن کمک به شورشیان عراق متهم
می کرد. همین ماه پیش بود که بوش
, ناسی پلوزی، رئیس مجلس
نمایندگان این کشور را بخاطر رفتن به
سوریه و دیدار با بشار اسد، مورد انتقاد
شدید قرار داد. چه زمینه ای ایجاد
شده است تا که امریکا با سوریه به
گفتگو بنشیند، معلوم نیست. گفتگوی
انجام شده نیز، بنا بر قول مقامهای
امریکا و سوریه، محدود به مرزهای
سوریه و عراق و بستن آن بروی افراد
شورش و اسلحه بوده است.

روابط ایران و امریکا مسئله محوری کنفرانس شرم الشیخ - حاصل کنفرانس شرم الشیخ :

* روابط ایران و امریکا مسئله محوری کنفرانس شرم و الشیخ بود و گفتگو انجام نشد ! :

◀ فیکارو (۵ مه ۲۰۰۷) از شرم الشیخ
می کند که بان کی - مون، دبیر کل
سازمان ملل متحد در کنفرانس شرم
الشیخ گفت: ما وارد مرحله تعیین
کننده تثبیت وضعیت عراق می شویم.

سخنرانی ها در باره اصول، از جمله
اصل آشتی ملی در عراق، قطعنامه
نهایی تشکیل سه گروه کار را مقرر
کرد: یک گروه برای مشکل توزیع در
آمد نفت که سنی های عراق خود را
از آن محروم احساس می کنند و یک
گروه برای اتخاذ تدابیر برای حمایت
از پناهندگان عراقی که روز به روز بر
شمار آنها افزوده می شود و یک گروه
برای یافتن راه حل برای مسائل
امنیت و حراست از مرزهای عراق.

• یکی از شرکت کنندگان در
کنفرانس گفت فکر راهنما این بود که
کشورهای همسایه عراق را در برابر
مسئولیتهاشان قرار دهیم. در حالی که
امریکا ایران و سوریه را متهم می کند
اسلحه و افراد شورشی را به داخل
عراق نفوذ می دهند و آتش خشونت
را تیز می کنند، وزیر خارجه ایران،
متوجه متکی باز شناخت که استقرار
صلح در عراق نیازمند اقدامات قاطع از
سوی همه کشورها است. اما او رویه
یک بام دو هوا کردن امریکا یا تقسیم
تروریستها به تروریستهای خوب و بد را
مورد انتقاد قرار داد.

• روابط میان امریکا و ایران، مسئله
محوری کنفرانس بود. هر چند
کندولزا رایس و متکی نتوانستند گفتگو
کنند. با وجود این، اجتماعی میان
کارشناسان دو طرف تشکیل شد. و
رایس درب را بروی تغییر سیاست
امریکا در ایران نیست.

در عوض، متکی با مارگارت بکت،
وزیر خارجه انگلستان گفتگو کرد.
گفتگوها سخت رازدارانه بود و از آنها
چیزی درز نکرد. تنها مارگارت بکت
گفت: « تمامی دلایل جمع هستند
برای این که رابطه سازنده ای با ایران
برقرار شود. »

انقلاب اسلامی: از آنجا که یکی از سه
گروه کار به مسئله توزیع در آمد
نفت میان عراقیها می پردازد، بموقع
است که این خبر را در باره نفت
عراق بیاوریم:

* نقشه امریکا برای بردن و خوردن نفت عراق واقعیتی که غرق شدن عراق در خون را توضیح می دهد :

◀ فوکوس (۳ مه ۲۰۰۷) خبر داده
است:

این را بشنوید که معاون رئیس
جمهوری فعلی دیک چینبی در سال
۱۹۹۹ که هنوز رئیس شرکت بزرگ
هالیبرتون Halliburton بود چه
گفت. او در آن موقع گفت: بعد از
اشغال عراق، شرکت هالیبرتون ...
قراردادهای زیادی خواهد برد بدون
مناقصه های طولانی.

در سال ۲۰۱۰ ما ۵۰ میلیون بشکه
بیشتر نفت احتیاج داریم. این نفت را
باید از خاور میانه که دو سوم نفت دنیا
را دارا است و تولید نفت کمترین
هزینه را دارد، بدست بیاوریم.

در مارس ۲۰۰۳، ولفو ویتز Paul
Wolfowitz، معاون وزیر قبلی دفاع،
- که هم اکنون رئیس جنرال برانگیز
بانک جهانی است - در مجلس امریکا
اظهار داشت: « عراق خود می باید
مخارج بازسازی خود را بپردازد و
بزودی چنین خواهد کرد. » نخست
وزیر انگلیس، تونی بلر، هم در ماه
مارس ۲۰۰۳ گفت: « اشخاص به

اشتباه فکر می کنند که پول نفت
دست ما می آید، پولها در یک حساب
که زیر نظر سازمان ملل است گذاشته
می شود.

امروز صنعت نفت عراق خیالی بیش
نیست. فساد، قاچاق و ... از سونی و
منفجر شدن لوله های نفت از سوی
دیگر، تولید را چنان بی نظم کرده
است که در سال گذشته دولت عراق
مجبور شد ۱۰۰ میلیون خسارت به
شرکت های کشتی رانی بابت انتظار در
بنادر بپردازد. بخش عمده کادر
متخصص صنعت نفت از کشور فرار
کرده اند.

اما بنا است قانون نفتی جدیدی به
تصویب برسد که بر طبق آن دست
شرکت های نفتی خارجی باز می شود و
قدرت بی سابقه ای بر نفت عراق پیدا
می کنند.

منتقد تایمز آسیا به نام پالو اسکوبار
می گوید: « این قانون غارت رسمی
و تجاوز به ثروت نفتی عراق است » (آسیا
تایمز ۲۰۰۷-۱-۲۸). قانون به
دستور کاخ سفید بدون اینکه افکار
عمومی خبر دار بشوند توسط شرکت
برینگ پونت Bearing Point تهیه
شده است. از جمله کسانی که در
نوشتن این قانون دخیل بوده اند
گروه کوچکی در سفارت امریکا در
عراق، سازمان ارز بین المللی، پاول
ولفویز Paul Wolfowitz و وزیر
انرژی امریکا هستند.

زبانی اصلی که این قانون به آن
نوشته شده است زبان انگلیسی است نه
عربی. وقتی این قانون نزد حکومت
عراق عنوان شد، اینطور وانمود شد
که بسیار قانون پیشرفته ای است. بر
طبق آن، درآمد نفت بطور مساوی بین
مناطق مختلف عراق توزیع می شود.
بنا بر صورت قانون، دولت عراق
قدرت بر بخش نفت را حفظ خواهد
کرد. اما، بنا بر واقع، تمامی تصمیمهای
اصلی بر عهده شورای نفت و گاز
است که از کارشناسان عراقی و
خارجی تشکیل می شوند. این شورا
نه فقط از آمریکایی ها که از انگلیسیها
چینیها و شاید روس ها و نماینده
وزارت نفت عراق - که وزارتخانه ای
سخت فاسد است - تشکیل می شود.

در عمل صنعت نفت در جهان در
دست دولتها قرار دارد. اما در عراق با
این قانون اینطور نمی شود.

این قانون به شرکت های خارجی
اجازه می دهد که سر خود
قراردادهای ببندند که نفت عراق را
تا بیش از ۳۰ سال ببرند. در تبصره ای
در این قانون آماده است شرکتها
هیچگونه محدودیتی برای خارج کردن
پولهای خود نباید داشته باشند. و وقتی
که ابتکار را می کنند نمی باید بشیرو
مالیات بدهند.

بدیهی است در تهیه این قانون، با
سندیکای کارگری صنعت نفت که
چند صد هزار کارگر دارد، هیچگونه
تبادل نظری نشده است و این امر
باعث نارضایتی کارگران شده است.
بخصوص در بصره که دو سوم کل
نفت در آنجا است و این ادعا را
قبول ندارند که بخشی از درآمد نفت
بین مناطق مختلف بطور مساوی توزیع
خواهد شد.

حدس زده می شود مخارج تولید
هر بشکه نفت حدود یک دلار بشود و
همین نفت در بازار جهانی نفت بالغ بر
۶۵ دلار هر بشکه است. زیاد مشکل
نیست که شادی شرکت های نفتی را
بفهمیم. ۶۵ منبع از ۸۰ منبع کل نفت
به این ترتیب دست شرکت های خارجی
می افتد.



بعضی از متخصصان بر این باور هستند که عراق از عربستان هم جلو خواهد زد. تمامی صحراهای غرب عراق کاوش نشده اند. بدین قرار، در مارس ۲۰۰۳، دیگ چنی می دانسته است چه می گوید.

*** حاصل کنفرانس شرم الشیخ:**

« مسوولان بلندپایه حدود ۵۰ تا ۶۰ کشور (بنا بر این یا آن گزارش) جهان و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی، سند موسوم به « پیمان بین‌المللی با عراق » را در نشست پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت امضا کردند. در نشست فراگیر همسایگان عراق نیز که روز جمعه ۱۴ اردیبهشت برگزار شد، بر حمایت از اقدامات دولت نوری‌الملکی تأکید شد.

بنا بر قطعنامه کنفرانس:

- ۱ - حفظ حاکمیت عراق، وحدت منطقه‌ای و استقلال سیاسی عراق.
- ۲ - تحکیم وحدت، بازگرداندن ثبات داخلی و تحکیم مذاکرات سیاسی فراگیر جهت تحقق صلح ملی و حمایت از حاکمیت و استقلال عراق
- ۳ - تعهد کشورهای همسایه به عدم دخالت در امور داخلی عراق و رابطه با این کشور بر اساس حسن همجواری اعلام کرده و تعیین نظام سیاسی و ساخت آینده این کشور.

۴ - جستجوی راه‌حل‌های مناسب برای از بین بردن درگیری‌های موجود در عراق و تأیید اقدامات حکومت منتخب مردم عراق جهت تحقق هر چه سریعتر اهداف مردم این کشور یعنی ایجاد عراقی آزاد، مستقل، متحد و فدرالی.

۵ - مشارکت مسالمت آمیز اقشار مختلف مردم عراق در روند سیاسی این کشور حق مسلم آنها است.

۶ - کشورهای همجوار عراق تمامی اقدامات تروریستی در این کشور بر ضد غیر نظامیان، سازمان‌ها و موسسات دولتی و اماکن مقدسه را محکوم می کنند و پایان هر چه سریعتر این اقدامات جنایتکارانه را جهت کاهش مشکلات مردم، حفظ جان مردم یگانه و احترام به حقوق بشر خواستارند.

۷ - شرکت کنندگان در کنفرانس پایبندی خود را به تعهداتشان در قبال قوانین بین‌المللی به ویژه حقوق بشر و تمامی قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت در ارتباط با مبارزه با تروریسم اعلام و بر حمایت خود از مردم عراق جهت مبارزه با تروریسم تأکید می کنند.

۸ - حل مشکل طایفه‌ی، خلع سلاح شبه نظامیان و گروه‌های مسلح غیر قانونی ضرورت بتمام دارد.

۹ - ضرورت محاکمه آن دسته از اعضای نظام سابق عراق که در جریان جنگ بر ضد کویت و ایران مرتکب جنایات ضد بشری و جنگی شده‌اند، تأکید شده است.

۱۰ - ضرورت افزایش دخالت‌ها و میانجیگری‌های سازمان ملل در عراق موضوع مصوبات کنفرانس شرم‌الشیخ در نوامبر سال ۲۰۰۴، کنفرانس بروکسل در ژوئن ۲۰۰۵ و نشست اخیر بغداد در ماه مارس ۲۰۰۷.

۱۱ - تشکیل سه گروه کار: در باره « توزیع درآمد نفت » و « امنیت و

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

سلاحهای های جدید در مقابله با تهدید های جدید؟ - موشکهای ایران گرچه ناچیز و فاقد خطر اما دست آویز امریکا و اسرائیل هستند:

پیرامون استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا در اروپا، از ولفگانگ لایون

*** امریکا در پی ایجاد سیستم دفاع موشکی در برابر حمله موشکی دشمن می شود:**

در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۸۳، رونالد ریگان رئیس جمهوری وقت آمریکا، « تنها از رهگذر نگرانی برای بشریت »، اعلام کرد:

هموطنان آمریکائی من. امشب تصمیمی اتخاذ شد که روند تاریخ بشریت را میتواند دستخوش تغییر کند. پیمودن این راه توأم با خطرات، نیازمند زمان و صرف هزینه است تا نتایج خوبی بدست آیند. ما این گام را بر میداریم و نیازمند دعا و پشتیبانی شما هستیم.

از آن لحظه، اس-دی-آی "Strategic Defense Initiative" SDI آمریکا متولد شد. در جهان اولین برنامه جامع دفاع ضد موشکی از راه زمین و هوا با کمک ماهواره ها برای رویارویی با حمله موشکی دشمن و از بین بردن موشکهایش قبل از رسیدن به هدف، به اجرا درآمد. در آن زمان، هدف مقابله با موشکهای قاره پیمای شوروی بود.

برای این طرح موسوم به « جنگ ستاره گان "Star Wars" ۲۹ میلیارد دلار بودجه تعیین شد. آزمایشهای طرح "Strategic Defense Initiative" بمناسبت دور

بودن از دنیای حقیقی تا حدود زیادی ناموفق بودند بصورتی که ده سال بعد در زمان ریاست جمهوری کلبنتون از طرح SDI تبدیل شد و این طرح جدید با نام "Ballistic Missile Defense" BMD جانشین جنگ ستارگان شد. در این اواخر نام آن نیز به "National Missile Defense" NMD تغییر یافت. در طرح سیستم دفاعی جدید بی-ام-دی، کنترل از طریق فضا (ماهواره) بقصد دفاع ضد موشکی حذف شده است. از سال ۱۹۹۹، مرکز نقل برنامه طرح و توسعه سیستمهای ضد موشک-موشک و دفاع محدود در برابر موشکهای قاره پیماست.

آیا حقیقتاً میتوان موشکهای در حال پرواز را از طریق موشکهای زمین به هوا مورد اصابت قرار داد و از بین برد؟ میتوان نتایج بدست آمده از بکار بردن ضد موشکهای پاتریوت PATRIOT، در جنگ خلیج فارس، آن هنگام که عراق موشکهای های توسعه یافته اسکاد روسی را بسوی اسرائیل شلیک می کرد، بررسی نمود: ۱۷ بار از ضد موشکهای پاتریوت

PATRIOT برای مقابله با موشکهای در حال پرواز اسکاد استفاده شدند. بنا بر اظهارات ارتش آمریکا سیستم های پاتریوت PATRIOT تنها ۴۰٪ موفقیت داشته اند. این در صورتی است که همچنان این سؤال که آیا ادعان ۴۰٪ موفقیت آمیز بودن استفاده از پاتریوت ها، شامل موفقیت در از بین بردن کلاهکهای انفجاری موشکهای اسکاد نیز میشود یا نه؟

در ۲۶ آوریل، نیروی دریایی آمریکا از آزمایش موفقیت آمیز یک موشک بر ضد یک جسم در حال پرواز، با حمایت و کنترل از دریا، خبر داد. این مورد بخشی از طرح های آینده سیستم های دفاع ضد موشکی آمریکا است!

*** موشکهای ایران کم شمار و غیر خطرناک هستند با وجود این، امریکا آنها را دست آویز ایجاد پایگاه های دفاع ضد موشکی کرده است:**

از زمان سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، کشور عراق دیگر جزو کشورهای محور شر نیست. کشورهای ایران و کره شمالی در حال توسعه سیستم های موشکی میان برد خود هستند و از توقف توسعه سیستم های موشکی خود که بنا به نظر خبرگان و متخصصان بی رابطه با برنامه کلاهکهای اتمی برای این سیستمهای موشکی نیست، امتناع میکنند. چشم انداز قرار گرفتن موشکهای میان برد مجهز به کلاهک اتمی در دست رژیم هائی که اطمینانی به شیوه کار و محاسبات آنها نیست، حکومت بوش را بر آن میدارد تا سیستم ملی دفاع ضد موشکی آمریکا را در مقابله با حملات احتمالی موشکی از سوی کره شمالی و یا ایران با ایجاد یک چتر دفاعی - حفاظتی و اسکان دادن ضد موشکهای لازم در ساحل غربی آمریکا و اروپا توسعه دهد.

در سه فاز، تشخیص حمله موشکی ممکن است:

• هنگام حمله موشکهای قاره پیمای. در طول چهار دقیقه اول، استارت موتور موشک و شتاب دادن به سیستم سوزاننده حرارتی موتور موشک حامل کلاهک. در این فاز، موشک بلافاصله توسط سنسورهای مادون قرمز حساس به حرارت ماهواره ها شناسائی میشود و امکان از بین بردن این موشک در حال شلیک توسط هواپیماهایی که مجهز به سلاح های لیزری توانمند باشند وجود دارد.

• فاز دوم، در حین پرواز ۲۰ دقیقه ای موشک، کلاهک جنگی و احیاناً تعدادی کلاهک های انفجاری کاذب از موشک مادر(موشک ناقل، موشک حامل) در حال ذوب جدا میشوند و با سرعت ۲۵ هزار کیلومتر در مداری نزدیک مدار کره زمین قرار میگیرند. در این فاز سیستم های رادار ایکس-X-Band-Radarsystems باستانی قادر به تشخیص کلاهک های انفجاری از کاذب باشند(از همان نوعی که اکنون در انگلستان مورد استفاده قرار میگیرد،

یک سیستم رادار ایکس-X-Band-Radarsystems میخواهند در جمهوری چک نیز بهمین منظور نصب کنند) در حین اینکه سیستم های رادارهای از قبل اختار دهنده مداوما پیگیر مدار پرواز کلاهک های جنگی و تعقیب آنها هستند، در این فاز بایستی با شلیک موشک از طریق زمین و یا دریا از نوع "Kill Vehicles" به مقابله برخاست و کلاهک جنگی دشمن را در فضا نابود ساخت. ده سیستم دفاع ضد موشکی از این نوع باید در لهستان نصب شوند.

• در آخرین فاز، مرحله کوتاه سوم، در این فاز سرعت موشک در حین عبور از جو کره زمین به ۳۰۰۰ کیلومتر کاهش پیدا کرده و بسمت هدفش در روی کره زمین پرواز میکند. اکنون فقط یک دقیقه فرصت باقیست تا کلاهک انفجاری را قبل از اصابت به هدفش بعنوان مثال با سیستم دفاع ضد موشکی پاتریوت PATRIOT-Raketen منهدم

ساخت. سیستم دفاع ضد موشکی برای فاز سوم در مقابله با کلاهک جنگی دشمن قبل از اصابت به هدف (در آخرین دقیقه) بخشی از پروژه "Terminal High Altitude Area Defense" THAAD است که لهستان نیز خواستار نصب آن در کشورش است.

بنظر اولیور ترن ارت، رئیس بخش گروه تحقیقات پیرامون امنیت ملی در مؤسسه علم و سیاست آلمان، آمریکا می خواهد به هدف سیاسی- استراتژیک خود از راه ایجاد یک چتر دفاع ضد موشکی، با نصب تجهیزات لازم در کشورهای چک و لهستان برسد. دو کشور چک و لهستان از قبل، آمادگی خود را برای همکاری با آمریکا، در نصب تجهیزات لازم برای استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در کشورشان، اعلام کرده بودند. دلیل آمادگی آنها اینست که، علاوه بر عضویت در ناتو، رابطه ویژه ای را با آمریکا پیدا می کنند و از حمایت ویژه آمریکا نیز برخوردار خواهند بود. و دلیل گزینش این استراتژی از سوی آمریکا اینست که خواهد توانست خطر های ناشی از تهدید موشک های دور برد ایران و یا دیگر کشورهای خاورمیانه، در آینده را، (توسط رادارها و سیستم دفاع موشکی که در کشورهای چک و لهستان مستقر می کند) بموقع شناسائی کند.

موشکهای ایران، اگر بسمت سواحل غربی آمریکا شلیک شده باشند، احیاناً از فضای کشورهای چک و لهستان پرواز خواهند کرد. بنا بر این احتمال، از لحاظ استراتژیک، نصب رادار و سیستم دفاع ضد موشکی در کشورهای چک و لهستان معقول بنظر میرسد.

اما در حال حاضر، اروپا و آمریکا حقیقتاً از تهدید موشکی ایران و کره شمالی بسیار فاصله دارند. البته ایران چند ده تائی از موشکهای برد متوسط از نوع شهاب ۳ را دارد. این موشکها ساده و تنها از یک بخش تشکیل شده اند و با سوخت مایع کار میکنند. برد شهاب ۳ تنها ۱۳۰۰ کیلومتر است. نوع جدید و پیشرفته تر آن شهاب ۱۳ است که برد آن ۱۵۰۰ کیلومتر تخمین زده در صفحه ۹



میشود. حدس زده میشود که ایران از موشکهای شهاب ۳ چندتایی بیشتر در اختیار ندارد.

اگر ایرانیها بخواهند موشکهای را بسازند که برد آنها اروپا را مورد تهدید قرار دهد، ناگزیر باید به صنعت و فن آوری موشکهای چند قسمتی روی آورند. ایران هنوز از فن آوری موشکهای چند قسمتی برخوردار نیست. در پاسخ به این سؤال که تا چه زمانی ایران از فن آوری ساخت موشکهای میان برد چند قسمتی برخوردار خواهد شد؟ باید گفت: زمان لازم رابطه مستقیم دارد با حمایت خارج و کمکهای فنی و مهندسی که ایران از خارج ممکن است بدست آورد. این یک مجهول بزرگ است. اما با اطمینان خاطر میتوان گفت که کشورهای ایران و کره نهایت سعی و تلاش خود را در ساختن موشکهای با برد بیشتر بکار خواهند برد.

ایران با موشکهای خود میتواند احیانا اسرائیل را هدف قرار دهد که با دفاع ضد موشکی پاتریوت اسرائیلی ها رو برو خواهد شد.

اما در مقایسه با ایران، کره شمالی از توانمندیها و دانش لازم برخوردار بوده و مسلط به فن آوری ساختن موشکهای

چند قسمتی تای- پو- دو تک TAEPDONG است که میتوانند هدفی را در فاصله ای بیشتر از ۴۰۰۰ کیلومتر، مورد اصابت کلاهکهای خود قرار دهند. این راکتها هنوز از مرحله آزمایشی خود خارج نشده اند. در ژوئیه سال گذشته، در جریان آزمایش، یکی از موشکهای تای- پو- دو تک "TAEPDONG-2"، بر فراز اقیانوس آرام، تنها ۴۰ ثانیه پس از پرتاب، منفجر شد. در حال حاضر هر دو کشور ایران و کره نهایت سعی خود را برای بهتر ساختن سیستمهای موشکی خود بکار می برند. در نتیجه و بنظر اولیور ترن ارت رئیس بخش گروه تحقیقات پیرامون امنیت ملی در مؤسسه علم و سیاست آلمان، فکر ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی عاقلانه است.

بحث امروز در باره دفاع ضد موشکی، در مقابله با تعداد بیشماری از موشکهای دور برد و انهدام آنها ربط ندارد. این دفاع تنها در رابطه با کشورهای ایران و کره شمالی (کشورهای محور شر) مورد پیدا می کند. زیرا قصد اینست که به این وسیله به کشورهای محور شرفهمانیده شود، آن توانمندی فنی محدودی که آنها در ساخت موشکهای میان برد دارند، به اندازه کافی نیست. زیرا این موشکها پیش از رسیدن به هدف، بوسیله سیستمهای دفاع ضد موشکی نابود خواهند شد.

* نصب رادارها و استقرار ضد موشکها در چک و لهستان، از نظر نظامی برای روسیه تهدید آمیز نیست. روسیه با آن از لحاظ سیاسی و توسعه ناتو تا مرزهای روسیه مخالف است:

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

سیستم های موشکی روسیه و نقش آنها در ایجاد ترس و وحشت برای دیگران و استفاده نکردن دیگر کشورها از توان موشکی خود برای حمله به روسیه، با نصب چند سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپا، نخواهد کاست. او می گوید: من فکر میکنم که روسیه میخواهد با ریختن مقداری شن در چرخ دنده های ناتو اندکی در کار ناتو و اندکی در کار کشورهای اروپائی (دامن زدن به اختلاف در بین کشورهای اروپائی) اختلال ایجاد کند و از طرفی به جمهوریهای چک و لهستان نشان دهد که کما فی السابق شوروی میخواهد در امور سیاسی کشورشان صاحب نفوذ باشد و در نهایت نباید فراموش کرد که روسیه تمامی سعی و تلاش خود را خواهد نمود تا زرادخانه سلاح های استراتژیک و اتمی خود را مدرنیزه کند برای این مدرنیزه نمودن که در هر صورت در شرف انجام است! بهترین بهانه و دلیل برای بحق و قانونی جلوه دادن آن همانا بهانه برنامه های سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپاست.

قبلا در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۰۷ خانم مرکل صدر اعظم آلمان غیر مستقیم به تکروری آمریکا اخطار نمود و گفت: ما در زمانه ای زندگی می کنیم که در این زمانه بعقیده من میتوان اذعان نمود که هیچکس نمیتواند به تنهایی از پس حل مشکلات برآید.

بهر رو، در این اواخر، آمریکائیان آشکارا در صدد بهبود روابط خود با روسیه و محدود کردن خسارات ناشی از سیاستهای اخیر بر آمدند. بهمین مناسبت فعالیت های دیپلماسی وسیعی را آغاز نمودند. همین دیروز وزیر امور خارجه آمریکا کندیولیزا رایس و وزیر دفاع آمریکا روبرتز گیت در یک گفت و شنود جمعی با روزنامه زود دوچه زایتونگ "Süddeutsche Zeitung"، در باره شرایط تهدید عمومی که هم برای ناتو و هم برای روسیه وجود دارد، صحبت کردند. آنها به این مطلب اشاره نمودند که، در شرایط خاص، هر دو طرف در بخشهای خاصی بهمکاری مشترک روی آورده و با یکدیگر همکاری کنند. تهدید آمیز ترین زمان، میتواند زمانی باشد که دولتی خطرناک، با استفاده از موشک های دور برد مجهز به کلاهک های اتمی و یا دیگر مواد کشتار جمعی، مردم کشورهای ما را به گروگان بگیرد و یا زیانهای بدتری به آنها برساند. اشتباه تکنید عوامل خطر ساز جدی هستند با وجود این عوامل حقیقی و جدی است که ما آشکارا در حال توسعه، تکمیل و نصب یک سیستم دفاع ضد موشکی جدید در اروپا هستیم. هدف ما از اینکار نه تنها ایجاد یک سیستم حفاظی برای آمریکا و نیروهای مسلح آن بلکه برای کشورهای دوست عضو ناتو است. ایجاد این سیستم محدود قابل انجام و منطقی است. منتقدین این روش ما نیز باید منطقی فکر کنند. چرا که ایجاد این سیستم محدود آشکارا در مقابله با انبوه عظیمی از موشکهای دور برد با کلاهکهای اتمی و دیگر موشکها،

بعنوان مثال در مقابله با سیستم های موشکی روسیه، هیچ کارائی ندارد. در حال حاضر ورود به یک مسابقه تسلیحاتی با روسیه از واقع بینی بدور است. انتقادهای به روابط و تعهدات چند جانبه با کشورهای چک و لهستان را با توجه به اصل همکاری و کمک به متحدین در ناتو، می باید ارزیابی نمود.

آمریکا به تنهایی قادر به انجام اینکار نیست. برای اینکه بتوانیم امنیت جمعیمان را تضمین کنیم، باید دفاع قبل از آن باشد که موقعیت جدی و خطرناک تهدید پیش و یا بوجود آید. بهمین سبب ما، با داشتن ایده ای (برنامه ای، طرحی)، به جمعی از متحدینمان در ناتو مراجعه کردیم تا بتوانیم یک سیستم محدود دفاعی، حفاظی با توانمندی دفاع ضد موشکی را نصب کنیم. ۱۰ سیستم دفاع ضد موشکی در لهستان و یک سری تجهیزات رادار در جمهوری چک.

از سوی حکومت آمریکا تأکید می شود که ما از سالها قبل با روسیه در باره یک سیستم دفاع ضد موشکی صحبت کرده ایم. اینک مذاکرات عمیقتر شده اند. همانطور که وزیر دفاع آمریکا روبرتز گیت، در مراجعت از سفر لهستان و روسیه، این هفته در برلین توضیح داد، آمریکا بر این نظر است که ما بسیار بسمت تفاهم با روسیه پیش رفته ایم.

ما به روسیه یک پیشنهاد بسیار دوستانه برای همکاری داده ایم. ما از آنها دعوت کرده ایم تا از سیستم دفاع ضد موشکی ما در گرلی آلاسکا Greely in Alaska دیدن کنند. ما از آنها همچنین دعوت کردیم تا از سیستم رادارهای ما در کالیفرنیا دیدن کنند. ما حتی به آنها پیشنهاد نمودیم تا در مکان هایی که نیاز به نصب رادار است، آنها نیز می توانند دستگاه های رادار خود را نصب کنند و اطلاعات جمع آوری شده دستگاه های رادار بین دو طرف مبادله شوند. ما به آنها چند تایی پیشنهادهای عریض و طویل دیگر هم نموده ایم و ما بدون هیچگونه تردید مطمئنیم که در مسکو در این باره، بحثهایی برانگیخته خواهند شد. و با توجه به شرایط، احیانا عکس العملهایی بروز خواهند نمود.

در ۲۶ آوریل، دانستیم که پوتین، رئیس جمهوری روسیه، از سخنرانی خود در باره وضعیت روسیه، در برابر دو مجلس کشورش، برای معلق ساختن قرارداد ک-اس-۱ KSE که بین ناتو و ورشوسابق در سال ۱۹۹۰ در باره کاهش و محدود کردن نیروهای مسلح در اروپا منعقد شده بود، استفاده نمود. در سال ۱۹۹۰، بین کشور های عضو پیمان ورشو و ناتو قراردادی در باره محدود کردن نیروهای مسلح در اروپا امضا شد. اگر هنوز پیمان ورشو ادامه و حیات میداشت، این مورد معنا و مفهوم پیدا میکرد. در غرب هنوز هم همه کشورها آن قرارداد را مورد تأیید و تصویب قرار نداده اند و هم اکنون میبایستی یک سپر دفاع ضد موشکی در چک و لهستان ایجاد شود. بهمین خاطر من عاقلانه میدانم که قبل از لغو

قرارداد بصورت یکجانبه از سوی روسیه، ایشان توضیح دهند، آیا بنا بر عمل به آن قرارداد هست یا نه.

بنظر میرسد که واشنگتن هم دیگر هیچ دلیلی بر کوتاه آمدن دیپلماتیک در این مورد را نمی بیند چراکه وزیر امور خارجه آمریکا، کاندولیزا رایس، در گردهمایی وزیران امور خارجه ناتو در اسلو، که، در آن، وزیر امور خارجه روسیه سرگی لاورف نیز دعوت شده بود، پس از آنکه پیشنهاد آمریکا به روسیه را تجدید کرد، در رابطه با سخنان پوتین مواضعی را با لحن دیگری اظهار نمود:

ما مطلقا آماده هستیم، هر میزانی که لازم باشد، زمان بگذاریم تا روسیه را نسبت به درستی عمل خود متقاعد کنیم. اما بگذارید واقفکرا باشیم. استقرار ده موشک و چند سیستم رادار در اروپای شرقی روسیه را، با توجه به توان تسلیحاتی، هیچگاه تهدید نمی کند و ترسناک نیست. تهدید آمیز خواندن این کار ساده لوحانه است و این را همه میدانند. روسیه هزاران کلاهک جنگی دارد. تصور اینکه با چند سیستم دفاع ضد موشکی میتوان زرادخانه روسیه را از کار انداخت عاقلانه نیست.

امکان خطر بروز یک جنگ سرد تسلیحاتی بین روسیه و ناتو است. یا حتی یک مسابقه تسلیحاتی؟ در هر صورت ناتو خود را در یک موقعیت بسیار نامناسب می بیند. چرا که ناتو نیز در فکر ایجاد یک سیستم دفاع ضد موشکی است. بهمین سبب در ملاقات سران ناتو در پراگ سال ۲۰۰۲ طرح تحقیق و پژوهش برای امکان انجام یکجنین طرحی تصویب شد. در تابستان امسال نتایج حاصله مطرح خواهند شد.

بنظر اولیور ترن ارت بیخود نیست که طرح تحقیق و پژوهش برای امکان انجام یک سیستم دفاع ضد موشکی برای ناتو پنج سال طول میکشد:

دو مشکل اساسی و مرکزی وجود دارند: یکی از آنها طبیعتا طرح های سیستم دفاعی ناتو در اروپاست که اروپا باید درمخارج و هزینه های آن جدا سهمی باشد. با توجه به وضعیت مالی کنونی دولتها و بودجه های آنها شرکت در تأمین هزینه ها آسان نیست. مشکلات دیگر نیز هستند. بعنوان مثال، مشکلاتی که ارتش آلمان با آن روبروست از جمله شرکت در ماموریتهای خارج و از عهده آنها برآمدن. با وجود این مشکلات، در شرایط سخت کنونی، پول را صرف هزینه های ایجاد یک سیستم دفاع ضد موشکی نمودن، کارآسانی نیست.

مشکلات سری دوم نیز وجود دارند. از جمله این مشکلات این که تک و توک کشورهای اروپائی، بویژه فرانسه، حتما و قاطعانه خواستار ناتویی که به او کمک کنند تا او از اروپا دفاع کند، نیستند. بلکه می گویند اگر مسئله تنها مسئله دفاع از اروپا است، دفاع اروپا می باید در دست اتحادیه اروپا باشد!

اکنون که آلمان ریاست اتحادیه اروپا و گروه گ-۸ کشورهای صنعتی پیشرو، را بر عهده دارد، بجاست که حداقل اولین قدم میانجیگری بین ناتو در صفحه ۱۰



تیم ترور در پی انحلال دفتر تحکیم وحدت - جبهه برای بعد از مرگ خامنه ای!؟

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل، گزارشی را می خوانید که از ایران دریافت شده است و موضوع آن توطئه انحلال دفتر تحکیم وحدت دانشجویان است. در قسمت دوم، تحلیل الکساندر آدلر را در فیگارو و گزارش گاردین را در باره مبارزه بر سر قدرت در درون رژیم مافیاهای نظامی - مالی را می خوانید. در صورتی که جایی ماند، در قسمت سوم، نمونه های دیگری از ستیزها و سازشها در درون رژیم را از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

طرح حذف دفتر تحکیم وحدت بقصد به مهار در آوردن دانشگاهها، « انقلاب فرهنگی دوم » در دست اجرا است:

با مشاور شدن حسین یار و رفیق حسین شریعتمداری و صفار هرنندی و پورمحمدی و اژه ای و احمدی نژاد، در جمع، تیم ترور، در یک نشست مخفیانه برای ایجاد بحران و بر هم زدن زمینه اطلاع مردم از مذاکرات پیشروی ایران و غرب و دادن امتیازات بیشتر و عقب نشینی در مورد اتم، لازم تشخیص می دهند که با ایجاد بحران دانشگاهی، هم به این هدف برسند و هم زمینه حذف دفتر تحکیم وحدت را فراهم کنند. این تیم که اعضای سازمان ترور هستند، از ابتدای انقلاب در کار اعدام و ترور و بحران سازی هستند. این تیم سیاست حکومت احمدی نژاد را در برابر جنبش های زنان و دانشجویان و کارگران و معلمان را تعیین می کنند: تشدید بحران و تشدید سرکوب برای استفاده از بحران در سیاست خارجی و در درون رژیم.

تیم ترور، در جریان سرکوب کارگران و زنان و معلمان، با مشاهده ادامه مقاومت، متوجه شده اند دانشجویان در این جنبش ها و ادامه مقاومتها نقش دارند. دانشجویان از کارگران و معلمان و زنان، در جنبش اجتماعی و مطالباتشان و در برابر روش سرکوبگرانه حکومت، حمایت و در این مقاومت شرکت می کنند.

• از سال گذشته، بعد از شکست طیف شیراز که از حمایت خامنه ای نیز برخوردار شد و شکست خورد، زمانی که تیم رهبری کننده گروههای سرکوب گر تصمیم گرفت در مقابل در صفحه ۱۱

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

تهدید ایران است. مرکل، صدر اعظم آلمان، پس از گفتگوی تلفنی با پوتین، بیانیه ای صادر کرد و در آن از امریکا خواست به گفتگوی جدی و همه جانبه با روسیه بنشیند.

*** پیشنهادهای سوئیس و آلمان برای حل بحران اتمی ایران:**

◀ در ۲۵ آوریل، خبرگزاری فرانسه از آتکارا، از قول دیپلماتها، گزارش کرده است: سولانا در هتل سوئیس آتکارا، طرح سوئیس را به لاریجانی پیشنهاد داده است. این طرح که در اولین روزهای سال ۸۶ و پیش از تصویب قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت، پیشنهاد شد و معاون وزیر خارجه سوئیس برای تشریح آن به تهران نیز رفت، دوره یک ماهه تعلیق را پیشنهاد می دهد. عدم توسعه برنامه هسته ای از سوی ایران و پیشگیری از اعمال تحریم از سوی شورای امنیت.

در مدت این ۳۰ روز، دو طرف روی یک وقفه کوتاه (تایم اوت) دوطرفه کار می کنند که طی آن تعلیق مضاعف (تعلیق غنی سازی از سوی ایران و تعلیق تحریمها از سوی ۵+۱) اعمال می شود و گفت و گوها درخصوص امتیازهای بازرگانی و امتیازهای دیگر، میان ایران و گروه شش آغاز می شوند.

این طرح، از سوی ژاک شیراک، رئیس جمهوری فرانسه و آلبرادعی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز پیشنهاد شده بود.

• در ۱۵ اردیبهشت، آفتاب خبر داده است که متکی، در حاشیه کنفرانس شرم الشيخ، از پیشنهاد سوئیس استقبال کرده است.

◀ در ۳ مه، خبرگزاری آلمان خبر داده است که آلمان پیشنهاد جدیدی برای حل بحران اتمی ایران، ارائه کرده است: دولت آلمان در تلاش برای پایان دادن به بن بست بحران هسته ای ایران، پیشنهاد داده است یک منطقه ویژه ای تشکیل شود و، در آن، آژانس بین المللی انرژی اتمی، برای کشورهایی که به تازگی وارد باشگاه هسته ای شده اند، اورانیوم غنی کند و سوخت اتمی در اختیار این کشورها بگذارد.

اشتاینمایر، وزیر خارجه آلمان، چند ساعت پیش از عزیمت به شرم الشيخ مصر برای شرکت در کنفرانس پیرامون آینده عراق گفته است: هدف از این پیشنهاد اطمینان دادن به همه کشورهای متقاضی سوخت هسته ای است. بدین سان، آنها می توانند برق تولید کنند و در عین حال کاستن از خطر گسترش سلاح های هسته ای است.

انقلاب اسلامی: در همان حال که مافیاهای نظامی مالی فرصتها را می سوزانند و برای حکومتهای بوش و اولمرت دست آویز می سازند، در درون رژیم و میان رژیم و مرام ایران، جنگ مغلوبه است:

غرب بر این نظر است که قصد واقعی ایران تولید بمب اتمی است. پیش از اجلاس لندن، علی اکبر ولایتی، مشاور آیه الله خامنه ای، گفته بود: تهران می تواند سانتریفوژها را که بکار غنی سازی اورانیوم می آیند، تولید انبوه کند. زمانی بود که ایران برای تولید یک سانتریفوژ مشکل داشت اما حالا با تحصیل تکنولوژی می تواند تولید انبوه کند. این اولین بار است که مشاور رهبر - که در موضوع اتم حرف آخر را می زند - از تولید انبوه سانتریفوژ سخن می گوید.

بنا بر بیانیه وزارت خارجه انگلستان، ۶ کشور با گفتگو بعنوان راه حل مشکل اتمی ایران موافقت کردند. اما هرگاه نتیجه نداد، تصمیم به مجازاتهای جدید در باره ایران گرفته خواهد شد. ۶ کشور اتفاق نظر دارند که در صورت بی نتیجه شدن گفتگوها، شورای امنیت می باید قطعنامه جدیدی بر ضد ایران، شامل مجازاتهای سنگین تر، صادر کند.

* امریکا با گفتگو بر سر ایران و روسیه موافق است:

◀ به گزارش آسوشیپدپرس (۳۰ آوریل)، در پی گفتگوهای سران امریکا و اروپا در ۳۰ آوریل (اجتماع مرکل و بوش در واشنگتن)، دو طرف به یکدیگر نزدیک تر شدند و زمینه مشترکی هم در باره گفتگو با روسیه بر سر استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در ایران، پیدا کردند.

روز پیش از آن، رئیس کمیسیون اروپایی، ژوزه مانوئل باروزو، در واکنش به اظهارات احمدی نژاد و پوتین گفت: ما با امریکا متحدیم. مانور روسیه و ایران برای اختلاف انداختن میان اروپا و امریکا محکوم به شکست است.

او که همراه مرکل به واشنگتن رفت، در مصاحبه با CNN نسبت به سخن احمدی نژاد که اروپا نیاز به استقلال بیشتر از امریکا دارد، واکنش سخت نشان داد و گفت: تهران باید بداند نگرانی در باره برنامه اتمی ایران تنها از سوی امریکا نیست که اظهار می شود بلکه از سوی اغلب کشورهای جهان ابراز می شود. ایرانها باید بدانند که این جامعه جهانی است که نگران است و نگرانی خود را ابراز می کند.

باروزو موضع بوش را مورد تحسین قرار داد. به دنبال اظهارات سولانا در باره آماده بودن ایران برای گفتگوی مستقیم، بوش گفت: هرگاه احساس کنیم گفتگوهای مستقیم با ایران مفید هستند، از آن رویگردان نخواهیم شد. اما فکر نمی کنیم مفید باشند. موضوع گفتگوی مستقیم امریکا با ایران، در اجتماع سران امریکا و اروپا (مرکل رئیس دوره ای اروپا است)، موضوع بحث شد.

قرار است امریکا و روسیه در ماه آینده در باره استقرار سیستم دفاع ضد موشک در لهستان و چک، گفتگو کنند. امریکا به روسیه اطمینان داده است که هدف از استقرار این سیستم مقابله با

* احمدی نژاد شورای امنیت را به رو کردن دست آوردهای جدید تهدید می کند:

◀ به گزارش ایسا (به نقل از اعتماد ملی، ۸۶/۱/۲۸). احمدی نژاد، در جمع مردم کازرون خطاب به قدرت های زورگو گفته است: شما در برابر فعالیتهای صلح آمیز هسته ای ما مانع تراشی و قطع نامه صادر کردید. اما دیدید که ایران توانست به چرخه سوخت هسته ای دست پیدا کند و دوباره قطعنامه صادر کردید و ایران توانست در این زمینه وارد مرحله صنعتی شود. اگر دوباره صادر کنید "ملت ایران دستاوردهای جدید خود را رو می کند".

◀ و باز، در ۱۴ اردیبهشت ۸۶، در رفسنجان گفته است:

ما فقط درباره ی سوالات و همکاریها و تلاش برای برپایی صلح و امنیت در جهان و تفاهم در جهان گفت و گو می کنیم. هیچ کس حق ندارد پشت میزی بنشیند که در روی آن موضوع حق مسلم هسته ای ایران مورد مذاکره باشد.

انقلاب اسلامی: «دست آوردهای جدید که برای شورای امنیت تهدید آمیز باشند، جز ساخت سلاح اتمی چه می تواند باشد؟ بدین سان، احمدی نژاد تصدیق می کند حق به جانب ۵ عضو دائمی شورای امنیت (امریکا و انگلستان و چین و روسیه و فرانسه) و آلمان، تهیه کنندگان قطعنامه ها و شورای امنیت بوده است و هست. آنها حق دارند خواستار متوقف شدن غنی سازی اورانیوم باشند. زیرا بنا بر قول احمدی نژاد، قصد رژیم تنها تهیه سوخت اتمی برای نیروگاههای اتمی نیست بلکه «دست آوردهای جدید» نیز هستند!

* اجتماع نمایندگان ۶ کشور در لندن و تهدید « ایران » به مجازاتهای سخت تر:

◀ رویتر در ۳۰ آوریل خبر داد که در ۲ مه، نمایندگان ۶ کشور در لندن اجتماع می کنند تا بررسی کنند گفتگوهای سولانا با لاریجانی و اندازه آمادگی ایران برای اجرای قطعنامه را. در این گزارش خبری، قول سولانا را نیز نقل کرده است: امریکا باید با ایران وارد گفتگوی مستقیم شود. تهران برای چنین گفتگویی آمادگی دارد.

پیش از آن، سولانا گفته بود از گفتگوهایش با لاریجانی به این نتیجه رسیده است که رهبر عالی دولت ایران، آیه الله علی خامنه ای با گفتگوهای مستقیم ایران و امریکا موافق است.

بوش در پاسخ سولانا گفته است: امریکا منعی در گفتگوی مستقیم با ایران ندارد.

◀ و باز، رویتر، در ۲ مه، از لندن گزارش کرده است: نمایندگان ۶ کشور در پایان گفتگوهای خود، به ایران هشدار دادند که هرگاه غنی سازی اورانیوم را متوقف نکنند، شورای امنیت قطعنامه سوم را بر ضد ایران تصویب خواهد کرد.

و روسیه را در راه کاهش و محدود کردن سلاح ها بردارد. در همین رابطه، معاون سخنگوی صدر اعظم آلمان در ۲۷ آوریل گفت: از نظر صدر اعظم بسیار مهم است دانسته شود که آلمان و اروپا به اتحاد استراتژیک بین اروپا و روسیه علاقمندند. ما به یکدیگر متقابلا نیازمندیم. ما علاقی و روابطه بهم پیوسته ای داریم و بر این اساس بایستی در یک جو اعتماد و فرهنگ ارتباط متقابل به اتفاق مذاکره کنیم. ما معتقد به صحبت هستیم و همزمان سرسختانه معتقدیم که تهدید هیچ کمکی به پیشرفت در این زمینه نخواهد کرد.

جمعه ۲۷ آوریل ۲۰۰۷ ساعت ۴:۰۰:۱۸ بعد از ظهر از رادیو آلمان (دی ال اف) انقلاب اسلامی: بدین سان، گزاره گوئیهای مافیاهای نظامی - مالی جز این نمی کنند که دست آویز برای امریکا بسازند تا در همان حال که ایران را به محاصره نظامی در می آورد، سلطه خویش را، با استقرار قوای نظامی او در نقاط استراتژیک جهان تحکیم کند.

برخی بر این نظر هستند که برغم تظاهرات ضد امریکا، سران رژیم عاملان سلطه امریکا هستند. اما اگر نخواهیم واقعیت را در صورت فروکاهیم، می باید به این پرسش پاسخ دهیم: چرا دست نشانده امریکا شده اند؟ این پرسش، ما را ناگزیر می کند جریان خارجی شدن دولت استبدادی زیر سلطه و وابستگی کاملش را به اقتصاد مسلط، پی جوئیم و چون چنین کنیم، در می یابیم که در موقعیت زیر سلطه، یک رژیم استبدادی، بدون جیره و موجب، حتی با انتقال ثروتیهای کشور به اقتصاد مسلط، همان می کند که سلطه گر می خواهد. در باره اتم نیز، رژیم مافیاهای همین رویه را دارند.

انقلاب اسلامی: بدین سان، گزاره گوئیهای مافیاهای نظامی - مالی جز این نمی کنند که دست آویز برای امریکا بسازند تا در همان حال که ایران را به محاصره نظامی در می آورد، سلطه خویش را، با استقرار قوای نظامی او در نقاط استراتژیک جهان تحکیم کند. برخی بر این نظر هستند که برغم تظاهرات ضد امریکا، سران رژیم عاملان سلطه امریکا هستند. اما اگر نخواهیم واقعیت را در صورت فروکاهیم، می باید به این پرسش پاسخ دهیم: چرا دست نشانده امریکا شده اند؟ این پرسش، ما را ناگزیر می کند جریان خارجی شدن دولت استبدادی زیر سلطه و وابستگی کاملش را به اقتصاد مسلط، پی جوئیم و چون چنین کنیم، در می یابیم که در موقعیت زیر سلطه، یک رژیم استبدادی، بدون جیره و موجب، حتی با انتقال ثروتیهای کشور به اقتصاد مسلط، همان می کند که سلطه گر می خواهد. در باره اتم نیز، رژیم مافیاهای همین رویه را دارند:

احمدی نژاد دست آویز « اتمی » می سازد وقتی تهدید می کند: « دست آوردهای جدید خود را رو می کنیم » و ۶ کشور ایران را به مجازاتهای سخت تر تهدید می کنند:



انجمنهای اسلامی دانشجویان یا دفتر تحکیم وحدت، مانعی ایجاد کند، شروع کرد به تبلیغ جامعه اسلامی دانشجویان که از سوی هیات مولفه و «بیت رهبری» به آن بال و پر داده می شد.

تیم ترور برای اینکه بتوانند این جامعه را جا بیندازند شروع کرد به سرکوب انجمن های اسلامی دانشجویان: از سویی با نفوذ دادن برخی از اعضای که به نوعی به گروههای مارکسیستی وابسته بودند، سعی می کرد این انجمن ها را زیر سوال ببرد تا بتواند با ادعای اینکه این انجمن ها اسلامی نیستند، جلوی فعالیتشان را بگیرد و آنها را منحل سازند. به همین دلیل با وزارت زاهدی فشار تیم ترور بر انجمن های اسلامی شدت یافت. تا اینکه معاون او اعلام کرد که انجمن های اسلامی دانشگاهها با توجه به اینکه برخی از این انجمن ها منحل شده اند، نمی توانند انتخاباتی برگزار نمایند. اما از آنجا که این دانشجویان برای این وزیر سرکوبگر و وابسته پیشی اعتبار قائل نبودند و موجودیت خود را در خطر دیدند، بر فعالیت خود افزودند و انتخابات خود را برگزار کردند و به اعضای تیم نشان دادند که آماده مقاومتند.

• انتخابات انجام شده دانشجویان دفتر تحکیم وحدت و ورود چهره های مذهبی و غیر وابسته به جریانهای خاص سیاسی، تیم ترور و «بیت رهبری» و هیات مولفه و دیگر سرکوبگران را بسیج کرد تا به هر صورتی که شده است کار دفتر تحکیم وحدت را بسازند. و چون متوجه شدند با برگزاری انتخابات اعتبار دفتر در میان دانشجویان بیشتر شده است، تیم طرح توطئه جدیدی را تهیه و به اجرا گذشت. یادآور می شود که از بدو انقلاب، هر زمان که حاکمان مستبد نیاز به بحران و سرکوب داشتند افرادی گروههای زیر را در خدمت خود داشته اند:

- باند مدرسه حقانی
- بیت رهبری
- سپاه پاسداران
- بسیجیان
- روحانیان وابسته به گروههای مافیایی قدرت

- حسین شریعتمداری و برخی از سرداران که در سیاستگذاری های سپاه پاسداران و زندانها و دادستانی ها دخالت داشتند و هم اکنون: تیم ترور با برخورداری از حمایت خامنه ای و میر حجازی رابط او با سازمان ترور و سازمانهای سرکوبگر.

از بعد از انتخابات جدید این دفتر تیم ترور تلاش خود را آغاز کرد. بعد از عید، زمانی که تیم دید دیگر کاری از دستش بر نمی آید، تصمیم گرفت دفتر را زیر فشار قرار دهد و ناگزیر از تعطیل نماید:

• گروه کفن پوشان که در جریان توهین به حضرت محمد اصلاً گویا وجود نداشتند، این روزها به صحنه آمده اند و بر ضد دفتر تحکیم وحدت، راه پیمایی می کنند و می گویند که به رهبری توهین شده است. این کفن پوشان حقوق بگیر که تنها درآمدهای از پوشیدن کفن سفید در روزهای مورد نیاز تأمین می شود کاری به

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند ؟

عدم حمایت از بخش زنده و فعال جامعه، یعنی دانشجویان و زنان و معلمان و کارگران و زحمتکشان، این حال و آینده خویش است که تباه می کند. سازمانهای سیاسی نیز می باید دریابند که حیات سیاسی آنها بستگی مستقیم به میزان حمایتشان از جنبشهای اجتماعی دارد.

حسین شریعتمداری در جلسه خصوصی، در ایام نوروز، گفته بود: کاری می کنیم که مردم از کرده خود یعنی عدم حمایت از احمدی نژاد در ماجرای هسته ای و نیز حمایت نکردن بهنگام به اسارت گرفتن ملوانان و تنفکداران دریایی انگلیسی ها پشیمان شوند.

در آن جلسه، او گفته بود: این مردم گویا قرار است پشت ما را خالی کنند و خیانت کنند و اگر قرار بر این است بهتر است که آنها را وادار به پشیمانی کنیم. و اینکه حکومت مافیاهای نظامی - مالی به قصد سرکوب و بحران سازی، به جنگ دانشجویان و معلمان و زنان و کارگران رفته است. به این جنگ رسوا، در میان خود، «انقلاب فرهنگی دوم» نامه داده اند.

فیگارو: جبهه برای بعد از مرگ خامنه ای - گاردین: مبارزه بر سر قدرت در درون رژیم ایران:

* آکساندر آدلر (فیگارو ۵ مه):
رئیس جمهوری جدید فرانسه با سه بحران در خاورمیانه روبرو است:

◀ در ۶ مه، نیکولا سارکوزی با ۵۳ درصد آراء به ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شد. روزی پیش از آن، آدلر، سه بحران را توضیح داده است: یکی در ترکیه (مداخله نظامیان در انتخاب رئیس جمهوری و قوت لایکها در ترکیه) و دیگری بحران در اسرائیل بخاطر تهي شدن صهیونیستهای ناسیونال لیبرال و صهیونیستهای سوسیالیست و صهیونیستهای بخاطر از دست دادن هویت واقعیشان و سومی بحران در ایران. بنظر او، آینده دنیای عرب را نیز چگونگی حل این سه بحران معین خواهد کرد. از این رو، رئیس جمهوری جدید فرانسه می باید به این سه بحران پردازد. مفصل نظر او در باره بحران ایران اینست:

• هیچگاه وضعیت ایران و، در قفایش، وضعیت شیعه در خاورمیانه این اندازه متناقض نبوده اند: از سویی، نیروئی که بخشی از آن جدید است، از قبیل واواک و سپاه پاسداران پشت سر احمدی نژاد است. این نیرو متقاعد

نژاد، نشانه نارضایتی نمایندگان از حکومت است. هرچند این مصوبه احتمالاً توسط شورای نگهبان رد خواهد شد.

هدف اصلی مخالفان محمود احمدی نژاد ساقط کردن حکومت بنیادگرا با توسل به شیوه های دموکراتیک و تغییر رژیم ایران به دولتی معتدل است تا که مداخله نظامی یا انواع دیگر مداخلات توسط ایالات متحده و غرب موضوع خود را از دست بدهند.

نیروهای سیاسی و مذهبی راستگرا هم که از عملکرد احمدی نژاد دلسرد شده اند، از هم اکنون خود را برای مقابله با تهاجم سیاسی مخالفان آماده می سازند.

این تحولات نشان می دهد که ایرانیان به هیچوجه به شکلی یکپارچه پشت سر احمدی نژاد، که کشور را به سوی رو در رویی با غرب کشانده و عامل سقوط اقتصاد کشور گشته، قرار ندارند.

• دوره ای تلخ: محمد عطریانفر، از طرفداران هاشمی رفسنجانی، می گوید: دو سال گذشته دوره ای تلخ برای ایران بوده است. او رییس جمهوری را متهم می کند که در تمامی زمینه ها - سیاسی، اقتصادی و سیاست خارجی - دستاورد های گذشته کشور را بر باد داده و در داخل و خارج به ایران آسیب رسانده است. اکثر نمایندگان مجلس منتقد رییس جمهوری شده اند و تنها به دلیل حمایت آیت الله خامنه ای است که از استیضاح وی خودداری می کنند.

خانمی و رفسنجانی، ناراضی از حکومت هستند و به ائتلاف با یکدیگر روی آورده اند. علی علوی، روزنامه نگار سیاست روز، به ما گفته است: ماه گذشته، حدود یکصد و پنجاه تن از فعالان سیاسی، استادان و مدیران پیشین دولت، همراه با نمایندگان مخالف در مجلس، در یک جلسه محرمانه به ریاست محمد خاتمی، «راهکاری برای پیروزی» را تدوین کردند این راهکار بر این شالوده استوار است که اختلافات «اصول گرایان» تشدید می شود. انتقادات از حکومت احمدی نژاد، جامعه را از وضعیتی که در آنت است آگاه و آماده تغییر وضع خود از راه انتخابات می کند.

مخالفان حکومت می گویند: در صورت پیروزی ائتلاف اصلاح طلبان و عملگرایان در انتخابات ریاست جمهوری، حکومت آینده بر حق ایران در دستیابی به انرژی اتمی و سایر «حقوق ملی» پافشاری خواهد کرد اما خواهد کوشید مناقشه کنونی را از راه گفتگو حل و فصل کند.

اخیراً آیت الله العظمی یوسف صانعی، در اقدامی کم سابقه، حکومت احمدی نژاد را به دلیل ناتوانی در حل معضلات اجتماعی، از قبیل بیکاری جوانان، اعتیاد به مواد مخدر و تبعیض جنسی، هدف حمله قرار داد و در مصاحبه ای نادر با یک نشریه غربی گفت: حکومت باید در خدمت مردم باشد در حالیکه این حکومت فشار

در صفحه ۱۲

است که ستیز دائمی بیش از پیش سود آور است و بعد از تخلیه عراق، دنیای سنی را تابع ایران می کند. و از آن سو، نوعی جبهه ضد فاشیست بوجود آمده است از علی لاریجانی، طرف مذاکره بر سر اتم، و قالیباف، شهردار جدید تهران، تا طرفی خواهانی چون خاتمی و خرازی را در بر می گیرد. این جبهه میانه روهای بنابارتیست وفادار به هاشمی رفسنجانی را نیز در بر می گیرد.

این جبهه که اکثریت دارد تصمیم گرفته است که برگ مرگ خامنه ای را بازی کند. یعنی به دنبال مرگ او، رهبری را برگزیند که بیشتر ایران خواه و طرفدار شیعه سنتی باشد.

بلافاصله جبهه دولت جدید را تشکیل داد باب گفتگو با امریکا را، برای تثبیت و تحکیم دولت عراق، خواهد گشود. بدون روی آوردن به خشونت، اسباب بسط حکومت لبنان را با شرکت حزب الله در آن، فراهم خواهد آورد. و مسئله اتمی را از راه تفاهم و سازش حل خواهد کرد. برای فرانسه یک سیاست بیشتر وجود ندارد و آن حمایت از این جبهه در ایران و حمایت از حل بحران ترکیه از راه تثبیت دموکراسی و حمایت از حل بحران اسرائیل به تریبی که نسل جدید سیاستمداران معتمد مردم اسرائیل بگردند.

* گاردین: جنگ بر سر قدرت در درون رژیم ایران:

روزنامه بریتانیایی گاردین (۳۰ آوریل)، در باره مبارزه بر سر قدرت در درون رژیم مافیاهای نظامی - مالی، این گزارش را انتشار داده است:

• گزارش زیر عنوان «اطلاعات درونی از مبارزه بر سر قدرت در ایران» به قلم سایمون تزداال. این گزارش به «ائتلاف بزرگ نیروهای مخالف حکومت احمدی نژاد» می پردازد: این ائتلاف بر آنست که از راه مبارزات انتخاباتی، مانع از انتخاب مجدد احمدی نژاد به ریاست جمهوری شود و به دست اندازی «دولت شبه نظامی» بر حیات اجتماعی و آزادی های فردی خاتمه دهد.

ائتلاف ضد احمدی نژاد، از سیاستمداران مخالف وی، فعالان طرفدار دموکراسی و روحانیان حامی اصلاحات تشکیل یافته است. با دلگرمی که از موفقیت خود در انتخابات شوراها، پیدا کرده اند، اصلاح طلبان حامی محمد خاتمی با محافظه کاران عملگرا به رهبری اکبر هاشمی رفسنجانی متحد می شوند.

هدف از این اتحاد بهره برداری از نارضایتی رو به افزایش مردم از حکومت احمدی نژاد، به خاطر نرخ بالای بیکاری، تورم رو به افزایش و بحران قیمت گذاری بنزین بقصد کسب موفقیت در انتخابات مجلس است که چند ماه دیگر برگزار خواهد شد.

• مصوبه اخیر مجلس برای کوتاه کردن دوره ریاست جمهوری احمدی



فراوانی بر مردم وارد می کند. روزنامه ها را می بندد، مردم را به زندان می فرستد، پسران و دختران دانشجو را از یکدیگر جدا می کند و درباره حجاب سرو صدا به راه می اندازد.

ناظران سیاسی بر آنند که مبارزه بر سر قدرت در ایران اجتناب ناپذیر است. یک دیپلمات خارجی از شکاف گسترده بین دو طرف سخن می گوید. او به ما می گوید:

این نبرد قدرت می تواند تعیین کند که آیا ایران در مسیر روبرویی با غرب پیش خواهد رفت یا اینکه از انزوا خارج خواهد شد.

• **آمادگی اصلاح طلبان برای مقابله با احمدی نژاد:**

برای مقابله با احمدی نژاد و حامیان نظامی او، خاتمی و هاشمی رفسنجانی متحد می شوند.

در این باره، محمد عطربانفر به ما می گوید: اداره امور به شکلی دموکراتیک و قانونی به دلیل افزایش نفوذ سپاه پاسداران و بسیج در کشور ناممکن شده است. به نظر آقای رفسنجانی، این مردم نیستند که کشور را اداره میکنند بلکه اداره امور در دست نظامیان است و این وضعیت با قانون اساسی مغایرت دارد.

پیروزی احمدی نژاد در انتخابات سال ۲۰۰۵ ناشی از مداخله نظامیان بود و بدون چنین مداخله ای، اصلاح طلبان در انتخابات بعدی پیروز خواهند شد.

بر خلاف تاثیر مثبت سفرهای استانی رییس جمهوری که به خوبی کارگردانی می شود و توزیع پول در این سفرها، اکثر ایرانیان، از احمدی نژاد حمایت نمی کنند و حتی در مجلس نیز، که زمانی ۲۱۰ نماینده از او پشتیبانی می کردند، حالا از میان ۲۹۰ نماینده بیش از ۲۰۰ نفر، از جمله جمعی از بنیادگرایان، با او مخالفند.

عطربان فر، در توصیف احمدی نژاد می گوید: «او خطرناک نیست. تنها شخصی کوچک با ضرب هوشی صفر است».

• **آیت الله صانعی می گوید:** موضوع اصلی در ایران، دموکراسی و آزادی است و تعداد روز افزونی از روحانیون از این هدف و از به جریان افتادن تحولات سیاسی و اجتماعی حمایت می کنند.

آیت الله صانعی از سیاست خارجی رییس جمهوری از جمله رفتار او در قبال اسرائیل نیز انتقاد می کند و در ارزیابی انکار هلوکاست از سوی او می گوید: «جهان باید خود در این مورد داوری کند.»

• **فریبرز رییس دانا، اقتصاددان و از منتقدان دولت، گفته است:** ایجاد محدودیت به زبان اتحادیه های کاری و دانشجویان و معلمانی که خواستار بهبود وضع معیشت خود هستند، باعث شده است که عرصه بر مردم تنگ شود. و نیز مدافعان برابری حقوق زنان با مردان رفتار رژیم را تجاوز به حقوق زنان می دانند. تازه ترین اقدام بر ضد زنان، تهاجم قوای

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

اعلمی با اشاره به جنگ ایران و عراق می گوید: «در آن زمان دست کم می دانستیم دشمن کیست، حالا موضوع به آن سادگی نیست.»

انقلاب اسلامی: کشمکش بر سر ماندن قالیباف بر مقام شهردار تهران یا رفتن او، با شدت ادامه دارد. حداد عادل میان او و چمران - که رئیس شورای شهر شد - آشتی داده و قرار بر ماندن قالیباف در مقام خود شده است. و هم او، از اعلام دریافت استیضاح وزیر حکومت احمدی نژاد خوداری می کند.

هاشمی رفسنجانی به حمایت موسویان برآمده و گفته است: حقیقت امر بزودی معلوم می شود.

وضعیت اقتصادی کشور باز هم بدتر می شود و حکومت توانا به گران کردن بنزین نیست:

بی کفایتی، فساد و فقر گستری و کاهش صادرات و افزایش واردات و بیشتر شدن عطش دلارهای نفتی:

• **بی کفایتی حکومت عامل فقر کشور و فقر مردم کشور:**

◀ به گزارش خبرگزاری مهر (۷ اردیبهشت ۸۶)، توکلی، «رئیس مرکز پژوهش های مجلس» گفته است: «اعتنا به ساز و کارهای کارشناسی در دولت نهم به اندازه کافی صورت نمی گیرد و من نسبت به کارایی پایین این دولت هشدار می دهم.»

به گزارش خبرنگار مهر، سلسله جلسات تحلیلی "افق ۱۴۰۴ از حرف تا عمل" شامگاه پنج شنبه در محل کانون جوانان مشهد با سخنرانی احمد توکلی، نماینده مردم تهران و رئیس مرکز پژوهش های مجلس هفتم برگزار شد.

• **فساد گستری بجای عدالت گستری:**

◀ در ۱۵ اردیبهشت سرمایه قول حسین دهقان، مخبر کمیسیون حقوقی مجلس را آورده است: بنا بر آمار بین المللی، «نمره» شفافیت و مبارزه با فساد کشور به ۲/۶ تا ۲/۷ از ۱۰ رسیده است. متأسفانه آمار فساد به خصوص در میحث فساد اقتصادی در کشور، سال به سال بدتر می شود. هم اکنون در رتبه بندی کشورهای جهان از نظر فساد اقتصادی وضعیت مناسبی نداریم. هر کس در بحث مبارزه با مفسدین اقتصادی مسامحه کند، هم ردیف آنان است.»

آمار فسادخیزی که نشان دهنده وضعیت فساد اقتصادی و میزان شفافیت

کشورهای جهان و براساس شاخص (Corruption Perce Ptions Index) CPI است هر چه به عدد ۱۰ نزدیک تر باشد نشان دهنده سلامت بیش تر اقتصاد و شفافیت بیش تر روابط مالی در یک کشور است و هر چه عدد به سمت صفر نزدیک شود نشان دهنده بدتر شدن وضعیت فساد اقتصادی و مالی و نبود مبارزه کافی با فساد اقتصادی و شفافیت در کشور است

اقتصاد ایران نیز از نظر فساد اقتصادی در سال ۲۰۰۴ سه نمره از ۱۰ نمره داشته است که نشان دهنده کافی نبودن مبارزه با فساد اقتصادی و نبود شفافیت کافی در روابط مالی و اقتصادی است. این نمره در سال ۲۰۰۵ به ۲/۹ و در سال ۲۰۰۶ به ۲/۷ رسیده است که نشان دهنده بدتر شدن وضعیت فساد اقتصادی و نبود مبارزه کافی با مفساد اقتصادی است. این در حالی است که در سال ۲۰۰۶ کشور هنگ کنگ ۸/۳، هند ۳/۳، لهستان ۵/۲، ایسلند ۹/۶ و ایرلند ۷/۴ نمره از ۱۰ نمره را کسب کرده اند. کشورهایی که بدتر از وضعیت ایران را داشته اند شامل اندونزی با ۲/۴ و عراق با ۱/۹ نمره از ۱۰ نمره بوده اند.

• **درآمد نفت و اصرار بر افزودن بر صادرات نفت و نیاز به سرمایه گذاری خارجی:**

◀ **فایننشال تایمز قول غلامحسین نوذری این سان نقل کرده است:**

• درآمد نفتی ایران با ۱۳/۶ درصد افزایش، به ۵۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

• برابر برنامه ۵ ساله چهارم، ایران بنا دارد تولید نفت خود را تا سال ۲۰۰۹، به ۴/۵ میلیون بشکه در روز برساند.

اما برای رساندن تولید به این میزان، نیاز به ۱۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز است. در حال حاضر، متوسط تولید روزانه ایران، ۳/۹ میلیون بشکه در روز است که از آن، ۲/۴ میلیون بشکه را صادر می کند.

اما به دنبال ژاپنی ها که از سرمایه گذاری در میدان نفتی آزادگان سرباز زدند، اینک توتال نیز می گوید سرمایه لازم را برای بکار انداختن در حوزه امتیاز خود ندارد.

• **ولخرجی ها و چشم انداز آینده بازرگانی خارجی ایران:**

◀ در ۹ اردیبهشت، ایسنا گزارش کرده است: صادرات ایران تا سال ۱۳۹۰ در حدود ۱۶ میلیارد دلار کاهش می یابد. واحد اطلاعات اکونومیست در گزارش ماه مارس خود با برآورد صادرات ۶۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار برای کشور در سال گذشته پیش بینی کرد که این میزان در سال جاری کاهش یافته و به ۵۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برسد. روند نزولی ارزش صادرات در سال های آتی نیز مشاهده خواهد شد و انتظار می رود این شاخص با چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار کاهش در سال ۸۷ به ۵۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار برسد. در همین حال کاهش پنج میلیارد دلاری منجر به ثبت رقم ۴۹ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار برای صادرات کشور در

سال ۸۸ خواهد شد. در سال ۸۹ صادرات کشور معادل ۴۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار خواهد بود که نسبت به سال ۸۸ از کاهش دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری برخوردار است.

اکونومیست در تازه ترین گزارش خود پیش بینی کرد که تا سال ۱۳۹۰ واردات ایران افزایش ۱۱ میلیارد دلاری و تراز تجاری کاهش ۲۷ میلیارد دلاری خواهد داشت.

◀ به گزارش خبرگزاری مهر (۹ اردیبهشت ۸۶)، در سال ۸۵، حکومت بیش از ۱۵/۷ میلیارد دلار از محل حساب ذخیره ارزی برداشت کرد.

• **حکومت احمدی نژاد نان به سفره ها نبرد و نان از سفره ها برد:**

◀ موسی الرضا ثروتی، نماینده مجلس مافیها، در گفت و گو با خبرنگار مهر، گفته است: براساس برآوردهای انجام شده در حال حاضر ۱۲ میلیون نفر در جامعه زیر خط فقر زندگی می کنند و ۲ میلیون نفر نیز زیر خط فقر خشن هستند. وی خاطر نشان کرد؛ وزارت رفاه خط فقر را درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان اعلام کرده است. بنابراین با توجه به این امر و همچنین عدم افزایش مستمری مددجویان و نرخ سالانه تورم پیش بینی می شود تعداد افراد زیر خط فقر بسیار بیشتر از آمارهای موجود باشد. شمار کسانی که زیر خط فقر زندگی می کنند، ۱۳ درصد افزایش یافته است.

هر ساله مجلس در قانون بودجه بطور متوسط ۷۰۰ میلیارد تومان برای کمک به اقشار آسیب پذیر به وزارت رفاه اختصاص می دهد در صورتی که تاکنون نه تنها مشکلات این قشر از مردم جامعه برطرف نشده بلکه مشخص شده که ثروتمندان ۲۷ برابر فقرا از یارانه استفاده می کنند.

در حال حاضر یک خانواده ۵ نفری تحت پوشش کمیته امداد ماهانه فقط ۵۴ هزار تومان دریافت می کنند در حالی که این مبلغ کفاف نان شب آنان را نیز نمی کند.

در حال حاضر تعداد زیادی از کارمندان دولت کمتر از ۳۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می کنند به همین دلیل می توان گفت تعداد زیادی از این اقشار نیز زیر خط فقر هستند.

◀ در ۱۰ اردیبهشت، بیژن شهبازخانی، نماینده مجلس مافیهای نظامی - مالی، به آفتاب گفته است: این نه بانک خصوصی که رشد نقدینگی عامل افزایش ۳۰ تا ۱۰۰ درصدی قیمت مسکن در کشور است. افزایش نقدینگی نیز کار حکومت احمدی نژاد است.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی، رشد نقدینگی در این مدت را به سیلی ویرانگر تشبیه می کنند گفت: نقدینگی از ابتدای خلق پول تا سال ۸۴ در ایران حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان بود. حکومت احمدی نژاد آن را به ۱۲۰ هزار میلیارد تومان یعنی دو برابر نقدینگی در تمام آن سالها افزایش داده است. این میزان نقدینگی و پول سرگردان به طور منطقی به دنبال بازاری برای خود می گشت و چون زمین و مسکن مطمئن ترین بازار برای سرمایه گذاری است نقدینگی به سمت این بازار هجوم آورد و موجب گرانی غیرقابل تصور مسکن شد.

در صفحه ۱۳



◀ به گزارش آفتاب (۱۰ اردیبهشت) مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت با اشاره به این که ۳۰ درصد از هزینه‌های سالانه خانوار شهری صرف اجاره بها یا اقساط مسکن می‌شود، اعلام کرد: این سهم در دهک‌های پایین درآمدی در کلان شهرها به ۷۰ درصد نیز می‌رسد. این در حالی است که متوسط این شاخص در کشورهای موفق در حل معضل مسکن به بیش از ۱۵ درصد نمی‌رسد، بنابراین برای تحقق سیاست کاهش هزینه‌های ضرور خانوار، کاهش سهم هزینه مسکن به نسبت سایر هزینه‌ها در اولویت قرار دارد.

* وضع عمومی اقتصاد کشور: پرباد رفتن درآمدهای نفت و گرائی برغم هزینه سنگین تثبیت قیمت‌ها:

◀ به گزارش نشریه اعتماد (۱۶ اردیبهشت) علی مزروعی، «عضو ارشد جبهه مشارکت گفته است: با طرح تثبیت قیمت‌ها در همان سال اول ۶ میلیارد دلار و در سال دوم ۸ میلیارد دلار هزینه اضافه به دولت تحمیل شد و اگر امسال هم ادامه پیدا کند با حدود ۱۰ میلیارد دلار هزینه روبه رو هستیم که البته دوستان مجلس هفتم بدون هیچ سر و صدایی، تمام حامل‌های انرژی را که در این چند سال قیمت‌ها را ثابت نگه داشته بودند در قانون بودجه سال ۸۶ افزایش قیمت دادند و در اصل از قانون تثبیت قیمت‌ها عدول کردند اما با اجرای این قانون ضربه بدی بر اقتصاد کشور وارد آوردند.

اگر مصرف بنزین و گازوئیل در کشور با همین رشد سالانه ۱۰ درصد پیش برود ما تا ۱۰ سال دیگر هیچ نفتی برای صادرات نخواهیم داشت. در حال حاضر هم که روزانه ۴ میلیون بشکه نفت تولید می‌شود، بیش از ۲/۶ میلیون بشکه صادر نمی‌شود که با وارد کردن بنزین در اصل همان ۲ میلیون بشکه را صادر کرده ایم.

در انتخابات ریاست جمهوری اخیر تنها کسی که هیچ برنامه مدون و مکتوب اقتصادی نداشت آقای احمدی نژاد بود و با روی کار آمدن ایشان و این اقدامات دولت و مجلس قطار اقتصاد ایران از ریل خارج شده است که معلوم نیست به چه سمت و سویی حرکت می‌کند.

هنگام روی کار آمدن دولت آقای احمدی نژاد ذخایر ارزی کشور حدود ۴۰ میلیارد دلار و در صندوق ذخیره ارزی نیز ۱۷ میلیارد دلار موجود بود و برعکس هنگام روی کار آمدن دولت آقای خاتمی، ایشان در بهترین شرایط اقتصادی و فضای بین‌المللی دولت را در دست گرفت و در همان سال اول مسوولیت ایشان قیمت نفت هم رو به افزایش گذاشت تا جایی که درآمد ۴۸ میلیارد دلاری را در سال ۸۴ و ۵۲ میلیارد دلاری را در سال ۸۵ از طریق نفت حاصل کرد. این در حالی است که در کل ۸ سال مدیریت آقای خاتمی درآمد ارزی ایران از ناحیه نفت حدود ۱۷۲ میلیارد دلار بوده است. جالب این است که تمام این درآمد و ذخیره خرج شده است و در

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند ؟

فشار واضطرابی که بی جهت بر دانش آموزان و خانواده ها بوجود می‌آورد. ترا بخدا بازهم بنویسد بلکه پدر و مادر ما به صرافت بیفتند با روح ما چه میکنند؟! من سال سوم است که برای کنکور درس می‌خوانم، سال اول وقتی قبول نشدم اینقدر حالم بد شد که می‌خواستیم خودم را بکشم؛ ماهها دچار افسردگی شده بودم، بعد کم کم خودم را پیدا کردم. فشار روانی کنکور اینقدر بالاست که باعث می‌شود آدم هر چه که خوانده فراموش کند. امسال من از شدت اضطراب مریض شدم و نتوانستم امتحان بدهم. من ۷ ماه تمام با هیچکس تماس نداشتم و فقط درس می‌خواندم. آخر هم نتوانستم امتحان بدهم و خانواده ام هم از من طلبکار شده اند! کنکور از نظر نه تنها من بلکه خیلی‌ها یعنی جهنم یعنی سرکوفت، یعنی توقع، یعنی بی ارزش بودن و مدرک از وجود من آدمی مهمتر و با ارزش تر است. گمان نکنید که شاگرد تنبلی بوده ام نه! معدل من ۱۷ است. ولی نمیدانم چرا در کنکور قبول نمی‌شوم. شاید علت اصلی این غیر طبیعی شدن حالات روزمره من است. دیگر گویی نفس را نیز باید برای کنکور بکشم.

کنکور یعنی: می بینی...اگه کنکور قبول نمی‌شوی مثل من...بشین درستو بخون پس فردا دستت جلوی شوهرت دراز نباشه.

کنکور یعنی: خونه آقاچون چه خبره؟! سوال به تو نیامده و اینا برای تو درس و زندگی نمی‌شه. بشین سر درست تا امسال قبول بشی مثل دختر شمسی خانم. آبروی ما بیش از این نره تو مردم و محله.

کنکور یعنی: اون کتابهایی که مال پسر فلانی بود رو مطالعه کردی؟ مناسب بود؟ باز هم می‌خواهی دختر جون ما قالی زیر پامون را هم میفروشیم و کلاس تقویتی میفروسیم تا تو قبول بشی. حالا تمام هم تکنی اشکال ندازه فعلا در کنکور قبول شو ثبت نام نکن! شاید خواستگار برات پیدا بشه او..."

دومورد اسف بار فوق بوضوح نشانگر این امرند که ایراد تنها در سیستم آموزشی نیست. گرچه سهم آن بسیار عظیم است و بموقع بدان خواهیم پرداخت. ایراد در وطن ما هم آموزشی و هم سیاسی و هم فرهنگی است.

آنچه مسلم است تا زمانی که انسان در جامعه امکان و جولانگی برای رشد استعداد های خود آنها به صورت آزاد و بدور از هرگونه اکراه و اجباری نیابد و خصوصا استعداد آموختن را در محیطی کاملا آزاد پرورش ندهد و جامعه ای که ارزش افراد را با مظاهر ظاهری و شکل گرا از قبیل نمره و مدرک تعیین کند، حال آن نمره نشانی از سواد و توانایی علمی داشته باشد و یا نداشته باشد و بالعکس در آن جامعه باسوادان بدون مدرک، فاقد اعتبار شخصیتی باشند، آن جامعه بشدت بیمار و بسته و غیر آزاد است و در تمامی ابعادش دچار ضعف و رخوت و بازماندگی

خواهد شد. بسیاری از معضلات و گرفتاریهای روحی، روانی و فرهنگی - سیاسی- اجتماعی ما ریشه در طرز نگرش غلط و بعضا انسان کش خود ما دارد و نمیشود آن را صرفا بگردن دولت و بنیاد های آموزشی انداخت. و هر دو قابل کتمان نیز نیستند. بقول خاقانی: نه قصور من و تقصیر تو، حاشا شنوند!

کودکی ۷ ساله را در نظر بگیریم که بطور فطری و آزاد، سرشار از اشتیاق آموختن قدم به محیط آموزشی میگذارد. همه اتفاق نظر دارند که آموختن فرآیندی تدریجی است و زمانی استمرار میابد که اشتیاق و میل به یاد گیری در کودک و نوجوان و جوان نیز استمرار یابد و انگیزه های فرا گیری آنها در نطفه خفه نشود. هر کس در هر سنی با مشاهده رشد و کمال تدریجی خود، دارای حس مطبوعی به خود و محیط پیرامون خود که به وسیله دانش و اطلاع با آن تماس و رابطه برقرار میکند، میگذرد. ارتباط دادن اجزای این دانش با هم و پر کردن روزمره جاهای خالی این دانش با عمل به محرکی درونی و شاد آور برای کشف جهان پیرامون خود و هستی میگذرد که بدون دخالت عاملهای مخرب بیرونی دچار اختلال نمیگردد. از این رو انسان بطور خود جوش واجد انگیزه تلاش برای استمرار این حالت خوشایند است. پس با عارض شدن حالات و یا شرایطی از بیرون که این انگیزه خود جوش فرا گیری را به امری پر اکراه و اجباری و زوری بدل سازند، فرآیند فرا گیری دانش از روند طبیعی خود خارج میگردد.

آیا هر پدر و مادری و نیز معلم و دانش آموزی به این امر بدیهی فکر کرده است که زمانی که سبب و علت علم آموزی نه در خود علم، بلکه در بیرون آن قرار گیرد، ماهیت و شکل آن نیز از سازنده و فرح بخش بودن به مخرب و ملال آور تغییر میکنند؟ و یا از فرط سادگی و بدیهیت، پاک از آن غفلت میکنیم.

به عوامل خارجی در نوشته دو جوان فوق توجه کنیم که به هیچ وجه نه از جنس دانش اند و نه با آن ربط دارند. مسلما اگر کسی از والدین این دو جوان بپرسد آیا شما با باکفایت شدن و علم آموختن فرزند خود بطور طبیعی، مخالفتی دارید؟ جواب منفی خواهد شنید. ولی کمی دقت بر روی ترس واضطراب حاکم بر روح این دو جوان روشن میگرداند که خواسته ها و آرزوهای برآورده نشده والدین تقدم اولویت یافته است. و یا بعبارت دیگر پدر و مادرها حتی به قیمت فشار روحی بر فرزندان خود خود را قیم آنها در تصمیم گیری و تشخیص خیر و شر وی میدانند. جوانی که به خاطر ناراحت نکردن والدینش حاضر است در رشته ای ادامه تحصیل دهد که هیچ علاقه ای بدان ندارد و جرات بیان حس و تصمیم خود را ندارد، حاصل سیستم آموزش و پرورش ایران و فرهنگ اجباری است که در خانواده

با آن پرورش یافته است. از طرفی حق با این جوان است که اساس سیستم کنکور و گزینش رشته در حال حاضر تا بحدی معیوب است که بسیاری از جوانان "مجبور" به "انتخاب" (که مسلما در اکراه انتخابی وجود ندارد) رشته ای میگردند که نه بدان علاقه دارند و نه چشم اندازی از لحاظ شغلی در آن برای خود تصور میکنند. چرا که اگر همین "نقد" را هم رها کنند، گویی ۱۲ سال تحصیلشان حاصلی نداشته است! و درست با همین استدلال است که اغلب پدران و مادران، فرزندان خود را در محدود برای ادامه تحصیل در رشته ای که بدان اشتیاقی ندارند قرار میدهند.

ولی از طرفی هم ۱۲ سال تحصیل نتوانسته است چنان اعتماد به نفسی را در این جوان پرورش دهد که بطور مستقل به گرفتن تصمیمی مطابق خواست و میل خود توانا گردد. ناگفته پیداست که در صورتی که این جوان و امثال وی و د ر موقعیت وی مطیع و کورکورانه اجازه دهند دیگران برایش انتخاب کنند، باز به معنای ۴ سال زوری و اجباری فرا گیری علم خواهد بود. اگر فرا گرفتنی اصولا در کار باشد! از هم اکنون واضح و مبهرن است که چنین جوانی در شغل و کار آینده خود نیز به موفقیت چشم گیری نائل نخواهد آمد و خلاقیتی در آن رشته از خود بروز نخواهد داد.

چرا وقتی همه میدانیم آموختن فرآیندی تدریجی است به این فکر نمی آفتیم که ارزیابی آن نیز بایستی تدریجی صورت گیرد؟

چگونه امتحان کنکور در عرض ۲ یا ۳ ساعت میتواند توانا به سنجش ۱۲ سال فرا گیری باشد؟

مدارس ایران و بالتبع معلمان آموزش غلط را از ابتدا به شرح زیر به شاگردان خود انتقال میدهند.

تکنه حائز اهمیت اینکه تا زمانی که آموزش و پرورش و پدران و مادران در دانش آموز و فرزند خود نه به مثابه یک انسان که بایستی استعداد های چند گانه اش میدان رشد آزاد یابد، بلکه صرفا بصورت نیروی کار نظر می کنند، همانند منطق سرمایه داری بدنبال حد اکثر سود آنها از منظر خود و نه انتخاب فرزند و دانش آموز خواهند بود. در یک نظام اقتصادی بر این مبنا، تولید کننده به بازار و خریدار و به حد اکثر رساندن سود توجه دارد و نه الزاما تولیدی در راستای رفع نیازهای انسانی. معلمان و مدیران مدارس نیز از این امر مستثنی نیستند. بلکه مایلند شاگردانشان در کنکور بیشترین درصد قبولی را داشته باشند. کمتر مدیر مدرسه ای را می یابید که در تبلیغ مدرسه خود عنوان کند چه تعداد از شاگردان مدرسه اش خوشبخت به معنای واقعی کلمه شده اند و انسانهایی سالم با شخصیتی استوار و مستقل بار آمده اند، بلکه شاخصه اصلی در تبلیغ مدرسه درصد قبولی در کنکور است و بین مدارس مسابقه های رقابتی در این زمینه به رواج است. معلمی که مایل است شاگردانش در کنکور قبول شوند، مسلما با توجه به روشهای تست زنی که برای علم حکم در صفحه ۱۴



سرم را دارد، چنانچه به روشهای مبتنی بر ایجاد تفکر در شاگردان نیز قائل بوده است میبایستی آنها را رها و به روشهای شرطی متوسل گردد. یعنی اگر رسالت یک معلم این باشد که کوشش کند دانش آموزش بطور روز افزون، خود جهت یادگیری را تعیین کند و با اعتماد به ارزشمند بودن تجربه و اعتماد به توانایی خود، فرا گیرد که در جهت رشد خود قدم بردارد و متکی به خود باشد و تکیه آموزش بر مساله ای باشد که باید شناخته و حل شود به نحوی که دانش آموز هنگام مواجهه با مساله ای به یادگیری پردازد تا آن را حل کند، تا بگاه ورود به کار و در مسئولیتهای شغلی، با سهولت بیشتری از عهده حل مسائلی که پیش می آیند، بر آید، چنین معلمی بر عکس تکیه را بر روی "موضوع" و یا "مطلبی" قرار میدهد که دانش آموز با بایستی مطابق نظر معلم فرا گیرد تا در کنکور قبول شود. و بدین سان است که روشهای غلط درس خواندن برای امتحان و کسب نمره در دانش آموز بر اثر تکرار نهادینه میشود. و تغییر این رفتار دیگر بسیار دیر و زحمت آفرین خواهد شد. حاصل این قبیل فراگیرهای یک بار مصرف (فراگیری صرفا برای قبولی در امتحان) و روشهای تستی، اغلب عجول و بی حوصله وسطی و بدون دقت نظر بار آمدن دانش آموزان خواهد بود که حاصلش نیز بالمال بیزاری از علم و محیط آموزشی است. آن اشتیاق و آسایش و طمانینه ای که فراگیری آرام و بتدریج و پلکانی دانش در انسان میآفریند و نیز باعث دوام دانش در حافظه گشته و بدل به شالوده ای ارزشمند برای کشف ناشناخته ها میگردد، بدینسان از فضای آموزش و پرورش کشور رخت بر میندند.

اینجانب برای درک حس درونی دانش آموز در مواجهه با ۲ شیوه امتحانی، از دختر و پسر خود جويا گردیدم که حس درونی شما وقتی در امتحانی مواجه با تست چهار جوابه میشوید و یا بر عکس سوالی را در جلو خود مبینید که بایستی کامل پاسخ دهید چگونه است؟ و چه گونه این دو شیوه امتحان را ارزیابی میکنید؟ پاسخ آنها بدین گونه است:

چنانچه از قبل بدانم که تست چهار جوابی انتظارم را میکشد (امری که در مدارس آلمان رایج نیست) نا خود آگاه درس را عمیق نخواهم خواند چرا که میدانم برخی سوالات را حدسی پاسخ خواهم داد و بالاخره یک جواب صحیحی را در جلو خود خواهم دید که با تکیه به برخی دانسته های قبلی یافتن آن مشکل نخواهد بود.

در صورتی که با سوالی مواجه گردم که بایستی آن را بطور کامل خود پاسخ بگویم، مسلما نحوه آماده کردن خود بسیار با شیوه تستی فرق خواهد داشت. چرا که در مورد دوم هر یک جمله نگاشته شده من هم به خودم و هم به مصحح، خبر از میزان اطلاع من از آن فن و موضوع میدهد. و این امر یک بار وجدانی و اخلاقی دارد که هر دانش آموزی بپراحتی از زیر آن شانه خالی نخواهد کرد.

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

از عمرشان را به فراگیری فن و تخصص پردازند و مطمئن باشند این دو سال ثمرات بهتری را در بردارد. دانش آموزانی که صرفا در خود بعنوان نیروی کار نگریسته اند دیگر چه انگیزه ای برای فراگیری دانش خواهند داشت؟

تکاهی به سوال تست معارف در کنکور سال ۸۵ شدت زوری را که نظام ولایت فقیه هم در شکل کنکور و هم در محتوای آن به جوانان ایران حقنه میکند معلوم میگردد:

فقیهان واجد شرایط عهده دار ... وظائف پیامبران در زمان غیبت میباشند تا وقتی که ...

همه وظائف - تبعیت از ستمگران نکنند.

همه وظائف - به امور دنیوی پردازند اکثر وظائف - تبعیت از ستمگران نکنند.

اکثر وظائف - به امور دنیوی پردازند. و ظاهرا جواب "صحیح" اولی بوده است! یعنی فقها در زمان غیبت عهده دار همه وظائف پیامبران هستند تا وقتی که از ستمگران تبعیت نکنند.

بقول دانش آموزی با محرز بودن مخالفت صریح این جمله با نص قرآن و نیز میزان زوری که در این سوال نهفته است آنهم برای جوانی که بدان هیچ اعتقادی ندارد و در زمان مواجهه با این سوال گیر میکند بین وجدان و اعتقاد خود و احتمال اینکه با جواب ندادن به این سوال شانس قبولی خود را آنهم بدست خود در حد ۱ نفر هم که شده کمتر کند، مشخص میسازد که آموزش و پرورش در نظامی استبدادی چون نظام ولایت فقیه جز انتقال زور و جهل و دشمنی با دانش و فهم رسالتی ندارد.

انقلاب اسلامی: بار دیگر نوبت دانشجویان شد که زیر بیشترین ضربات رژیم سرکوبگر قرار بگیرند. از جرائم آنها شرکت در جنبشهای اعتراضی زنان و کارگران و معلمان است. بدیهی است کارگران و معلمان و زنان نیز همچنان سرکوب می شوند:

انواع روشهای تجاوز به حقوق انسان در دانشگاهها

در ۸ اردیبهشت ۸۶ اطلاع حاصل شد که هفته پیش از آن، برای پنج نفر از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز حکم یک ترم تعلیق از تحصیل با احتساب در سنوات صادر شده است.

در ۸ اردیبهشت ۸۶، اعضای شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، در مقابل کلاس دکتر رهایی، رئیس دانشگاه متحصن شدند. اعتراض دانشجویان به همکاری مدیریت دانشگاه با قاضی دادگاه بابک زمانیان (مسئول روابط عمومی انجمن اسلامی) در پرونده سازی برای وی، ممنوع ورود شدن اعضای انجمن اسلامی

دانشجویان و کارشنکی های حراست دانشگاه در برگزاری انتخابات انجمن اسلامی دانشجویان بود.

در ۸ اردیبهشت، سازمان عفو بین الملل با اعلام کاهش اعدامها در سال ۲۰۰۶، از شش کشور چین، ایران، عراق، آمریکا، پاکستان و سودان که بیشترین حکم اعدام را داشته اند، خواست به تمایل جهانی به لغو مجازات اعدام پیبوندند. بر اساس آمار منتشر شده توسط سازمان عفو بین الملل، فیلیپین سال گذشته به ۹۹ کشور ممنوع کننده حکم اعدام پیوست. ایرنه خان، دبیرکل عفو بین المللی گفته است: بسیاری از کشورها مانند کره جنوبی نیز درصدد ممنوع کردن حکم اعدام هستند.

بنا بر گزارش سالانه عفو بین المللی، شمار اجرای حکم اعدام در سراسر جهان از دو هزار و ۱۴۸ مورد در سال ۲۰۰۵ به یک هزار و ۵۹۱ مورد در سال ۲۰۰۶ کاهش یافته است. سال ۲۰۰۶ در آفریقا، تنها شش کشور این حکمها را اجرا کرده اند. در اروپا، بلاروس تنها کشوری است که این حکم را اجرا می کند و در قاره آمریکا نیز آمریکا تنها کشوری است که از سال ۲۰۰۳ حکم اعدام را اجرا می کند. همچنین عراق در رأس فهرست کشورهای است که بیشترین اعدامها در سال ۲۰۰۶ را داشته است. در ایران دست کم ۱۷۷ تن اعدام شدند و پاکستان نیز ۸۲ مورد و سودان ۶۵ مورد اعدام داشته است و در آمریکا نیز ۵۳ تن اعدام شدند.

طبق گزارش سازمان عفو بین المللی، در سال ۲۰۰۶ در چین بیش از یک هزار مورد حکم اعدام اجرا و با توجه به اینکه شمار اعدام شده یک مورد محرمانه در چین محسوب می شود، این آمار می تواند به هشت هزار تن برسد.

در ۸ اردیبهشت ۸۶، سعید مرتضوی، «داستان تهران» گفته است: زنان بدحجابی که به تذکرها گوش نکرده اند، بمدت ۵ سال از تهران تبعید می شوند.

در ۸ اردیبهشت ۸۶، شعبه ششم دادگاه انقلاب تهران، شهلا انتساری، از زنان تجمع کننده در میدان هفت تیر تهران را به تحمل سه سال حبس که دو سال و نیم آن به حالت تعلیق درمی آید، محکوم کرد.

در ۹ اردیبهشت ۸۶، جلسه رسیدگی به اتهامات غلامرضا غلام حسینی، از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی در شعبه ششم دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. در این جلسه نماینده دادستان، اتهام او را «تبلیغ علیه نظام» خوانده است.

در ۹ اردیبهشت ۸۶، اطلاع حاصل شد که در جنبش ۵ و ۶ اردیبهشت مردم اقلید، حدود یکصد نفر زخمی شده اند. به گفته یک منبع آگاه در مرکز اورژانس اقلید که خواست نامش فاش نشود، در ناآرامی های ۵ اردیبهشت این شهر حدود ۷۰ نفر و در در یورشهای قوای رژیم در ۶ اردیبهشت ۷۰ نفر زخمی شده اند.

اعتراض به جدایی دهستان خسرو شیرین از اقلید و الحاق آن به آباده، بدین سان به خون کشیده شده است.

در ۱۰ اردیبهشت ۸۶، اعضای شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان در اعتراض به ممنوع ورود شدن ۳ دانشجوی، بازداشت بابک زمانیان و کارشنکی در انتخابات انجمن اسلامی در صحن دانشگاه تحصن کردند. در حمایت از این اقدام انجمن اسلامی و اعتراض به روند مدیریت موجود در دانشگاه در ایجاد محدودیت ها و فشار فراوان بر فعالیت های آزاد دانشجویی دانشجویان دانشگاه با خروج غذاهای خود از سلف، در بیرون از سلف به صرف ناهار پرداختند.

در ۱۱ اردیبهشت ۸۶، یعقوب سلیمی؛ عضو هیئت رئیسه سندیکای کارگران شرکت واحد به اتهام فراری دادن منصور اسانلو دستگیر شد.

در ۱۱ اردیبهشت ۸۶، جمع کثیری از کارگران و خانواده های کارگری در جریان تجمع روز جهانی کارگر در مقابل اداره کار سندسج مورد ضرب و شتم و جرح قرار گرفته و تعدادی نیز بازداشت شدند.

در ۱۱ اردیبهشت ۸۶، در برخوردهایی که میان شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر با نیروی انتظامی رخ داد، یک کارگر جانباز مجروح شد. فیروز مصطفی که در کارخانه نساجی فخر ایران واقع در منطقه ساجبلاب کار می کند، هنگامی که از تجمع کارگران به سمت میدان هفت تیر می آمده، از پا و کتف مورد حمله افراد نیروی انتظامی قرار گرفته است.

در ۱۲ اردیبهشت ۸۶، وریا زمانی از فعالان کارگری ومدنی توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. وریا زمانی عضو کمیته برگزاری ۱ مه ۲۰۰۷ سندسج، عضو کانون دفاع از حقوق کودکان و جامعه حمایت از زنان، فعال انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر امروز در سندسج دستگیر شد.

در ۱۲ اردیبهشت، سخنگوی قوه قضائیه از بازداشت چند نفر در ارتباط با محتوای مجعول چند نشریه دانشگاه امیر کبیر خبر داد.

تجمع اعتراض آمیز در دانشگاه صنعتی امیرکبیر همچنان ادامه داشت و این روز، سومین روز آن بود.

تشکلهای دانشجویی در دانشگاههای مختلف ایران نیز با برگزاری تجمع و صدور بیانیه نسبت این توطئه ضد دانشجویی واواک - کیهان، اعتراض کردند.

در ۱۲ اردیبهشت، در تهران و دیگر شهرهای ایران، معلمان، با تشکیل اجتماع ها، مطالبه حقوق اجتماعی خود را پی گرفتند.

در ۱۴ اردیبهشت ۸۶، احمد قصابان، مدیر مسوول نشریه دانشجویی "سحر" دانشگاه امیرکبیر بازداشت شد.

در ۱۵ اردیبهشت ۸۶، سرخ های از دخالت بسیج در جعل نشریات دانشجویی پلی تکنیک پیدا شدند و فشار بر دانشجویان پلی تکنیک افزایش یافتند. بنا بر خبرنامه امیر کبیر در حالی که دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک سرخ هایی از دخالت بسیج و واواک در انتشار نشریات جعلی این

در صفحه ۱۵



باز گشت محفلی ها اتحاد محفلی ها و انسجام باند اسلامی (امامی)

شاخه تبلیغات شامل روزنامه ها، مانند کیهان، جمهوری اسلامی، اطلاعات و... و صدا و سیما که در آن هنگام به ریاست علی لاریجانی با پخش بعضا به اصطلاح اعتراضات تلویزیونی، زمینه را فراهم میساخت. وی اکنون رئیس شورای امنیت ملی کشور است و مسولیت مذاکره در باره پرونده هسته ای را نیز بر عهده دارد.

۳- نظامی و انتظامی شامل نیروهای ویژه در سپاه - از جمله سپاه قدس که ماموریت برون مرزی داشت و دارد - بسیج و نیروهای لباس شخصی که بخصوص در سرکوب اعتراضات مردم همچنان نقش دارند که معروفترین آن ایلغار کوی دانشگاه است و...

۴- شاخه قضایی که کار محاکمه و محکومیت متعزضین به نظام را عهده دار است و در صورت لزوم کار محاکمه و تبرئه عاملین ضرب و شتم و قتل مخالفین را نیز بر عهده میگیرد که موارد حمله کنندگان به کوی دانشگاه، سعید عسگر، ضارب ججاریان و صادر کنندگان فرمان قتلهای سیاسی از جمله قتل فروهرها... نمونه های بارز آن است

۵- در بخش اقتصادی، شرکتهای متعلق به سپاه پاسداران و آقازاده ها که باند مافیای اقتصادی را با ارگانها و سازمانهای مختلف درون حاکمیت در داخل و خارج از ایران تحت پوشش شرکتهای تجاری بوجود آورده اند.

۶- برون مرزی که سفارت خانه ها و نمایندگیهای رژیم و کنسولگری ها و بخصوص وابستگان فرهنگی در کشورهای خارجی را شامل میگردد و در محل سفارتخانه ها و نمایندگیهای رژیم مستقر هستند. از جمله وظایف این نمایندگیها، پوشش دادن و در اختیار قرار دادن امکانات لجستیکی و غیره برای تیمهای عملیاتی است (نقش سید حسین موسویان سفیر پیشین ایران در آلمان و نقش کاظم دارابی از عوامل سپاه، بهنگام قتل رهبران کرد در برلین، به شهادت حکیم دادگاه میکونوس و ضمنا رجوع کنید به مصاحبه سفیر در فیلم جنایت مقدس، ساخته رضا علامه زاده).

به هنگام قتل زنده یاران، شهید پروانه و داریوش فروهر، مختاری و پوینده شریف و دوانی و... که در دوران باصطلاح "اصلاحات" اتفاق افتاد. به فاصله کوتاهی به همت نیروهای مردمسالار مخالف رژیم ولایت مطلقه، آمرین و عاملین این جنایات به افکار عمومی معرفی شدند. - دستگاه تبلیغاتی سازمان ترور، این جنایت فجیع را قتلهای زنجیره ای خواند تا تحت این عنوان، سیاسی بودن آن را از عموم بیوشاند. - حکومت آقای خاتمی ناچار شد برای نجات دستگاه ظلم و فساد ولایت فقیه، تحولاتی را در این سازمان سامان دهد. وزارت اطلاعات، طی اطلاعیه ای قتلها را به گردن بخشی از آن وزارت خانه انداخت که آنها را غده خواند و بر آنها «محفلی ها» نام نهاد. سعید امامی یا اسلامی، امام آن محفل بود. او و چند نفری را بازداشت کردند، به او واجبی خوراندند و به قتلش رساندند. حسینیان در مراسم تدفین و فاتحه، او را شهید خواند. اما حکومت آقای خاتمی نتوانست و یا نتخواست سازمان ترور، که از ستون پایه های اصلی استبداد فاسد و جانی در ایران است را برچیند، زیرا اینکار نیاز به شفافیت و مردمسالار

کردن دولت داشت که این امر با طبیعت نظامی که او به گفته خودش برای نجات آن آمده بود، سازگاری نداشت.

سازمان ترور، در سایه حکومت اصلاحات آقای خاتمی، با خیال آسوده سازماندهی جدید خود را تدارک دید. با انتخاب کردن آقای احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور و تحمیل آن به مردم ایران. سازمان ترور از سایه بدر آمد و آنچه را که حکومت آقای خاتمی غده چرکین و سرطانی محفلی ها خواند و با افتخار گفت که آنها را ریشه کن کرده است، این بار در بالاترین مقامات حکومتی جای گرفته اند. احمدی نژاد که خود متهم است در ترور قاسملو و یاران او در وین نقش داشته، محفلی ها را فراخواند و می خواند تا مشاور و وزیر او باشند از جمله در:

وزارت کشور: پور محمدی، از مسئولین فاجعه اعدامهای سال ۶۷ و عاملی موثر در قتلهای زنجیره ای. وزارت اطلاعات: محسنی اژه ای از عاملین موثر و یکی از فتوا دهندگان در "قتلهای زنجیره ای"

وزارت خارجه: منوچهر متکی از اعضای برون مرزی سازمان ترور که در ناپدید شدن و ضرب و شتم مخالفان ایرانی در ترکیه دخالت داشت و از سوی دولت ترکیه عنصر نا مطلوب شناخته شده بود.

حسینیان که خود او در مصاحبه ای گفت " ما خودمان یک پا قاتل بودیم" مشاور عالی رئیس جمهور گردیده و لابد مشاور عالی او در امور قتل است!

سعید مرتضوی یکی دیگر از محفلی ها، جایگاه دادستانی کل را غصب کرده است و... امروز مافیای نظامی مالی با پروژه جعل و اتهام به دانشجو و دانشگاهیان و احضارشان به دادگاههای محفلی باهماهنگی کامل وزارت علوم محفلی با ربودن آنها، در تدارک تصرف کامل دانشگاه ها است و بیم آن میرود که بار دیگر شاهد سری جدیدی از قتلهای سیاسی باشیم. اینطور به نظر میرسد قصد آقای خامنه ای از اعلام سال "اتحاد ملی و انسجام اسلامی" توسط حکومت "مهرورز" و عدالت گستر تحقق باید و با اتحاد محفلی ها در تصرف دولت، تمامی ایرانیان از زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و کشاورز، معلم و فرهنگی و دانشجو و استاد و... بدون تبعیض از این "موهبت" سرکوب بی نصیب نمانند و در این امر اتحاد یابند. باند سعید اسلامی که پراکندگی در آن ایجاد شده بود منسجم شود و "انسجام اسلامی" "انسجام باند سعید اسلامی" گردد.

فاجعه بزرگ ایران این است، امروز که بهترین فرصتها فراهم است تا ایران نقش محوری خود را در منطقه و جهان ایفا نماید، مشتئ نادان کوتاه فکر بر آن حاکمیت یافته اند و میخواهند بطور محفلی سرنوشت آن را رقم بزنند. مدعی ریاست جمهوری اش که خود محفلی و بازیچه محفلی ها است، در کنفرانسهای بزرگ جهانی نمایندگی او را کسی به عنوان وزیر خارجه بر عهده دارد که عقل او فرا تر از عقل جنایتکاران محفلی نمیرود.

راستی حال که محفلی ها جمعند بهتر نیست که وزارت اطلاعات از راه مصلحت و خیر خواهی برای هم محفلیان نشان چند تایی از همان چشم بندهای کدایی که بر چشم بازداشت شدگان میزنند تا نامحرم را نبینند، البته از نوع (کوشش) تهیه کند تا اعضای هیئت های ایرانی که برای مذاکره به کشورهای خارج میروند همراه داشته باشند که اگر آجیانا نامحرمی در مجلس بود بر چشم بزنند تا برای دوری از مصیبت، مجلس را ترک نکنند؟

می خواهد و نمی تواند مذاکره کند؟

دانشگاه یافته اند، فشار مضاعف از سوی مدیریت این دانشگاه بر دانشجویان و اعضای انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر با آغاز هفته جدید تشدید شده است.

در ۱۵ اردیبهشت ۸۶، انتظامات دانشگاه امیرکبیر به دستور حراست از ورود ۳ دانشجوی این دانشگاه جلوگیری به عمل آورد. ابراهیم رحمانی، نایب دبیر شورای صنفی دانشگاه، آرمان صدقاتی، عضو هیئت رئیسه شورای صنفی دانشگاه و مجید توکلی، نایب دبیر سیاسی انجمن اسلامی، سه دانشجویی هستند که از صبح امروز بدون آن که حکمی از سوی کمیته انضباطی داشته باشند، ورودشان به دانشگاه ممنوع شده است.

همچنین هفته گذشته علی عزیزی، نایب دبیر دفتر تحکیم وحدت، احسان منصوری، دبیر سیاسی انجمن اسلامی و هادی باقری، عضو انجمن پلی تکنیک، به دستور دکتر رهایی، ریاست دانشگاه، ممنوع الورد شدند.

در ۱۴ اردیبهشت ۸۶، دانشجویان پلی تکنیک تهران، در اعتراض به بازداشت بابک زمانیان و احمد قصابان دانشجویان پلی تکنیکی و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان، در مقابل خوابگاه های شهید نجات الهلی و شهید گلشن دانشگاه تجمع کردند. این تجمع از ساعت ۸ شب با شرکت بیش از ۲۰۰ تن از دانشجویان آغاز شد.

در ۱۶ اردیبهشت ۸۶، پرونده "شادی صدر" و "محبوبه عباسقلی زاده" به دادیاری دادرسی انقلاب ارجاع شد. این دو از فعالان جنبش زنان هستند.

در ۱۷ اردیبهشت ۸۶، جمعی از پرستاران و مددکاران بیمارستان های دولتی مشهد در اعتراض به آنچه که نبود امنیت شغلی و کمبود حقوق خود می خواندند مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی مشهد تجمع کردند.

در ۱۷ اردیبهشت ۸۶، مقداد خلیل پور، مدیرمسئول نشریه دانشجویی «آینه» در دانشگاه امیرکبیر بازداشت شد. مقداد خلیل پور، مدیرمسئول یکی از نشریاتی که با استفاده از لوگوی آنها مطالب موهن به مقدسات اسلامی منتشر شد، صبح امروز هنگام خروج از خوابگاه توسط افراد ناشناس بازداشت شد.

در ۱۷ اردیبهشت ۸۶، مدیران مسوول نشریات دانشجویی، ریوار، سرخط، و آینه، در دانشگاه امیرکبیر به دادرسی انقلاب احضار شدند. مجید شیخ پور، مدیرمسئول نشریه دانشجویی «سرخط» در گفت و گو با خبرنگار ایلنا گفته است: حراست دانشگاه احضاربه ای به رویت ما رساند و اعلام کرد که تا صبح فردا فرصت داریم به دادرسی انقلاب مراجعه کنیم.

در ۱۷ اردیبهشت ۸۶، علی کاظمی زاده، مدیرمسئول نشریه دانشجویی «بن بست» با اعلام توقیف موقت سه ماهه این نشریه دانشجویی

گفته است: روز گذشته در نامه ای که به امضای مسوول دبیرخانه کمیته ناظر نشریات دانشجویی دانشگاه تهران رسیده بود، به من اطلاع داده شد که نشریه بن بست، به مدت سه ماه توقیف موقت شده است در حالی که هیچ اطلاعی درباره اتهامات نشریه به من نداده اند.

در ۱۸ اردیبهشت ۸۶، وکیل مدافع جلال حسینی و محمود صالحی از متهمان پرونده تجمع روز جهانی کارگر سال ۸۳ در شهرستان سقز از ابلاغ احکام تجدیدنظر موکلانش خبر داد.

شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان محکومیت دو سال حبس تعزیری جلال حسینی را به مدت سه سال به حالت تعلیق درآورد. این شعبه همچنین سه سال از محکومیت چهار سال حبس محمود صالحی را معلق و یک سال حبس تعزیری وی را تأیید کرد

در ۱۸ اردیبهشت ۸۶، جمعی از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه ظهر امروز با تجمع در مقابل دانشکده فنی خواستار پاسخگویی مسؤولان دانشگاه درباره تخلفات یکی از کارکنان دانشگاه شدند. تجمع کنندگان خواستار پیگیری و اطلاع رسانی مسئولین این دانشگاه در مورد تخلفات یکی از کارکنان دانشگاه مبنی بر حمل سلاح و ارتباط با نامحرم شدند.

در ۱۹ اردیبهشت، به گزارش «فعالان حقوق بشر در ایران» معلمان ایران در ۱۸ اردیبهشت، به شدت مورد ضرب و شتم مامورین نیروی انتظامی و اطلاعاتی (لباس شخصی) قرار گرفتند.

در پی اعتراضات و اعتصابات که از اواخر سال گذشته توسط معلمان ایران پیگیری شده است بسیاری از معلمان مورد بازداشت طولانی و موقت، تهدید، ضرب و شتم و توهین نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفته اند، طی روز گذشته معلمان سراسر ایران که قصد داشتند برای پیگیری مطالبات خود و در صدر آنها آزادی معلمان دستگیر شده را در مقابل مجلس و از نمایندگان خواستار شوند، مورد ضرب و شتم شدید نیروهای اطلاعاتی و انتظامی قرار گرفتند، در این تجمع برخی از معلمان دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

در ۲۰ اردیبهشت، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، سید حمید سید علی خانی (روحانی) در تاریخ ۱۸/۲/۸۶ توسط دادگاه ویژه به اتهام توهین به مقدسات و رهبری به شش ماه حبس تعزیری و ۸۰ ضربه شلاق محکوم شده است.

در ۲۰ اردیبهشت ۸۶ به گزارش ادوارنیوز: با بازداشت ۳ دانشجوی دانشگاه پلی تکنیک در عصر روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه تعداد دانشجویانی که هم اینک در زندان اوین در بازداشت موقت بسر می برند به ۷ دانشجو رسید.

در حال حاضر بجز احمد قصابان، مقداد خلیل پور، مجید شیخ پور و پویا

محمودیان، مدیرمسئول نشریات دانشجویی دانشگاه پلی تکنیک که ۲ تن از آنان با آرای بالای دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک به عضویت شورای مرکزی انجمن این دانشگاه انتخاب شده اند، مجید توکلی دیگر عضو منتخب انجمن پلی تکنیک و بابک زمانیان مسوول روابط عمومی انجمن پلی تکنیک در زندان اوین بسر می برند.

همچنین زینب پیغمبر زاده دانشجوی دانشگاه تهران و عضو کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت نیز روز دوشنبه بدلیل عدم تودیع وثیقه ۲۰ میلیون تومانی در خصوص پرونده تجمع زنان در ۱۳ اسفند ماه در برابر دادگاه انقلاب، بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. از سوی دیگر قاضی حداد معاون امنیت دادستان تهران در مصاحبه ای با فارس از ادامه بازداشت دانشجویان خبر داد و گفت: علاوه بر پنج نفر دستگیر شده چند نفر دیگر نیز در این ارتباط شناسایی شدند که احتمالاً به زودی دستگیر شوند.

وی در خصوص قبول این اقدام موهن از سوی افراد دستگیر شده گفت: به لحاظ خیانت و عنادی که در این نشریات نسبت به اسلام و مقدسات شده است هیچ کدام از مدیران مسوول دستگیر شده حاضر نیستند که مسولیت این کار را بر عهده بگیرند.

در ۲۰ اردیبهشت ۸۶ به گزارش ادوارنیوز: بدنبال تجمع روز سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه معلمان در میدان بهارستان تهران که با برخورد خشونت آمیز پلیس و بازداشت تعدادی از معلمان همراه بود، دستکم ۲۲ نفر از معلمان هنوز در بازداشت بسر می برند. معلمان تعدادی از بازداشت شدگان که از سوی منابع نزدیک به کانونهای صنفی معلمان در اختیار ادوار نیوز قرار گرفته به شرح زیر است:

اکبر رییس زاده دبیر / منطقه ۲ تهران

منصور میرزایی / دبیر یزد

مجتبی ابطحی / دبیر خمینی شهر

اصفهان

مصطفی قهرمانی گل / دبیر منطقه ۱۲

تهران

منصور عبدالحمیدی / دبیر منطقه ۹

تهران

همت شعبانی / دبیر کرمانشاه

یوسف غلامرضایی / دبیر منطقه ۴ تهران

اکبر اکبری / دبیر منطقه ۴ تهران

احمد قنبری / دبیر منطقه ۴ تهران

سعید تدینی / دبیر منطقه ۱۳ تهران

غلامرضا شیروانی / دبیر فلاورجان

اسماعیل رسولخانی / دبیر ناحیه ۲ رباط

کریم

رضا عبدی / دبیر منطقه ۱۸ تهران

عباس موسوی / دبیر ساری

◀ هاله اسفندیاری، مقام دانشگاهی،

در تهران توسط واواک دستگیر شده

است

انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز و مؤسس:

ابوالحسن نبی صدر

نشانی و بانی:

Enghelabe Eslami Zeitung
Postfach 11 11 18
D - 60046 Frankfurt
GERMANY

FRASPA - Germany
Konto No.: 12 30 26
BLZ.: 500 502 01

Enghelabe Eslami

Fondateur et responsable:
Abolhassan Banisadr
5, Rue General Pershing
F - 78000 Versailles, FRANCE
Fax.: +33 1 39 54 45 26

eMail.: EEZ5760GOF@AOL.COM

http://home.swipnet.se/Banisadr

ارتباط از طریق کامپیوتر:

1.5 EURO

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵، خارج از اروپا ۳۸، اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸، خارج از اروپا ۲۰، اورو و لطف کنید و چک نفعیتید، و در اشتراک رانند و با پست سفارشی یا بحساب بانک واریز فرمائید.

Nr. 671 14 - 24 mai 2007.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

سلب مالکیت تصمیم از بنیادها

محیط زیست و طبیعت است. بنا بر این بنیاد های قدرت محور کنونی بایستی جای خود را به بنیادهای سازگار با رابطه مستقیم و آزاد انسان با محیط زیست بسپارند.

تغییر هائی که پیشنهاد شدند و میزان های عدالت که یافته شدند، لاینحل دیگری را حل شدنی می کنند:

• علت تراحم ها و بسا تضادهای بنیادها، وقتی در خدمت قدرت هستند، و راه حل ها را شناسائی کردیم. اینک گوئیم: وقتی بنیادها وسیله هائی می شوند در اختیار انسان برای افزودن بر گستره آزادی (= لا اکره)، مجموعه هماهنگی بدست می آید از بنیادها برای آنکه انسان ها، در حالت آزاد، مجموعه ای از استعدادهای فعال بگردند و زندگی های خود را عمل به حقوق خویش بگردانند.

بدین قرار، اندازه سازگاری بنیادها با هر جامعه با یکدیگر، به سخن دیگر، اندازه خالی بودن ساخت آنها و رابطه هاشان از زور، میزان عدلی است که سالم بودن هر جامعه را معلوم می کند. زیرا هر اندازه سازگاری بنیادها با یکدیگر بیشتر، رابطه آنها از زور پر تر و تابعیت آنها از قدرت (= تولید و مصرف زور) بیشتر. برای مثال، در نظام استبدادی، حتی در بنیاد سیاسی نیز سازگاری وجود ندارد چه رسد به سازگاری این بنیاد با بنیاد اقتصادی. چرا که خود از زور ساخت جسته و با بنیادهای دیگر، بخصوص بنیاد اقتصادی، زور را رابط کرده است.

مجموعه بنیادهای سازگار با فعالیت آزاد انسان، آن وطنی می شود که، در آن، نقطه ها بی کران هستی و لحظه ها ابدیت هستند و انسان آزاد، عاشق، عارف و خلاق می گردد.

• بارز ترین میزان که تعیین می کند آیا بنیادهای جامعه در خدمت انسان هستند یا در خدمت قدرت، محل تمرکز و تکاثر و انباشت حاصل کارها است. در حال حاضر،

۱ - طبیعت فقیر و محیط زیست آلوده می شود.

۲ - کیفیت زندگی برای اکثریت بزرگ انسانیت، بدتر می شود.

۳ - میزان تولید و مصرف قهر افزایش می یابد.

۴ - نابرابری ها بیشتر می شوند.

۵ - سرمایه ها و دیگر نیروهای محرکه از جریان تولید بیرون می روند.

۶ - فرآوردهای ویرانگر افزایش می یابند.

۷ - بیکاری بیشتر می شود.

۸ - بدون کمترین تردید، ادامه رشد اقتصادی « کنونی عمر حیات بر روی زمین را کوتاه می کند.

۹ - از آنجا که دانش و فن کار بردی را پیدا کرده اند که قدرت بدانها داده

است، در بخش « پیشرفته » جهان نیز، عقب ماندگی مناطق وسیعی را در بر گرفته است و بر وسعت « شوره زارهای رشد » دائم افزوده می شود.

۱۰ - منابع طبیعت پیشخور و آینده انسان و طبیعت، پیشاپیش، متعین می شود.

۱۱ - از میزان فعالیت های خودجوش با آزاد انسان کاسته و بر چند و چون فعالیت های قدرت فرموده افزوده می شود.

۱۲ - با این همه، نیازهای بر نیامده، زمان به زمان بیشتر می شود.

۱۳ - از آنجا که سمت یابی فعالیتها را قدرت معین می کند، بخلاف ظاهر و بسا باور همگانی، نقش علم و فن در جهت یابی فعالیتها و تجربی شدن روشها کمتر می شود. و چون، اندیشه های راهنمایی که به فعالیتها جهت می دهند، بیان های قدرت هستند، این مجاز ها هستند که به فعالیتها جهت می دهند. در نتیجه،

۱۴ - رهبری و دلیل هر تصمیم و هر عمل نه در انسان، که در بیرون او، قرار می گیرند. برای مثال، این بنیاد اقتصادی است که نوع کار هر انسان و دلیل آن را معین می کند. و...

اگر هنوز وقتی باقی مانده باشد و اراده حیات در انسانها برانگیخته شود، می توانند جریان مرگ را به جریان زندگی باز گردانند. میزان همگانی که بر میزانهای پیشین باید افزود تا مجموعه ای از میزان های عدالت را تشکیل دهند، تغییر محل تمرکز و تکاثر و انباشت سرمایه و دیگر نیروهای محرکه، از بنیادهای جامعه، به انسان و طبیعت است.

• در حقیقت، انسان اقتصادی الگو، انسانی است که خود رهبری فعالیتها را برعهده دارد و به حقوق خویش عمل می کند. در نتیجه، دلیل هر فعالیت اقتصادی در خود آن فعالیت و حقوق او و حقوق دیگران و حقوق جمعی است. در مقام توضیح گوئیم:

وقتی هدف فعالیت را سرمایه معین می کند (= سود حداکثر)، دلیل فعالیت یک کارگر در هدفی است که کارفرمائی تعیین می کند. رهبری او نیز با کارفرمائی است. زیرا او خویشتن را بعنوان « نیروی کار » فروخته است. اصل بر رعایت حقوق نیز نیست. زیرا هرگاه این میزان عدل بکار می رفت، تولیدهای تخریبی که سود تولید کننده را به حد اکثر می رسانند، تولید نمی شدند. به جای آن، فرآورده هائی تولید می شدند که نیازهای اساسی انسانها را بر می آوردند و بسا در جهان ما، نه کسی از گرسنگی و نه از بی درمانی و نه از بی آبی و بی خانمانی می مرد.

بدین قرار، میزان عدل، استقلال انسان در رهبری، وجود دلیل در خود هر فعالیت، یعنی انطباقش با حقوق فردی و جمعی انسان ها است. انسان اقتصادی الگو، این انسان است.

• این انسان آزاد است. بنا بر این، استعدادهای بطور خودجوش فعال

و در فعالیت های خود، بطور خودجوش هماهنگ می شوند. بدین قرار، میزان عدل را، خودجوشی انسان اقتصادی در فعالیتهاش تشکیل می دهد. وقتی انسان، تحت رهبری از بیرون نیست و فعالیتهاش را امرها و نهی ها از بیرون تشکیل نمی دهد، یعنی در پندار و کردار تحت هیچ اکراهی نیست، بی کم و کاست بر میزان عدالت عمل می کند. و بهمان نسبت نیز که از خط راست عدل، فاصله می گیرد، استقلال رهبری را از دست می دهد و تحت امر و نهی رهبری که در بیرون او قرار می گیرد، فعالیتهاش بفرموده می شوند. ستم کامل زمانی است که انسان در هیچیک از فعالیت های خودجوش نباشد. بدین میزان می توان فعالیت های اقتصادی را در جامعه های گوناگون، از لحاظ عادلانه یا ظالمانه بودنشان، اندازه گرفت و دانست چرا از هر چیز به اندازه وجود دارد اما انسانها ندرت ایجاد می کنند.

همه انسانها می توانند سیر شوند ولی گرسنه اند و... تصور دنیائی که، در آن، انسانها آزاد تر، دانشمند تر، انس جو تر، مقتصد تر، هنرمند تر و عارف تر (= اینهمانی با هستی)، در نتیجه خودجوش تر و طبیعتی آبادان تر و محیط زیستی سالم تر باشند، تصور دنیائی است با قوای نظامی و تسلیحات کمتر، برابری بیشتر، روابط مسلط - زیر سلطه کمتر و روابط تعاون، در یک مردم سالاری بر اصل مشارکت در مقیاس جهان، بیشتر، با فرهنگی پیراسته از ضد فرهنگ زور و خشونت و از هنر صلح جوئی سرشارتر.

برنامه عملی در بعد اقتصادی، مرحله به مرحله، بر وفق میزان های عدل، می باید تشخیص و به روش تجربه به اجرا گذاشته شوند.

در دوران مرجع انقلاب، در آن شرائط نامساعد، برنامه ای تهیه و به اجرا گذاشته شد. میزان در تهیه برنامه اقتصادی، جلوگیری از بازسازی ستون پایه های قدرت بود. با آنکه مطالعه و تجربه ما، به کمالی (در مقایسه با آن روز) که اینک پیدا کرده است، نرسیده بود، حاصل تجربه مسلم کرد که راه حل اقتصادی دیگر و به عمل در آوردنی، وجود دارد.

حاصل اجرای آن برنامه این شد که درآمد سرانه، از هزینه سرانه بیشتر شد. تولید نفت به قصد صدور، به یک چهارم و قیمت آن به سه برابر در بازار رسمی و نزدیک به ۴ برابر، در بازار « آزاد » رسید و...

به سخن دیگر، نه تنها رشد اقتصادی میسر است بلکه طرح و اجرای برنامه اقتصادی بر میزان عدالت نیز شدنی است.

خبرهائیکه در مجموعه خواننده اید

◀ ماجرای عصیان اقلید که منجر کشته و زخمی شدن شمار بسیاری شد، اینطور بوجود آمد: احمدی نژاد به آباده می رود و خطاب به جمعیت آورده شده به محل سخنرانی می گوید: من خسرو شیرین را برای شما آورده ام (روستائی که جزء اقلید بوده است). سخن او موجب عصیان مردم اقلید می شود. پس از عصیان مردم اقلید، احمدی نژاد این راه حل را پیدا می کند: خسرو را اقلید بردارد و شیرین را آباده!

◀ خامنه ای از دست احمدی نژاد به تنگ آمده است. زیرا هرچه می گوید، او وارونه آن را می کند. تدبیری که به نظر خامنه ای رسیده است اینست که ولایتی را معاون اول احمدی نژاد کند و او احمدی نژاد را کنترل کند. اما ولایتی زیر بار نمی رود. زیرا اولاً احمدی نژاد را قابل کنترل نمی داند و ثانیاً این مقام را برای خود مجازاتی می شمارد!

◀ تحول در رژیم، هرج و مرج را به انتها رسانده است: مافیاهای نظامی - مالی که دولت و اقتصاد را تصرف کرده است، در همان حال که با ملاتاریا در جنگ است، از سپاه نیز فاصله می گیرد. شیرازه امور چنان گسیخته است که مدیریت منسجم که سپاه باشد، خود را تنها مدیریت درخور برای اداره جامعه ای می شمارد که نظام ارزشی خود را از دست داده است و تن به هیچ مهارتی نمی دهد. بنا بر این، در رژیم، سه گروه بندی دارند رویارو می شوند: مافیاهای نظامی - مالی و ملاتاریا و سنتی ها و سپاه.

در برابر این رژیم که بر آن پول ولایت مطلقه یافته است و هرج و مرج بر آن حاکم است، جامعه ترس را از دست داده است. در درون رژیم هم بسیاری به این نتیجه رسیده اند که وضعیت کنونی قابل بقا نیست. آنچه انجام حداقل موجود را نگاه داشته است، امریکا و سیاست او است. ایران در محاصره نظامی و اقتصادی امریکا است. خطر جنگ وجود دارد و... بدین خاطر است که سران رژیم حاضر به عادی کردن رابطه با امریکا نمی شوند. زیرا می دانند عامل انسجام موجود نیز از میان می رود و شیرازه رژیم گسیخته می شود.

در جامعه، در همان حال که جامعه جوان رشد می کند، یکی بعلت از میان رفتن نظام ارزشی توسط ملاتاریا و دیگری بخاطر فقدان مدیریت منضبط دولت، امنیت و منزلت از میان رفته است. جامعه در پی نظام ارزشی جدید است و آنچه در خاطره جمعی، معرف این نظام ارزشی و بیاتر آرمان سیاسی است، کسانی هستند که در دوران مرجع انقلاب، بر اصول راهنمای انقلاب ایران ایستاده اند. پریشی که بخصوص جامعه جوان با آن روبرو

است، این پرسش است: چگونه می توان آن الگوی سیاسی را حال کرد؟ هرگاه جامعه جوان پاسخ این پرسش را بیابد، جهت و مسیر رشد را یافته است، اگر نه، با توجه به از هم گسیختگی رژیم، احتمال استقرار رژیم نظیر رژیم پاکستان وجود دارد. البته در صورتی که سپاه بتواند بر دو رقیب خود در رژیم فایق آید.

◀ روبرت پاری (۸ مه) نوشته است: اگر امریکائیا حرفهای اسامه بن لادن را می شنیدند و وارونه آن را عمل می کردند، گرفتار بوش نمی شدند. بوش می گفت: این القاعده است که خواستار تخلیه عراق از سوی قوای امریکا است تا عراق را جولانگاه خود کند. اما تازه ترین مدرک بدست آمده که تعلیمات الظواهری است حاکی است که او نگران آنست که مبادا ننگره امریکا حکومت را ناگزیر کند قوای خود را از عراق است. زیرا اگر قوای امریکا بروند، فرصت جنگ با امریکا را از دست می دهد و بیهانه عملیات در عراق را نیز از دست می دهد. از خدا می خواهیم قوای امریکا در عراق بمانند و پس از آنکه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار کشته دادند از عراق بروند.

اما، در علن، همین ظواهری از لزوم تخلیه عراق از سوی امریکا دم می زند. این موضع گیری علنی را بوش دست اویز کرده است و می گوید القاعده می خواهد امریکا عراق را از قوای خود تخلیه کند.

◀ به گزارش لوموند (۱۰ مه) هاله اسفندیاری، استاد دانشگاه که مدیر مطالعات پیرامون خاورمیانه در مرکز بین المللی وودرو ویلسون در واشنگتن است، در ۸ مه، در تهران دستگیر و روانه اوین شده است. او قربانی همان راه و روش متخذ در دسامبر ۲۰۰۶ برای متهم کردن استادانی شده است که با مراکز علمی غرب ارتباط دارند. چندین استاد قربانی این راه و روش شده اند.

هاله اسفندیاری برای دیدن مادر خود به ایران رفته بود. گذرنامه او را توقیف و خود او را به جاسوسی متهم می کنند. به گزارش نیویورک تایمز چندین بار بازجویی شده است. این محقق معتبر در گذشته، در دانشگاههای آکسفورد و پرینستون و نیز در دانشکده روزنامه نگاری ایران ادبیات فارسی تدریس می کرده است. او هر سال به ایران می رفت بدون این که اسباب ناراحتی او را فراهم کنند.

او چندین تألیف در باره زن ایرانی دارد. اتهام او به خطر انداختن امنیت ملی، یعنی جاسوسی است!

◀ نیوزویک (۹ مه) گزارش می کند که، میان ایران و امریکا، علاوه بر اتم و حال و آینده عراق، موضوع مناقشه جدیدی بوجود آمده است و آن سلامت اتباع امریکائی در ایران است: • بوب لوینسون (بازتاب مدعی شد بی سر و صدا به امریکا بازگشته است) بمدت ۲۲ سال، کارش در اف بی آی، راز سرها را یافتن بود و اینک خود موضوع یک سر شده است. دو ماه پیش، او به اتفاق پرسش به فلوریدا رفت و از آنجا به جزیره کیش پرواز کرد و بعد از دیدار با تاجر، ناپدید شد. و اینک همسرش به واشنگتن آمده است و از حکومت همسرش را می خواهد.